







فصلنامه چند زبانه علمی - اختصاصی

# PURE LIFE

ژوئنه ﴿ دین و بلا یای طبیعی؛ فرصت ها و چالش ها با تکیه بر بیماری کرونا ﴾ (۲)

سال هفتم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۹، محرم ۱۴۴۲، سپتامبر ۲۰۲۰

صاحب امتیاز: جامعة المصطفی ﷺ العالمية  
دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، معاونت پژوهشی و تولید

مدیر مسئول: حجة الاسلام دکتر سید مهدی حسینی  
سر دبیر: دکتر سید اباذر هاشمی هریکنندی  
مدیر اجرایی: حجة الاسلام محمد جواد نجفلو

## هیئت تحریریه:

|                                                                      |                          |
|----------------------------------------------------------------------|--------------------------|
| رئیس دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ایران)                                 | سید مهدی حسینی           |
| معاون پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ایران)                 | سید اباذر هاشمی هریکنندی |
| مدیر اداره ارتباطات و بین الملل دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ایران)      | محمود نظری               |
| مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ایران)                | مهدی سازندگی             |
| مدیر گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (آذربایجان)         | توفیق اسداف              |
| مدرس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ایران)             | مجتبی رحمتی              |
| مدرس گروه فلسفه، کلام و عرفان اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (سوریه) | یزن علی                  |
| مدرس گروه قرآن و حدیث دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (پاکستان)              | غلام جابر محمدی          |
| مدرس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ (ترکیه)             | کمال کورکماز             |

صندوق پستی: ۳۷۱۳۹۱۳۵۵۴

شمارگان: چاپ الکترونیکی

شاپا: ۷۶۱۹-۲۶۷۶

نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، بین کوچه ۴ و ۶

تلفن و نمابر: ۳۲۶۱۳۸۷۵ - ۳۲۱۱۴۱۷۵

تعداد صفحات: ۱۹۰ صفحه

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: [research@mou.ir](mailto:research@mou.ir)

بر اساس مصوبه:

جلسه ۲۲ شورای نشریات المصطفی ﷺ

(مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹)،

و شناسه مجوز ۷۴۳۲۷ سامانه جامع رسانه‌های کشور

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / مورخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

این نشریه در سطح نشریات علمی – اختصاصی، تعیین شد.

فصلنامه به صورت الکترونیکی است که در نشانی‌های زیر،

قابل دریافت است:

<http://p-l.journals.miu.ac.ir>

<https://civilica.com/l/20058>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325>

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<https://journals.indexcopernicus.com/search/details?id=67468>

## راهنمای نویسندگان مقالات

۱. مقاله باید شامل قسمت‌های زیر باشد:  
عنوان، چکیده و کلیدواژگان، مقدمه یا طرح موضوع، بدنه اصلی مقاله، نتیجه‌گیری، فهرست منابع.
۲. تنها مقاله‌هایی قابل بررسی است که قبلاً منتشر نشده باشند، و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد.
۳. مسئولیت صحت و سقم مقاله به‌لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسنده مسئول است.
۴. حق رد یا قبول مقاله‌ها برای نشریه محفوظ است؛ البته دبیرخانه نشریه موظف است ظرف حد اکثر یک ماه - ۳۰ روز - به نویسنده مسئول مقالات ارسالی، آخرین وضعیت مقاله را گزارش دهد.
۵. تأیید نهایی مقاله برای چاپ در نشریه، پس از نظر داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
۶. حجم مقاله حداقل ۸ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای خواهد بود.
۷. نقل و اقتباس از مقاله‌های نشریه، با ذکر مأخذ آزاد است.
۸. جهت نوشتن مقاله به زبان‌های فارسی و عربی، از فونت ۱۳ و خط "IRLotus" استفاده شود، جهت نوشتن مقاله به زبان اردو از فونت (۱۳) و خط "Alvi Nastaleeq" استفاده شود و جهت نوشتن مقاله به زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها از فونت ۱۳ و خط "Times New Roman" استفاده شود.
۹. فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا و به شرح زیر آورده شود:  
✓ نام خانوادگی، نام؛ (سال نشر). عنوان "Bold". نام مترجم. چاپ. محل نشر: نام ناشر.
۱۰. درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به صورت (نام مؤلف، سال نشر: صفحه) آورده شود.
۱۱. ارجاعات هر صفحه مانند صورت لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و... در پاورقی همان صفحه آورده شود.
۱۲. نویسنده لازم است به همراه ارسال مقاله به نشانی رایانامه معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه [research@mou.ir](mailto:research@mou.ir) نام و نام خانوادگی و رتبه علمی خود را ارسال نماید.
۱۳. با توجه به چندزبانه بودن نشریه، پژوهشگران محترم می‌توانند مقالات خود را به زبان‌های فارسی، عربی، اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آذری و... ارسال نمایند.
۱۴. پس از چاپ مقاله، دبیرخانه نشریه موظف است یک نسخه از نشریه الکترونیکی را به رایانامه نویسنده/ نویسندگان ارسال کند.



## فهرست مطالب

### بخش فارسی

- سخن مدیر مسئول ..... ۹
- سخن سردبیر ..... ۱۰
- بررسی رابطه شرطیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی در ساحت تکوین و جزا با رویکرد کلام و فلسفه اسلامی ..... ۱۱
- نظیفه فتحی
- مواجهه ارزش‌های دینی و بلایای همه‌گیر؛ فرصت‌ها و چالش‌ها ..... ۴۱
- محمدرضا کلان‌فریبایی
- بازخوانی کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی با رویکردی بر آیات و روایات ..... ۷۳
- حسین سلطان محمدی، فاطمه سلطان محمدی
- کرونا و تمدن بشری ..... ۱۰۵
- فرزانه عبدلی، فاطمه سادات علوی
- آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ ..... ۱۲۹
- احمد موحدی

## القسم العربي

|           |                                              |
|-----------|----------------------------------------------|
| ١٥٥ ..... | كلمة المشرف العام                            |
| ١٥٦ ..... | كلمة رئيس التحرير                            |
| ١٥٧ ..... | السياسة والحكم في الإسلام<br>مالك مهدي خلصان |

## Azerbaijani Section

|                                                    |     |
|----------------------------------------------------|-----|
| Müdirin ön sözü .....                              | 179 |
| Baş Redaktorun ön Sözü .....                       | 180 |
| Korona virusu bəhanəsi ilə qadınlara nəsihət ..... | 181 |
| Rövşən Əhmədzadə                                   |     |

## سخن مدیر مسئول

”PURE LIFE“ دریچه‌ای به زندگی جاوید بشری خواهد بود. دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ رسالت خود را معرفی آموزه‌های الهی برای انسان خاک‌نشین می‌داند تا از رهگذر دانشی که خداوند در اختیار او گذارده، زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کند؛ به نحوی که آرامش دنیوی و سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد.

”PURE LIFE“ فرصتی برای دانش‌پژوهان و دانش‌آموختگان دانشگاه و سایر پژوهشگران است تا آموخته‌های علمی- معرفتی خود را بر پهنای فضای مجازی بگسترانند و با زبان عالمانه معرفت دینی را در ساحت‌های مختلف زندگی بشری بازتاب دهند.

امید که با همت جویندگان نور دانش، این پنجره هر چه پُرفروغ‌تر گردد.

# سخن سردیر

پژوهش به عنوان شریان حیات در حوزه دانش و بینش عمل می‌کند که پویایی آن می‌تواند به تحریک در رویش و گسترش مرزهای دانش انجامیده و بی‌توجهی به این حوزه، ایستایی و نهایتاً میرایی دانش را رقم می‌زند که جهل، اولین دستاورد آن است؛ در دنیای امروز نیز شاهد جهالت مدرن هستیم که محصول عدم پژوهش سلیم در حوزه‌های مختلف است.

امروزه پژوهش مجرای گسترش مرزهای دانش بوده و جایگاه سترگی در فعالیت‌های بشری به خود اختصاص داده است؛ هم‌چنین تتبع در حوزه علوم انسانی و اسلامی می‌تواند انسان را در فهم مسائل و دشواری‌های انسانی توانمند ساخته و برای آن‌ها راه حل ارائه کند. پیشرفت روزافزون حوزه‌های دانشی، ضرورت ورود به عرصه‌های علمی بیشتری را می‌طلبد؛ چه آن‌که امروزه بسیاری از حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نیازمند تبیین و ارائه در عرصه جهانی است.

فصلنامه علمی - اختصاصی **“PURE LIFE”** به منظور ایجاد فضای ارائه مقاله‌های دانش‌پژوهان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ و سایر پژوهشگران در تلاش است ضمن ارتقای سطح پژوهش‌های دانش‌پژوهی مرتبط با علوم اسلامی، بستر مناسبی برای توسعه ارتباط میان پژوهشگران عرصه علوم اسلامی - انسانی باشد.

**“PURE LIFE”** به صورت فصلنامه چندزبانه و الکترونیکی منتشر می‌شود. این شماره به‌موضوع «دین و بلایای طبیعی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها با تأکید بر بیماری کرونا (۲)» می‌پردازد و ماحصل ۷ مقاله به ۳ زبان فارسی، عربی و آذری است.

فصلنامه **“PURE LIFE”** با عنایت کمیسیون نشریات جامعه المصطفی ﷺ العالمية و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نخستین نشریه علمی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ آمادگی انتشار مقاله‌های دانش‌پژوهان را دارد.

# بررسی رابطه شرطیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی در ساحت تکوین و جزا با رویکرد کلام و فلسفه اسلامی

نویسنده: نظیفه فتحی (ایران)<sup>۱</sup>

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

## چکیده

این مقاله با هدف بررسی رابطه عدل الهی در ساحت تکوین و جزا با شرور طبیعی انجام شده است و برای این منظور آرای کلامی و فلسفه اسلامی درباره شرور واکاوی شده است. نتایج دو دیدگاه مورد بررسی در این پژوهش نشان می‌دهد نگاه متکلمان اسلامی قائل است که نظام آفرینش، نظام احسن است؛ شرور ابتدایی، کیفری و غیر کیفری است؛ حکمت شرور غیر کیفری برای معصوم و برخی اولیاء الله تکامل و رسیدن آن‌ها به درجات بالاتر است و ریشه شرور کیفری، گناه انسان است؛ لذا افرادی که مبتلا به شر کیفری می‌شوند، دو دسته هستند: افرادی که مورد غضب خداوند قرار می‌گیرند و گروهی که خداوند برای جلوگیری از مبتلا شدن آن‌ها به شرور نهایی، بر ایشان بلا فرو می‌آورد تا آن‌ها را تأدیب کند. شرور طبیعی هم‌چون سیل و زلزله و بیماری از جمله شرور کیفری هستند که ریشه آن‌ها به گناهان انسان باز می‌گردد. نتایج دیدگاه فلاسفه اسلامی قائل است به این‌که شر، عدم ملکه خیر است؛ شرور نسبی و بالعرض به لحاظ شر بودن و نقص و جهات عدمی مورد تعلق اراده الهی قرار نمی‌گیرند، بلکه جهات کمال و خیرات آن‌ها است که متعلق اراده الهی واقع می‌شود؛ تضاد و تراحم از ویژگی‌های ذاتی جهان مادی و لازمه نظام علیت است و نقایص و شرور فوایدی دارد که از جمله آن‌ها فراهم شدن زمینه تکامل برای انسان‌ها از راه تحمل سختی‌ها و بلاها و پند گرفتن از حوادث است.

---

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی، گروه کلام، دانشکده علوم انسانی و حکمت و تاریخ، جامعه المصطفی 

العالمیه، مجتمع آموزش عالی مشهد، مشهد، ایران، [nazifehfathi@yahoo.com](mailto:nazifehfathi@yahoo.com)

بر این اساس، بیماری کرونا از جمله شرور طبیعی است که بنابر دیدگاه نخست شامل شرور کیفری است و ریشه آن به گناه انسان برمی گردد؛ لذا جزا و پاداش کیفر نیز بر اساس رفتار انسان است که خداوند به مقتضای عدل خود با انسان‌ها رفتار می کند؛ اما مطابق با دیدگاه دوم، بیماری کرونا از جمله شرور نسبی و بالعرض است که به لحاظ شر بودن مورد تعلق اراده الهی قرار نمی گیرد.

**واژگان کلیدی:** عدل الهی، شر طبیعی، تکوین و جزا، کلام و فلسفه اسلامی، بیماری کرونا

### مقدمه

در تمام ادیان الهی، اعتقاد به توحید با اعتقاد به عدل الهی همراه است و همه موحدان به عدل الهی معتقدند و موحدی واقعی را نمی توان یافت که به عدل الهی اعتقاد نداشته باشد؛ یعنی خدای ادیان عادل است و هیچ ستمی به خلق خویش روا نمی دارد؛ بنابراین عدل الهی جزو اصول تمام ادیان الهی و اعتقاد به آن رکن اساسی دینداری است. (بیابانی اسکویی، ۱۳۹۱: ۱۸)

عدل الهی در سه حوزه مورد بحث قرار می گیرد:

۱. عدالت در حوزه آفرینش
۲. عدالت در حوزه قانونگذاری و تشریع
۳. عدالت در حوزه جزا و پاداش.

از آن جا که زمینه های ظلم از خداوند متعال منتفی است؛ خداوند در هر سه حوزه عادل است، خیر و شر نیز از سه جهت با مباحث خداشناسی از جمله با توحید، عدل و حکمت الهی در ارتباط است.

مسئله عدل الهی و شرور از دوران باستان مطرح بوده است؛ در یونان باستان اپیکور<sup>۱</sup> به استناد شرور، عدل الهی را مورد سؤال قرار می‌داد. کسانی هم چون هیوم<sup>۲</sup> و راسل<sup>۳</sup> این اشکالات را پی گرفته‌اند، در این عصر نیز کسانی هم چون آنتونی فلو<sup>۴</sup> و جی. ال. مکی<sup>۵</sup> تنسیق‌های جدیدتری از آن ارائه کرده‌اند. (توکلی، ۱۳۸۲)

این بحث در کلام و فلسفه اسلامی نیز مطرح است؛ لذا تبیین عدل الهی و ارتباط آن با شرور و بیماری کرونا از دیدگاه اسلام امری ضروری است که بیان آن به تعمیق باورهای اعتقادی کمک خواهد کرد و در جامعه دینی باعث استحکام اعتقادات دینی خواهد شد. بررسی منابع و پایگاه‌های مختلف نشان داد تاکنون کسی پژوهشی درباره عدل الهی و ارتباط آن با بیماری کرونا انجام نداده است. این مقاله با بررسی آرای کلامی و فلسفه اسلامی درباره شرور طبیعی و ارتباط آن با عدل الهی برخاسته است و برای رسیدن به این هدف، به بررسی آرای کلامی و فلسفی درباره شرور پرداخته و سپس نتایج دو دیدگاه بررسی شده و به تبیین این مطلب می‌پردازد که شرور در ساحت عدل الهی در حوزه آفرینش و جزا چگونه مرتبط می‌شود.

### بیماری کرونا؛ شرط طبیعی

بشر از دیرباز پدیده‌های جهان را به دو قطب خوب‌ها و بد‌ها تقسیم کرده است و باران و خورشید و زمین را در قطب خیرها و خوب‌ها به شمار می‌آورد. تاریکی، خشکسالی، سیل، زلزله و بیماری‌ها نیز در صف بد‌ها و شرور جای می‌گیرد؛ البته

---

1. Epicure

2. Hume

3. Russell

4. Antony Flew

5. J. L. Mackie

در این دسته‌بندی بشر خودش را مقیاس و محور تشخیص قرار داده است، یعنی هر چه را که برای خویش سودمند می‌یافته، خوب می‌دانسته و هر چه را که برای خویش زیانمند می‌دیده، بد نامیده است.

یکی از مصادیق بد و شر، ویروسی به اسم کرونا است. این ویروس در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ میلادی با نام کووید-۱۹ باعث شیوع پنومونی از شهر ووهان به سراسر چین شد که در حال حاضر تهدیدات بهداشتی بزرگی برای سلامتی عمومی جهان ایجاد کرده است.

بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ ناشی از کرونا ویروس نوین ۲۰۱۹ در سراسر جهان، در حال گسترش است و تا اول ماه می ۲۰۲۰ میلادی تعداد ۲۱۳ کشور در جهان و از جمله ایران را مبتلا و درگیر کرده است. طبق آمار جهانی اعلام شده، نرخ مرگ و میر ۳/۴ درصدی برای این بیماری ثبت شده است. علائم اولیه آن نیز شامل تب، دردهای عضلانی، خستگی و تنگی نفس است. تا به امروز واکسن یا دارویی برای عفونت‌های ویروس کرونا از نظر بالینی تأیید نشده و در دسترس قرار نگرفته است؛ هر چند مطالعات در داخل و خارج کشور در این زمینه آغاز شده و ادامه دارد.

بنابراین پیشگیری و کنترل عفونت و رعایت اصول بهداشتی توسط عموم مردم در اولویت است. تحقیقات گسترده‌ای در مورد کرونا نیاز است تا مسیر انتقال و سازوکارهای بیماری‌زایی آن به طور دقیق روشن شود و اهداف بالقوه دارویی شناسایی گردد. تاکنون در مورد ویژگی‌های اپیدمی و اتیولوژیک کرونا، ویژگی‌های اساسی بیولوژیکی از جمله گیرنده‌ها و مسیر انتقال آن و تشریح رویکردهای پیشگیری از بیماری و درمان ارائه شده است.

هم‌چنان امیدواری وجود دارد که پیشگیری، کنترل و درمان بیماری کووید-۱۹ از طریق تولید واکسن و دارو و اقدامات بهداشتی- درمانی در آینده نزدیک محقق شود. (فرونش و همکاران، ۱۳۹۹: ۷)

## مفهوم عدل الهی

با بررسی انجام شده در کتاب‌های لغت و کتاب‌های پیرامون عدل الهی، برای عدل معانی متعددی در لغت و اصطلاح بیان شده است که به برخی از معانی اشاره می‌شود: راغب در «مفردات الفاظ القرآن»، عدل را به معنای مساوات و تقسیط بر اساس راستی و کمال دانسته و می‌نویسد: عدل در جایی به کار می‌رود که آن امر با بصیرت و آگاهی درک شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۱)

طریحی عدل در لغت را به معنی برقراری تساوی بین دو چیز و بر اساس آیه ۷۰ سوره انعام به معنی فدیة معنا کرده و آن را از اسمای الهی دانسته که خلاف جور بوده و حاکی از پاداش خوب بر اساس خوبی و مجازات بر اساس سیئه است؛ (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۲۰) هم‌چنین عدل در نزد متکلمین را دور بودن ذات خداوند از فعل قبیح که مخل واجب الوجود است، بیان کرده است. علامه حلی در بیان مراد متکلمان از عدل گفته است:

«اطلق المتکلمون العدل علی العلوم التي لها تعلق باحكام افعاله تعالى من حسن الحسن منها وجوب الواجب و نفی القبیح عنها»؛ متکلمان عدل را بر علومی اطلاق کرده‌اند که بیان‌گر احکام افعال الهی است، یعنی وجه حسن افعال پسندیده و ملاک وجوب افعال واجب و برهان نفی صدور افعال قبیح را از خداوند بیان می‌نماید.

به تعبیر محقق لاهیجی:

همان‌گونه که توحید کمال واجب است در ذات و صفات، عدل نیز کمال واجب در افعال است.

شیخ مفید نیز در وصف فاعل عادل و حکیم گفته است:  
العدل الحکیم هو الذی لا یفعل قبیحا ولا یخل بواجب؛ «فاعل عادل و حکیم کسی است که فعل قبیح انجام نمی‌دهد و به انجام فعل واجب اخلال نمی‌رساند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱)

شیخ مفید معتقد است:  
عدل، جزا دادن در مقابل عمل به مقدار استحقاق است و ظلم، منع حقوق بوده و خدای متعال عادل، کریم، جواد، متفضل و رحیم است و پاداش اعمال و جبران دردها و رنج‌ها را ضمانت کرده است.

علامه مجلسی معنای عدل را حکم کردن به حق می‌داند. به عقیده او، خداوند از آن رو با صفت «عدل» نامیده می‌شود که عادل است؛ یعنی عدل در وصف خدای متعال مصدری است که به جای اسم فاعل آمده است. عادل در میان مردم کسی است که گفتار، کردار، حکم و دستورش پسندیده باشد. (نوروزی، ۱۳۹۵: ۱۵)  
اگر معنای اصطلاحی عدل، هر چیزی به جای خود نهادن و دادن حق هر ذی‌حقی به او باشد، مفهوم وسیعی برای عدل در نظر گرفته می‌شود که مصادیق زیادی را شامل می‌شود؛ مانند موزون بودن، نفی هر گونه تبعیض، رعایت حقوق دیگران و رعایت استحقاق‌ها و لیاقت‌ها. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸۲)

در این جا موجودی به عنوان صاحب حق در نظر گرفته شده و گفته می‌شود رعایت آن حق، عدل و تجاوز از آن ظلم نامیده می‌شود. در عدل، توسعه‌ای مفهوم می‌داده می‌شود؛ یعنی هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن نیز به کار می‌رود. طبق این تعریف، عدل مرادف با حکمت است و عمل عادلانه مساوی با عمل حکیمانه می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

در قرآن کریم نیز ذیل بحث عدل الهی سخن از این است که خدای متعال به کسی ستم نمی‌کند؛ بدین معنی که پاداش نیکوکاران را به طور کامل می‌دهد و در مواردی که پای عقوبت گنگاران در میان است، تنها به اندازه کار بد عقوبت می‌کند. (ر. ک: انعام، ۱۶۰)

بر این اساس، افعال انسان زیرمجموعه سه عنوان عدل و ظلم و فضل قرار می‌گیرد. تقسیم افعال به سه قسم، تقسیمی عقلی است که دایرمدار نفی و اثبات است؛ زیرا در تعامل دو نفر با هم یا حقی در میان هست و یا چنین نیست. در صورت نخست که شخص حقی بر دیگری دارد، یا حق او ادا می‌شود که این کار، عدل نامیده می‌شود و یا ادا نمی‌شود که در این صورت، ظلم تحقق یافته است. در صورت دوم نیز یا شخصی که حقی به گردنش نیست، به دیگری خیری می‌رساند یا چنین نمی‌کند؛ در صورت اول فضل و احسان تحقق یافته و در صورت دوم عدالت محقق شده است. مطابق با این تقسیم عقلی، افعال به چهار قسم تقسیم می‌شوند که دو قسم آن زیرمجموعه عدل، یک قسم زیرمجموعه ظلم و یک قسم دیگر زیرمجموعه فضل قرار می‌گیرد.

تقسیم سه‌گانه افعال، گذشته از عقلی بودن مبنای قرآنی و حدیثی نیز دارد؛ در قرآن کریم چنین آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ (نحل، ۹۰) خداوند به عدل و

احسان امر می‌کند.

در این آیه افعال مثبت و مورد امر الهی به دو قسم عدل و احسان تقسیم شده است. مقصود از احسان نیز تفضل است؛ چنان که در احادیث به این مطلب تصریح شده است:

- «اللَّهُمَّ عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ وَلَا تُعَامِلِنَا بِعَدْلِكَ».
- «إِلَهِي فَإِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ».

معنای دیگری که برای عدل بیان شده، «وضع کل شیء فی موضعه» است که شهید مطهری با عنوان موزون بودن و تناسب و تعادل از این تعریف یاد کرده (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۶) و در نقد این تعریف و نارسا بودن آن برای اثبات عدل الهی می‌نویسد:

بحث عدل به معنای تناسب در مقابل بی‌تناسبی، از نظر کل و مجموع نظام عالم است؛ ولی بحث عدل در مقابل ظلم، از نظر هر فرد و هر جزء مجزا از اجزای دیگر است. در عدل به مفهوم اول، مصلحت کل مطرح است و در عدل به مفهوم دوم مسئله حق فرد مطرح است؛ لذا اشکال کننده می‌گوید من منکر اصل تناسب در کل جهان نیستم، ولی می‌گویم رعایت این تناسب خواه ناخواه مستلزم برخی تبعیض‌ها می‌گردد که آن تبعیض‌ها از نظر کل رواست و از نظر جزء نارواست. (برنجکار، ۱۳۹۳: ۲۰)

### مفهوم و ماهیت شر

شر در کتاب‌های لغت به معنی بد و ضرر معنی شده است. طبرسی در «مجمع البیان» ذیل آیه «وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ»؛ (بقره، ۲۱۶) شر را نقیض خوبی دانسته است. (طبرسی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۸۹)

در قرآن و احادیث، خیر و شر به دو معنا به کار رفته است؛ نخستین معنای خیر و شر همان معنایی است که در شبهه شرور مطرح می‌شود. در این معنا خیر به امر خوشایند انسان گفته می‌شود و شر بر امر ناخوشایند اطلاق می‌شود که دو مصداق دارد: یکی درد و رنج و دیگری چیزی که باعث درد و رنج می‌شود؛ مانند مرض، فقر، سیل، زلزله و جنگ. (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

بررسی رابطه شر طبیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی... / ۱۹

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تفسیر خیر و شر در آیه «وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»؛  
(انبیاء، ۳۵) فرمودند:

«فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ابْتِلَاءٌ وَاخْتِبَارٌ»؛  
(طبرسی، ۱۴۰۰، ج ۱۶: ۱۲۰) منظور از خیر، تندرستی و غناست و مراد  
از شر، مرض و فقر از روی امتحان و آزمایش است.

دومین معنای خیر و شر عبارت است از خیر و شر نهایی؛ در این معنا مقصود  
از خیر چیزی است که برای انسان سودمند است که باعث سعادت او در دنیا و  
آخرت گردد و شر عبارت است از چیزی که برای آدمی زیانبار است و سبب  
بدبختی و شقاوت او در دنیا و آخرت گردد. معنای اول را خیر و شر ابتدایی و معنای  
دوم را خیر و شر نهایی می‌نامند و دلیل این نامگذاری نیز این است که ممکن است  
چیزی در نگاه نخست، خیر به نظر برسد؛ چرا که باعث لذت می‌گردد، اما با  
بررسی بیشتر معلوم می‌شود که همان امر در نهایت کار باعث بدبختی و هلاکت  
انسان می‌شود. (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

قرآن کریم به همین دو معنای خیر و شر اشاره کرده است.

«عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ  
لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (بقره، ۲۱۶) چه بسا چیزی را خوش  
نداشته باشید، حال آن که برای شما خیر است و چه بسا چیزی را دوست  
داشته باشید، حال آن که برای شما شر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

در احادیث نیز به این دو معنای خیر و شر اشاره شده است؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام  
در وصیتش به محمد حنفیه می‌فرماید:

«ما خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَمَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ»؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۷۶) خیری که آتش دوزخ را به دنبال داشته باشد، خیر نیست و شری که بهشت را به دنبال آورد، شر نیست.

زنوزی در «لمعات الهیه» می‌نویسد:

«وجود من حیث انه وجود خیر محض وعدم من حیث انه عدم شر محض».  
(زنوزی، ۱۳۸۱: ۴۰۴)

در این تعریف وجود و خیر مساوق دانسته شدند؛ هر چیزی که سعه وجودی بیشتر دارد، از خیریت بیشتری برخوردار است. حق تعالی وجود محض و خیر محض است و شری در او راه ندارد و اشیاء نیز به سوی خیر محض سوق دارند و بدان سو می‌روند. در این معنا تقابل میان خیر و شر، تقابل عدم ملکه است؛ تقابلی که یک طرف آن امر وجودی و طرف دیگر آن امر عدمی است. بیان این نکته لازم است که امور عدمی محتاج جاعل و فاعل نیستند؛ چرا که شر در جایی پیدا می‌شود که فاعل فعلیت خود را اعمال نکرده باشد و خیر به وجود نیامده باشد. وقتی فاعل باعث وجود خیر نشود، عدم وجود خیر مطرح می‌شود که همان شر است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲)

### شرور و ارتباط آن با عدل خدا

مسئله شرور یکی از پرسش‌های کهن انسان است که به گونه‌های مختلف در تاریخ تفکر بشری مورد بحث قرار گرفته است. این مسئله حداقل با سه تقریر در کلام اسلامی و فلسفه سنتی و کلام جدید مورد بحث قرار گرفته است. در کلام اسلامی شرور به صورت چالشی در برابر صفت عدل الهی و گاهی حکمت الهی مطرح شده است؛ لذا این بحث با عنوان «فی الالم و وجه حسنه» در ضمن مباحث عدل

قرار گرفته است. در فلسفه سنتی نیز شرور مشکلی در برابر رابطه خدا و جهان تلقی شده است. (برنجکار، ۱۳۷۷: ۱۹۵)

پرسش این است که درد و رنجی که از ناملايمات و شرور مثل بیماری‌ها صورت می‌پذیرد، چگونه با عدالت خداوند سازگار است؟ شرور به شرور ابتدایی و نهایی قابل تقسیم است و بر اساس این تفکیک می‌توان به شبهه شرور پاسخ داد که این بحث با شرور ابتدایی در حوزه شرور طبیعی و با این پرسش که آیا خداوند، شرور ابتدایی را آفرید است؟ پی گرفته می‌شود.

### ۱. حکمت شرور کیفری

از نظر قرآن کریم، همه شرور کیفری نتیجه گناه انسان‌هاست:

- «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»؛ (شوری، ۳۰) هر مصیبتی که به شما رسید، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز می‌بخشد.

- «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛ (روم، ۴۱) فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است.

بنابراین شرور طبیعی هم چون قحطی، سیل و زلزله و بیماری به خاطر گناهانی است که انسان‌ها انجام می‌دهند و اگر آنان مرتکب کارهای زشت نشوند، برکات الهی از آسمان و زمین، آن‌ها را فرا خواهد گرفت:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (اعراف، ۹۶) و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها گشوده بودیم.

افرادی که به این نوع شرور مبتلا می‌شوند، دو دسته هستند: گروه نخست افرادی که مورد غضب خداوند بوده و بر اساس عدل الهی که مقتضی کیفر بدکاران است، با آن‌ها رفتار می‌شود. اقوامی که در طول تاریخ به عذاب‌های سخت الهی دچار شده‌اند، از این قبیل هستند.

قرآن کریم پس از نقل سرگذشت برخی از این اقوام می‌فرماید:

«فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ (عنکبوت، ۴۰) ما هر یک از آنان را به گناهشان گرفتیم، پس بر بعضی از آن‌ها طوفانی از سنگریزه فرستادیم و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فرو گرفت و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم و خداوند هرگز به آن‌ها ستم نکرد، ولی آن‌ها خودشان بر خود ستم کردند.

گروه دیگری که به شرور کیفری مبتلا می‌شوند، کسانی هستند که خداوند از باب لطف و کرم و جلوگیری از مبتلا شدن آن‌ها به شقاوت و شرور نهایی و ابدی، بر آن‌ها ناملایمات را فرو می‌آورد تا تأدیب شوند، متذکر خدا گردند و به راه راست بازگردند یا این‌که با مبتلا شدن به این ناملایمات، روح آن‌ها تطهیر شود و با روح پاک بتوانند وارد بهشت گردند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ (روم، ۴۱) فساد در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است، به خاطر این‌که خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید بازگردند.

بررسی رابطه شرط طبیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی... / ۲۳

در این آیه، حکمت شرور طبیعی بازگشت انسان‌ها به راه راست بیان شده است.  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکمت بلا را تأدیب ظالم بیان می‌کند:  
«الْبَلَاءُ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱: ۱۹۸)

حضرت درباره نقش تربیتی مشکلات زندگی می‌فرمایند:  
«إِنَّ اللَّهَ يَتَّبِعُ عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ يَنْقُصُ الثَّمَرَاتِ وَحَبْسِ  
الْبَرَكَاتِ وَإِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُثَوِّبَ تَائِبٌ وَيُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَيَتَذَكَّرُ  
مُتَذَكِّرٌ وَيُزِدَ جَزْرُ مُزْدَجِرٍ»؛ (همان، ج ۸۸: ۳۱۲) خدا بندگان را هنگامی  
که کارهای بد انجام می‌دهند با کاهش میوه‌ها و جلوگیری از برکات و  
بستن خزائن خیرات آزمایش می‌کند تا توبه کننده بازگردد و ترک کننده  
ترک کند و به یاد آورنده متذکر شود.

بنابراین، برای کسانی که امکان متذکر شدن و توبه و بازگشت وجود دارد،  
حکمت شرور کیفری، متذکر شدن و توبه آن‌هاست.  
به بیان دیگر، خداوند از باب فضل و رحمت و نه هم چون گروه اول از باب عدل  
و غضب، شرور ابتدایی را پیش روی اینان قرار می‌دهد تا از گرفتار شدن به شرور  
نهایی و عذاب ابدی نجات یابند. (برنجکار، ۱۳۷۷: ۱۹۸)  
امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِقْمَةٍ وَيُذَكِّرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ»؛  
خدا وقتی برای بنده‌ای که گناه کرده خیر خواهد، او را دچار مشکلی می‌کند  
و او را متذکر استغفار می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۲)

در احادیث بسیاری حکمت بلاهایی که بر مؤمنان وارد می‌شود، تطهیر آنان از  
گناهان بیان شده است. در همین ارتباط از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ وَلَا نَصَبٍ وَلَا سَقَمٍ وَلَا حُزْنٍ حَتَّى  
الْهَمُّ يَهْمُهُ إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۸۸)

مؤمن گرفتار درد مزمن و سختی و مرض و اندوه و حتی غمی که او را  
غمگین می کند، نمی شود مگر این که با این ها گناهانش بخشیده می شود.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرٍ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ، ابْتَلَاهُ  
بِالسَّقَمِ. فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَهُ، ابْتَلَاهُ بِالْحَاجَةِ. فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ  
ذَلِكَ، شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷،

ج ۲: ۴۴۴) وقتی اراده خدا بر اکرام بنده ای تعلق می گیرد در حالی که  
گناهی دارد، او را دچار مرض می کند. اگر این کار را نکند او را به  
نیازمندی گرفتار می کند و اگر این کار را نکند، مرگش را سخت می گرداند  
تا با این کارها گناهش بخشیده شود.

## ۲. حکمت شرور غیر کیفری

اگر زندگی پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام بررسی شود، چنین دریافت می شود که ایشان  
نیز گرفتار سختی ها و ناملایمات بوده اند؛ اما با توجه به مقام عصمت، حکمت  
شرور نمی تواند کیفر گناهان و تطهیر ایشان از آلودگی ها باشد؛ لذا این پرسش طرح  
می شود که حکمت شرور غیر کیفری چیست؟

در احادیث، حکمت این شرور در تکامل و رسیدن به درجات بالاتر بیان شده است.  
علی بن رئاب از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا  
كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ» - (شوری، ۳۰) می پرسد و این که امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام که  
معصومند، چگونه می توانند مصداق این آیه باشند؟

حضرت در پاسخ می‌فرماید:

این آیه در مورد معصومان نیست؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شبانه روز یکصد بار استغفار می‌کردند، در حالی که گناهی مرتکب نشده بودند.

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَخْصُّ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِيَأْجِرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ»؛ خدا مصیبت‌ها را مختص اولیای خود کرده است تا به خاطر این مصیبت‌ها به آن‌ها پاداش دهد، بدون این‌که آن‌ها گناهی کرده باشند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۰)

حضرت در جای دیگر نیز می‌فرماید:

در بهشت، منزلگاهی است که تنها از راه ابتلا به مشکل جسمی می‌توان به آن رسید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِتْلَاءِ فِي جَسَدِهِ»؛ در بهشت جایگاهی هست که هیچ بنده‌ای به آن نمی‌رسد، مگر از طریق گرفتاری در جسمش. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۵۵)

این‌گونه شرور از باب فضل و رحمت به اولیای الهی می‌رسد؛ چرا که این شرور اندک، وسیله و مقدمه‌ای برای خیرات ابدی است؛ از این رو افراد هر چه در نزد خدا محبوب‌تر باشند، بیشتر مبتلا به شرور غیر کیفری خواهند بود.

به طور کلی، هر انسانی اعم از معصوم و غیر معصوم اگر در برابر شرور ابتدایی و ناملازمات صبر کرده و موضع‌گیری درستی در پیش گیرد، این شرور محدود به خیرات نامحدود و ابدی برای او تبدیل خواهد شد.

بنابراین شرور غیر کیفری منحصر در معصومان علیهم السلام نیست؛ تفاوت معصوم و غیر معصوم این است که همه شروری که به معصومان علیهم السلام می‌رسد، شرور غیر کیفری است؛ اما شروری که به دیگران می‌رسد، ممکن است از نوع شرور کیفری یا غیر کیفری باشد. (برنجکار، ۱۳۷۷: ۲۰۳)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه شریفه «وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»؛ (انبیاء، ۳۵) می‌نویسد:

شر در این جا به معنی شر مطلق نیست؛ زیرا فرض این است شری که وسیله آزمایش و تکامل می‌باشد، شر نسبی است و در مجموع عالم هستی با بینش صحیح توحیدی، شر مطلق وجود ندارد؛ لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

امام بیمار شده بود جمعی از برادران به عیادتش آمدند، عرض کردند: کیف نجلدک یا امیرالمؤمنین؟

قال بالشر.

قالوا ما هذا کلام مثلك.

قال: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً فَالْخَيْرِ الصِّحَّةُ وَالْغِنَى وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ»؛ خداوند متعال می‌فرماید ما شما را با شر و خیر آزمایش می‌کنیم، خیر تندرستی است و بی‌نیازی و شری بیماری و فقر است. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که خداوند چرا بندگان را آزمایش می‌کند و آزمایش در مورد خداوند چه مفهومی دارد؟

پاسخ این سؤال ذیل آیه ۱۵۵ سوره بقره چنین بیان می‌شود:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» - (بقره، ۱۵۵) همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان.

در این آیه خداوند به مسئله آزمایش به طور کلی و چهره‌های گوناگون آن اشاره می‌کند. آزمایش الهی همان پرورش و تربیت است. این يك قانون کلی و سنت دائمی پروردگار است که برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته و

از قوه به فعل رساندن آن‌ها و در نتیجه پرورش دادن بندگان آنان را می‌آزماید. راه موفقیت در این آزمایش‌ها این است که انسان صبر و پایداری داشته باشد و همان‌طور که این جهان گذرگاهی بیش نیست، توجه کند که حوادث آن نیز گذرا هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۵۳۲-۵۳۱)

متکلمان عدلیه نیز آلام و مصائبی که بر مکلفان وارد می‌شود را به دو قسم ابتدایی و استحقاقی تقسیم کرده‌اند. آلام استحقاقی آن است که به خاطر گناهانی که مکلفان مرتکب می‌شوند بر آنان وارد می‌شود؛ ولی آلام ابتدایی آن است که بدون آن که مستحق عقوبت باشند بر آنان وارد گردد، آن‌گاه گفته‌اند: مقتضای عدل الهی این است که خداوند به کسانی که گرفتار آلام ابتدایی می‌گردند، عوض در خور و مناسب اعطا نماید.

شیخ مفید در این باره کلامی دارد که حاصل آن چنین است: به مقتضای عدل الهی در برابر آلامی که بر مؤمنان واقع می‌شود و موجب صلاح دیگران است، عوض واجب است؛ ولی بر آلامی که بر کافران واقع می‌شود، عوض واجب نیست؛ زیرا آلام آنان جز بر سبیل عقوبت و اصلاح خود آنان نیست، هر چند ممکن است سبب اصلاح دیگران نیز باشد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱)

متکلمین مسلمان خداوند را عادل و فعل او را منزله از قبیح می‌دانند. شیخ مفید در مظاهر سه‌گانه عدل کلامی چنین گفته است: «ان الله عدل کریم»؛ (بدین جهت):

۱. عدل در تشریع: «لم یکلف احدا الا دون طاقته ولم یأمره الا بما جعل له

علیه الاستطاعة»؛ هر کس را جز به آن‌چه در توان دارد، تکلیف نکرده و

جز به آن‌چه بر انجامش تواناست، فرمان نداده است.

۲. عدل در تکوین: «لا عبث فی صنعه ولا تفاوت فی خلقه»؛ در آفرینش او

عبث و ناموزونی راه ندارد.

۳. عدل در جزا: «لا يعذب احدا الا على ذنب فعله ولا يلوم عبدا الا على قبيح صنعه لا يظلم مثقال ذرة»؛ هر فردی را جز بر گناهی که مرتکب شده کیفر نمی‌دهد و جز بر فعل ناروایی که انجام داده نکوهش نمی‌کند.

مسئله وجوب عوض بر خداوند، یکی از مسائل مهم کلامی در باب عدل است که پاسخگوی شبهه شرور در رابطه با عدل الهی است.

یکی از مسائلی که مرتبط با بحث عدل در فلسفه است، گفتگو از شرور و چگونگی ارتباط آن دو با هم است. از آن جا که بحث درباره چگونگی ارتباط عدل الهی و بیماری کرونا به عنوان یک مصداق از شر طبیعی است، هدف از طرح دیدگاه فلاسفه اسلامی در خصوص ارتباط عدل الهی و شر، دانستن نحوه ارتباط عدل الهی با شرور در عدل تکوینی یا عدل در آفرینش است.

عدل تکوینی یا عدل در آفرینش به این معنا است که نظام آفرینش بر اساس بهترین طرح، طراحی شده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم با این وصف توصیف شده است:

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»؛ (سجده، ۷) آفریدگاری که هر چیزی را نیکو آفرید.

### روش‌های اثباتی در انکار وجود شرور

فلاسفه از دوراه زیر به انکار وجود شرور پرداخته‌اند:

#### ۱. عدمی و نسبی بودن شر

یک تحلیل ساده نشان می‌دهد که ماهیت شرور، عدم است؛ این مطلب سابقه زیادی دارد و ریشه این فکر از یونان قدیم است. در آثار فلسفی این فکر به یونانیان

قدیم و به ویژه افلاطون<sup>۱</sup> نسبت داده می‌شود.

منظور افرادی که می‌گویند شر عدمی است، این نیست که آنچه به نام شر شناخته می‌شود، وجود ندارد تا گفته شود این خلاف ضرورت است و چون مشاهده می‌شود که کوری، کری، بیماری، ظلم، ستم، جهل و زلزله وجود دارد، نه می‌توان منکر وجود این‌ها شد و نه منکر شر بودن آن‌ها شد؛ بلکه سخن در این است که همه این‌ها از نوع عدم‌ها و فقدان‌ها است که از نوع وجود کمبودها و خلأها است. این‌ها از این جهت شر هستند که نابودی و نیستی و یا کمبود و خلأ هستند و یا منشأ نابودی، نیستی، کمبودی و خلأ به شمار می‌روند. نقش انسان در نظام تکاملی ضروری جهان، جبران کمبودها و پرکردن خلأها و ریشه کن کردن ریشه‌های این خلأها و کمبودها است.

از نظر عدل الهی و حکمت بالغه خوبی‌ها و بدی‌ها در جهان دو دسته متمایز و جدا از یکدیگر نیستند؛ بلکه خوبی و بدی آمیخته به هم بوده و تفکیک‌ناپذیر و جداناشدنی هستند. مثلاً وقتی از نابینایی سخن گفته می‌شود، نباید چنین فکر کرد که نابینایی، شیء خاص و واقعیت ملموسی است که در چشم نابینا وجود دارد؛ چون نابینایی همان فقدان و نداشتن بینایی است و واقعیت مخصوصی ندارد. خوبی و بدی نیز هم‌چون هستی و نیستی است؛ بلکه خوبی عین هستی و بدی عین نیستی است. بدی یا خودش از نوع نیستی است و یا هستی است که مستلزم نوعی نیستی است؛ یعنی موجودی که خودش از آن جهت که خودش است خوب است و از آن جهت بد است که مستلزم یک نیستی است و تنها از آن جهت که مستلزم نیستی است، بد است نه از جهت دیگر؛ مثلاً نادانی فقر و مرگ و بیماری را بد می‌دانیم، در حالی که این‌ها ذاتاً نیستی و عدم هستند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۶)

مثال دیگر این که گزندگان درندگان را بد می‌دانیم، این‌ها ذاتاً نیستی نیستند؛ بلکه هستی‌هایی هستند که مستلزم نیستی و عدمند. نادانی، فقدان و نبودن علم است، علم یک واقعیت و کمال حقیقی است؛ ولی جهل و نادانی واقعیت نیست و گزندگان، درندگان از آن جهت بد هستند که موجب مرگ یا از دست دادن، عضوی یا نیرویی می‌شوند.

اگر گزندگان موجب مرگ و بیماری نمی‌شدند، بد نبودند؛ بلکه وجود آن‌ها مفید نیز بود. پس باید با بدی‌های نوع اول مبارزه کرد و خلأهایی از قبیل جهل و فقر را پر نمود تا بدی‌های نوع دوم راه پیدا نکند. پس اکنون که دانسته شد، بدی‌ها همه از نوع نیستی هستند، در جهان یک نوع موجود بیش نیست و آن خوبی‌ها است و بدی‌ها همه از نوع نیستی است. حکما می‌گویند: شرور معجول بالذات نیستند، معجول بالتبع و بالعرض هستند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۹-۱۲۷)

هم‌چنین بزرگان جهان مانند افلاطون، فارابی و سنت اگوستین<sup>۱</sup> وجود را مساوق و مساوی خیر می‌دانند و بر این باورند که هر چه جامه هستی بر تن کند، خیر است. در این فرض تمام شرور از نیستی‌ها و عدم‌ها منتزع می‌شوند.

به عبارت دیگر، شأن و منزلت وجود و هستی افاده خیر و برکت بلکه نفس خیر است و وجودی یافت نمی‌شود که با لذات شر باشد؛ بنابراین همه شرور عبارت از عدم وجودات و کمالات است. (قدردان قراملکی، ۱۳۷۷: ۴۲)

در ادامه به دیدگاه برخی حکمای اسلامی در این ارتباط اشاره می‌شود:

- بوعلی سینا:

«الشر لا ذات له بل هو اما عدم جوهر او عدم صلاح حال جوهر».

بررسی رابطه شرط طبیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی... / ۳۱

- شیخ اشراق:

«الشقاوه والشر انما لزما فى عالم الظلمات من الحركات والظلمه والحركه لزمتا من جهه الفقر فى الانوار القاهره المدبره فالشر لزم بالوسائط ونور الانوار يستحيل عليه هيات وجهات ظلمانيه فلا يصدر منه شر والفقر وللظلمات لوازم ضروريه للمعلولات كسائر لوازم الماهيه المتعنه السلب». (يثربى، ۱۳۸۵: ۲۹۹)

- صدرالمتألهين:

«واما الوجودات فهى كلها خيرات اما مطلقا- اى بالذات و بالقياس جميعا - او بالذات ولكن قديعرضها بالقياس الى بعض الاشياء ان يودى الى عدمه او عدم حال من احواله و يقال لها الشر بالعرض وهوالمعدم المزيل او الحابس المانع للخير عن مستحقه او المضاد المنافى كمال يقابله و خير يضاده». (صدرالدين الشيرازى، ۱۴۱۰، ج ۷: ۶۱)

- فياض لاهيجى:

بدان که شر اطلاق کرده نشود مگر بر عدم وجودی مانند موت، فقر و یا بر عدم کمال وجودی مانند جهل و عما یا بر وجود که از این جهت که موذی است به عدم وجودی مانند برودت مفرطه و حرارت شدیده. (فیاض لاهيجى، ۱۳۸۳: ۳۲۳)

هم چنین فلاسفه در رد این که شر وجود ندارد، ادله ای بیان کرده اند که دو دلیل ارائه می شود:

- اگر شر عدمی نباشد، پس وجودی است. شر وجودی یا لنفسه است یا لغيره؛ تحقق قسم اول به این معنا است که شیء معدوم ذات خود باشد و

این باطل است، چرا که شیء هم باید باشد تا معدم ذات خود باشد و هم نباشد، چرا که باید معدوم شود و معدم و معدوم یک چیز می‌شوند. در صورت دوم، اگر شیء معدم ذات یا معدم کمال شیء دیگری باشد، باز هم خود شیء معدم شر نیست؛ بلکه آن شیء مقابل که آسیب دیده و یکی از کمالاتش با ذاتش را از دست داده، شر است.

- اگر شر وجودی باشد یا لنفسه است یا لغيره، لنفسه بودن آن باطل است؛ زیرا در این صورت نمی‌تواند موجود شود، زیرا معنی شر برای آن شیء این است که فساد و انعدام پذیرد. پس از فرض وجود شیء عدم آن لازم می‌آید و این اجتماع متنافیین است، لغيره بودن آن نیز باطل است؛ زیرا شریّت آن از برای غیر یا به جهت آن است که موجب انعدام ذات آن است یا موجب فقدان کمالی از کمالات شیء است یا موجب انعدام شیء از ذات و کمالات آن نیست. در دو شق اول و دوم شر به معنای عدم آن شیء یا عدم کمالی از کمالات آن است و شق سوم هم باطل است؛ زیرا در شمار بدیهیات و بینات قرار دارد. دلیل دیگر بر محال بودن شر لنفسه این است که شر نمی‌تواند مقتضی عدم خود باشد؛ چرا که تمام اشیاء مطابق طبع و غریزه خود طالب کمال هستند و هیچ موجودی مختارانه و آگاهانه از جاده کمال منحرف نمی‌شود و در این راه عنایت الهی نیز پشتیبان اوست. (صدرالدین الشیرازی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۵۸)

از طرف دیگر، صفاتی که اشیاء به آن موصوف می‌گردند، بر دو قسمت حقیقی و نسبی است. وقتی یک صفت برای چیزی در هر حال و با قطع نظر از هر چیز دیگر ثابت باشد، آن را صفت حقیقی می‌نامند. صفت حقیقی آن است که برای امکان اتصاف یک ذات به آن صفت،

فرض خود آن ذات و آن صفت کافی است؛ اما صفت نسبی آن است که فرض موصوف و فرض صفت بدون فرض یک امر سوم، یک طرف نسبت و مقایسه قرار گیرد، برای امکان اتصاف موصوف به آن صفت کافی نیست. پس هر گاه صدق یک صفت بر چیزی منوط به در نظر گرفتن امر ثالث و مقایسه این با آن باشد، در این صورت صفت را نسبی می‌نامند.

حیات یک امر حقیقی است؛ مثلاً یک موجود خودش قطع نظر از این که با شیء دیگر مقایسه و سنجیده شود، می‌تواند زنده و جاندار یا بیجان و مرده باشد؛ ولی کوچکی یا بزرگی صفتی نسبی است. وقتی یک جسم را می‌گوییم کوچک است باید ببینیم با مقایسه با چه چیز و یا نسبت به چه چیز آن را کوچک می‌خوانیم. هر چیزی ممکن است هم کوچک باشد و هم بزرگ، بستگی دارد به این که چه چیز را معیار و مقایسه قرار داده باشیم.

به طور کلی، بدها دو نوعند: بدهایی که خود امور عدمی‌اند و بدهایی که اموری وجودی‌اند؛ اما از آن جهت بد هستند که منشأ یک سلسله امور عدمی می‌گردند. شرووری که خود عدمی هستند؛ مانند جهل و فقر، صفاتی حقیقی (غیر نسبی) ولی عدمی هستند، اما شرووری که وجودی هستند مانند سیل، زلزله، گزندگی و بیماری که بدی این‌ها نسبی است. از این گونه امور آن چه بد است، نسبت به شیء و یا اشیاء معینی بد است. زهرمار برای مار بد نیست، برای انسان و سایر موجوداتی که از آن آسیب می‌بینند، بد است. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۳۱-۱۲۹)

از طرفی، وجود هر چیزی دو اعتبار دارد: اعتبار فی نفسه و لِنَفْسِه و اعتبار لغيره. اشیاء از آن نظر که خودشان برای خودشان وجود دارند، حقیقی هستند و از این نظر بد نیستند؛ هر چیزی خودش برای خودش خوب است، اگر بد است برای چیز دیگر است. پس بد بودن یک شیء در هستی فی نفسه آن نیست، در وجود بالاضافه آن است.

همچنین آنچه حقیقی و واقعی است، وجود فی نفسه هر چیز است؛ وجودات بالاضافه اموری نسبی و اعتباری‌اند و چون نسبی و اعتباری‌اند، واقعی نیستند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۳۴-۱۳۲)

## ۲. عرضی بودن شر

برای خیر و شر دو حالت بالذات یا بالعرض متصور است. حکما بر این باورند که هیچ موجودی بالذات، شر نیست و بدین صورت شر بالذات از این تقسیم‌بندی خارج می‌شود. اتصاف به شر بودن موجودات به حیثیت بالعرض آن‌ها باز می‌گردد. خیر یا بالذات است یا بالعرض؛ همه موجودات بالذات خیر هستند و اگر موجودی موجود دیگر را برای رسیدن به کمال یاری رساند، آن موجود از جهت حیثیت لغیره متصف به غیر می‌گردد و در این صورت خیر بالعرض خوانده می‌شود؛ اما اگر موجود مانع کمال در شیء دیگر گردد و یا یکی از کمالات او را معدوم نماید، آن موجود هر چند بالذات خیر است، اما بالعرض متصف به شر می‌گردد و شر بالعرض نامیده می‌شود.

بنابراین هیچ موجودی فی نفسه و ماهیتاً شر نیست و نمی‌توان آن را منشأ انتزاع ذاتی برای مفهوم شر دانست. آنچه شر است، به علت نقصانی است که در موجود یافت می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲)

از سوی دیگر، تأثیر و تأثر موجودات مادی در یکدیگر و تغییر و تحول و تضاد و تراحم از ویژگی‌های ذاتی جهان مادی است که نباید آن را نادیده انگاشت؛ از این رو ضرور این جهان لازمه لاینفک نظام علی و معلولی آن است و حیثیت شر بودن آن‌ها بازگشت به جهات عدمی می‌کند و ذاتاً متعلق محبت و اراده الهی قرار نمی‌گیرد و تنها آن‌ها را می‌توان بالعرض متعلق اراده قلمداد کرد.

شروع قلیل و نسبی و بالعرض فوایدی نیز دارد؛ از جمله این که کمالات نفسانی انسان در سایه تحمل سختی ها و ناگواری ها حاصل می گردد. وجود بلا و مصیبت ها مایه بیداری از غفلت ها و پی بردن به ماهیت این جهان و عبرت گرفتن از حوادث می شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۵۹)

از جمله فواید و پیامدهای بیماری کرونا به عنوان یک مصداق از شرط طبیعی، به گفته علما و صاحب نظران این است که این بیماری، ضعف و ناتوانی بشر در برابر ذات حق تعالی را با وجود در اختیار داشتن امکانات و قدرت نظامی و نیز سوق یافتن مجدد دل ها و قلب ها به سوی دین و معنویت نشان داد.

محمد توفیق البوطی رئیس اتحادیه علمای شام در نشستی با عنوان «کرونا؛ چالش دعا و طلب شفا» خاطرنشان کرد:

این ویروس کوچک اقتصاد دنیا را نابود و مراجع و مراکز معتبر پزشکی دنیا را حیرت زده کرده است و این ویروس باعث شده برخی دولت های بزرگ متهم به تولید ساختگی آن شوند. کرونا زلزله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی است و این در حالی است که غرب نیز برای نجات از این بیماری به کلسیا و مسجد پناه برده است و صدای ناقوس کلیساها با صدای اذان در بسیاری از خیابان های اروپا در هم آمیخته است. این ویروس ساده کشورهای قوی را با داشتن تمامی امکانات، اطلاعات، پول و قدرت نظامی ناتوان کرده و این در واقع مظهري از قهر الهی است و این جاست که انسان احساس می کند ضعیف است و باید به خداوند متعال برگردد و به درگاه خداوند دعا کند و این تنها خداوند است که می تواند انسان را نجات دهد. (<http://www.irna.ir>)

احمد رضا هدایتی نیز در یادداشت روزنامه «کیهان» چنین می نویسد:

کرونا با خود تلفات انسانی به همراه داشته و باعث چالش در اقتصاد جهان و رکود در بخش تولید شده است؛ اما این همه ماجرا در خصوص این ویروس منحوس نیست؛ چنانچه واقع بینانه به موضوع نگریسته شود، این ویروس باعث شده اتفاقات خوب هم رخ بدهد. از جمله پیامد خوب و مثبت این بیماری می توان به مطالعه و دستیابی اولیه به انواع روش های درمانی مثل استفاده از روش سلول درمانی و داروهای مقابله با کرونا، کاهش محسوس میزان مصرف بنزین و در نتیجه کاهش آلودگی هوا، بهبود شرایط محیط زیست و طبیعت، جلب توجه جامعه به ضرورت رعایت بهداشت و بهبود شرایط بهداشتی اشاره کرد. با این حال باید از جلب توجه بشر به عجز و ناتوانی خویش در برابر قدرت بیکران الهی و نیز سوق یافتن مجدد دل ها و قلب ها به سوی دین و معنویت به عنوان بزرگ ترین دستاورد این رخداد نام برد. (<http://www.mshrgh.ir>)

### نتیجه گیری

از بررسی آیات درباره حکمت شر ابتدایی چنین به دست می آید که شر ابتدایی در قرآن به شر کیفری و غیر کیفری قابل تقسیم است. از نظر قرآن کریم، همه شرور کیفری نتیجه گناه انسان است. بنابراین شرور طبیعی هم چون سیل و زلزله و بیماری به خاطر گناهی است که انسان ها انجام می دهند.

افرادی که به این نوع شرور مبتلا می شوند دو دسته هستند: افرادی که مورد غضب خداوند بوده و بر اساس عدل الهی که مقتضی کیفر بدکاران است، با آن ها رفتار می شود. گروه دیگر کسانی که خداوند از باب لطف و کرم و جلوگیری از مبتلا شدن آن ها به شقاوت و شرور نهایی، بر آن ها ناملایمات را فرو می آورد تا تأدیب شوند.

در حکمت شرور غیر کیفری، تکامل و رسیدن به درجات بالاتر بیان شده است. این گونه شرور از باب فضل و رحمت به اولیای الهی می‌رسد؛ چرا که این شرور اندک، وسیله و مقدمه‌ای برای خیرات ابدی است. در شرور غیر کیفری تفاوت بین معصوم و غیر معصوم این است که همه شروری که به معصوم می‌رسد، شرور غیر کیفری است؛ اما شروری که به دیگران می‌رسد، ممکن است از نوع شرور کیفری یا غیر کیفری باشد.

یکی از مهم‌ترین اقتضائات عنایت خداوند، آفرینش نظام احسن است. از نظر دین اسلام آن چه هست، خیر است و نظام موجود نظام احسن است.

فلاسفه، شرور را عدمی می‌دانند، دلیل آنان نیز اعتقاد به اصل فلسفی علیت است. کسی که به رابطه علیت بین خالق و مخلوق معتقد شد و خداوند را منشأ خیرات دانست، باید معتقد باشد که از منبع خیر جز خیر پدید نمی‌آید؛ زیرا میان علت و معلول رابطه سنخیت وجود دارد. هر چه در معلول هست عیناً و به صورت کامل در علت نیز هست و علت نمی‌تواند امری را به وجود آورد که در ذاتش نباشد. از طرف دیگر، صاحب نظران بر این باورند که این بیماری کرونا ضعف و ناتوانی بشر در برابر ذات حق تعالی را با وجود در اختیار داشتن امکانات و قدرت نظامی و نیز سوق یافتن مجدد دل‌ها و قلب‌ها به سوی دین و معنویت نشان می‌دهد؛ از جمله پیامد خوب و مثبت این بیماری می‌توان به مطالعه و دستیابی اولیه به انواع روش‌های درمانی مثل؛ استفاده از روش سلول درمانی و داروهای مقابله با کرونا، بهبود شرایط محیط زیست و طبیعت، جلب توجه جامعه به ضرورت رعایت بهداشت و بهبود شرایط بهداشتی اشاره کرد.

از ویژگی‌های ذاتی جهان مادی تضاد و تراحم است که لازمه نظام علیت است؛ در چنین وضعیتی، بیماری کرونا از جمله شرور طبیعی است که بر اساس دیدگاه نخست،

جزو شرور ابتدایی کیفری است که ریشه در گناه انسان دارد. خداوند در آفرینش و جزا عادل است و با مقتضای عدل خود با انسان رفتار می‌کند. طبق دیدگاه دوم، بیماری کرونا از جمله شرور نسبی و بالعرض است که مورد تعلق اراده الهی قرار نمی‌گیرد.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. برنجکار، رضا (۱۳۹۳). معرفت توحید و عدل. تهران: انتشارات نبأ.
۴. بیابانی اسکویی، محمد (۱۳۹۱). عدل الهی. تهران: انتشارات نبأ.
۵. توکلی، غلامحسین (۱۳۸۲). عدل الهی. نقد و نظر. شماره ۳۰-۲۹: .
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه.
۸. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۱). عدل و حکمت از دیدگاه شیخ مفید. کیهان اندیشه. شماره ۴۶: ۶۱-۵۰.
۹. زنوزی، عبدالله (۱۳۸۱). لمعات الهیه. تهران: انتشارات ثریا.
۱۰. صدرالدین الشیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰). حکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۰). ترجمه تفسیر مجمع البیان. ترجمه حسین نوری همدانی و همکاران. تهران: انتشارات فراهانی.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۳. فرنوش. غلامرضا. علیشیری، غلامحسین. حسینی ذبیحود، سید رضا. درستکار. روح الله. و علیرضا جلالی فراهانی (۱۳۹۹). شناخت کروناویروس نوین -

بررسی رابطه شرط طبیعی (بیماری کرونا) با عدل الهی... / ۳۹

۲۰۱۹ و کووید-۱۹ بر اساس شواهد موجود- مطالعه مروری. طب

نظامی. دوره ۲۲. شماره ۱: ۱۱-۱.

۱۴. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). گوهر مراد. تهران: نشر سایه.

۱۵. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۷۷). خدا و مسئله شر. قم: انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید. قم: انتشارات سازمان

تبلیغات اسلامی.

۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴). آموزش فلسفه. قم: انتشارات سازمان

تبلیغات اسلامی.

۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان. قم:

انتشارات نسل جوان.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. و گروه نویسندگان (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۳. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲). خیر و شر. متین. دوره ۶. شماره ۲۴-۲۳:

۱-۲۳

۲۴. نوروزی، محمدرضا (۱۳۹۵). تاریخچه بحث عدل. سفینه. شماره ۵۰: ۲۷-۱۰.

۲۵. یثربی، یحیی (۱۳۸۵). حکمت اشراق سهروردی. قم: بوستان کتاب.

26. <http://www.mshrgh.ir>

27. <http://www.irna.ir>



## مواجهه ارزش‌های دینی و بلایای همه‌گیر؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

نویسنده: دکتر محمدرضا کلان‌فریبایی (ایران)<sup>۱</sup>

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

### چکیده

چگونگی مواجهه ارزش‌های دینی با بلایای همه‌گیر در طول تاریخ ادیان جهان برای پیروان آن‌ها مطرح بوده و چالش‌هایی به همراه داشته است. نگرش حداکثری ادیان به زندگی این چالش‌ها را تشدید کرده است؛ اما هر چه نگرش‌ها حداقلی شده است، چالش‌های علم در برابر بلایای همه‌گیر افزایش پیدا کرده است. ویروس کرونا صرفاً یک بیماری عالم‌گیر نبود؛ بلکه شوک اجتماعی-سیاسی بود که زمینه انتقاد به سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی را مهیا کرد، شوکی که می‌تواند تغییرات اساسی ایجاد کند؛ تغییراتی که تاریخ ایران شبیه آن را ممکن است تجربه نکرده باشد. به نظر می‌رسد استخراج نقاط قوت و ضعف این موضوع در حوزه ادیان با رویکرد دفاع از ارزش‌ها می‌تواند با مدل «سوات» مورد سنجش قرار گیرد. نکته مهم این‌که همواره خرافه در میان ارزش‌های دینی سبب کاهش نقش دین در زندگی شده و میزان ایمان پیروان ادیان را تنزل داده است. تئوری این مسئله با طرح گفتمان خرافه‌گرایی و غلو در فرایند گسترش دین در جامعه دینی ارتباط تنگاتنگ دارد. بر این اساس، این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال بوده است که مفاهیم و ارزش‌های دینی در مواجهه با بلایای همه‌گیر، چگونه می‌تواند امتداد داشته باشد؟ نتایج پژوهش در راستای پاسخ به این سؤال، به طرح این فرضیه پرداخته است که ادیان هر گاه دچار افراط و غلو شده‌اند، در برابر بحران‌های اجتماعی و طبیعی توان رشد خود را از دست داده‌اند. از طرفی با توجه به هدف این پژوهش که عبارت بوده است از ایفای نقش اساسی ادیان در پیشرفت زندگی انسان، شاخص الگوی تعامل دین و علم است؛

---

۱. سطح چهار فقه و اصول، گروه فقه و اصول، حوزه علمیه، قم، ایران،

لذا روش مورد استفاده در این پژوهش، مطالعات تطبیقی با روش میان رشته‌ای، تعامل گسترده میان دین و علم را ممکن ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تحقق ارزش‌ها در عرصه نظری و عملی، عنصر کارآمد دین و علم در زندگی انسان است که پیشرفت را در ابعاد مادی و معنوی برای او فراهم می‌کند؛ لذا سودمندی ایده تعامل توأمان علم و دین برای پیروان دین اسلام دستاورد این مقاله است.

**واژگان کلیدی:** ارزش‌های دینی، بلایای همه‌گیر، چالش‌ها و فرصت‌ها

### مقدمه

از نظر تاریخی، بیماری‌ها تا حدود ۳۹۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بلای آسمانی به شمار می‌آمدند و به دلیل عدم پیشرفت‌های علمی، کسی به درمان و رسیدگی به حال بیماران اقدام نمی‌کرد؛ با این وجود، مردم دوران پیشاتاریخ با توجه به تجربه‌ها و اعتقادات مذهبی یا خرافی خود به گونه‌ای از بیمار شدن جلوگیری یا پیشگیری می‌کردند.

وجود اعتقادات خرافی میان مردم جوامع مختلف از جمله ایران در مواجهه با بیماری‌ها واقعیتی انکارناپذیر است. برخی از باورها به این دلیل خرافی تلقی می‌شوند که علم هنوز قادر به توضیح یا اثبات آن‌ها نیست؛ با این حال امروزه بخش عمده‌ای از ارزش‌های ادیان در برابر میانگین دانش مردم، غیر واقعی و نادرست به نظر می‌رسد. به طور کلی، برخی باورهای ریشه در افسانه‌ها دارند و از قرائت خاص از اصول مذهبی ناشی می‌شود.

در روزهای اخیر بی‌اعتنایی بعضی افراد به پروتکل‌های پزشکی و تظاهر به روش‌های نادرست در جستجوی معالجه بیماری کرونا، به ویژه حرکت‌های موهن در حرم‌های متبرک شیعه و انتشار تصاویر و فیلم‌های آن موجب شد در فضای عمومی، برخی دین و متدینان را به دوری از روش عقلانی و مخالفت با علوم و روش‌های علم پزشکی و اساس عقلانیت متهم کنند که بررسی این مسئله بدون ارزیابی خوانش‌های تقابل و واگرایی قابل سنجش نیست.

فاقد دانش‌بنیان بودن ارزش‌های ادیان میان پیروان و دین، گسست اجتماعی را تقویت می‌کند که از بازتولید نظام فقه‌ای یا کلامی آن دین ناشی می‌شود؛ چنان‌چه اگر از انحراف و خرافه‌گرایی در عملکرد دینی پیروان پیشگیری نشود، گسست میان ادیان و جامعه بیشتر خواهد شد.

در این میان، کرونا بحرانی است فراگیر که همه نهادهای جامعه و کشور را درگیر خود کرده است؛ از خانواده تا نهادهای آموزش، اقتصاد، دولت، رسانه و دین همه به نوعی درگیر آن هستند. بحران عصر کرونا تنها شامل سلامت عمومی نبوده و بحران سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی نیز محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد در شرایطی که شیوع ویروس کرونا بسیاری از مشاغل و صنوف کشور را تحت تأثیر قرار داده است، لازم است همگان با شعور بالای ایرانی و تاریخی ضمن درک این شرایط به یاری دیگر هموطنان بروند.

در بحران‌های اجتماعی اولین چیزی که ممکن است مورد هجوم قرار گیرد، دین و حکومت دینی است که ممکن است آسیب ببیند. بنابراین نخبگان با پذیرش جایگاه علم و دین در زندگی، لازم است اهداف کلان کشور را با متغیر کرونا مورد بازتعریف قرار دهند و اندیشه‌وران دینی نیز با متغیر کرونا منتظر تحول عظیم در ظرفیت‌ها و چالش‌های علم کلام، فقه و سایر دانش‌های اسلامی در مواجهه با رنج‌های بشری باشند؛ هم‌چنین در مناط اندیشی فقه، ضرورت پاسخ‌های جامع و فوری به چالش‌های پساکرونا برای فقها دوچندان اهمیت می‌یابد.

## مفاهیم پایه

### ۱. ارزش

ارزش در اصطلاح جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آن‌چه مطلوب و مناسب و خوب یا بد است، دارند. ارزش‌های گوناگون،

نمایان‌گر جنبه‌های اساسی در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها از عادت و هنجار سرچشمه می‌گیرند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷)

به طور کلی، به کارهایی که برای اعضای گروه اهمیت دارد و آرمان مشترک اعضای گروه تلقی می‌شود، ارزش می‌گویند. ارزش‌های یک جامعه از هنجارهای آن دفاع می‌نمایند.

ارزش؛ نخست به منزله آرمانی متجلی می‌شود که خواستار پیوستگی است و دعوت به احترام می‌کند و دوم، در اشیا یا رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که آن را به شیوه‌ای عینی یا سمبلیک (نمادین) بیان می‌کند.

به نظر می‌رسد مجموعه ارزش‌ها اخلاق را می‌سازد. اخلاق انسانی، ارزش‌هایی هستند که از فطرت نوعی انسان سرچشمه می‌گیرد و درجه تکامل نوع انسان، برحسب درجه رشد این ارزش‌ها ارزیابی می‌شود. در این راستا، مهم‌ترین رسالت ادیان، رسالت ترویج اصول و ارزش‌های اخلاقی است؛ از این رو، ادیان بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی تأکید دارند؛ چرا که هدف ادیان این است تا جامعه انسانی را انسانی‌تر و اخلاقی‌تر کند و به تبع آن در بیشتر ادیان به ویژه دین مبین اسلام، ارزش‌های اخلاقی با دین سازگاری دارند. (علی حسینی و شمس، ۱۳۹۵)

## ۲. بلایای طبیعی

بلایای طبیعی به مجموعه‌ای از حوادث زیان‌بار گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند. این حوادث غیر قابل پیش‌بینی بوده یا حداقل از مدت‌ها قبل نمی‌توان وقوع آن را پیش‌بینی نمود. این بلایا دارای انواع گوناگونی است؛ اعم از زلزله، سیل، طوفان، گردباد، سونامی، تگرگ، بهمن، رعد و برق، تغییرات شدید درجه حرارت، خشکسالی و آتشفشان.

برخی از بلایای طبیعی به طور غیر مستقیم ناشی از عملکردهای انسانی هستند. برای مثال بلایای ناشی از افزایش آلودگی هوا، گرم شدن زمین و سیل ناشی از

تخریب جنگل‌ها به دست انسان از این جمله هستند و برخی منشأ طبیعی دارند که به هر دو نمونه در این نوشتار، بلایای همه‌گیر اطلاق شده است. (<http://www.Asemankafinet.ir>)

برخی بلایای طبیعی مانند کروناویروس‌ها<sup>۱</sup> خانواده بزرگی از ویروس‌ها و زیرمجموعه کروناویریده هستند که از ویروس سرماخوردگی، سارس، مرس و کووید-۱۹ را شامل می‌شود. کروناویروس‌ها در سال ۱۹۶۵ میلادی کشف شدند و مطالعه بر روی آن‌ها به طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. این ویروس به طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند؛ تاکنون ۷ ویروس کرونا منتقل شده به انسان، کشف شده است و آخرین نوع آن کروناوی جدید کووید-۱۹<sup>۲</sup> است که در دسامبر ۲۰۱۹ میلادی در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد. همه‌گیری کرونا اولین بحرانی است که کل سیستم با آن مواجه شده است.

**۳. بلایای طبیعی همه‌گیر**

تحلیلگران تا دهه‌های پایانی سده بیستم از ورود مخاطرات همه‌گیر<sup>۳</sup> به جامعه تلاش چندانی نداشتند؛ اما سیاستمداران و تحلیلگران به تدریج وارد فضای فکری جدید شدند تا آن‌جا که در سال ۲۰۱۲ میلادی رئیس جمهور وقت اندونزی-سوسیلو بامبانگ یوده‌یونو<sup>۴</sup>- در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس وزیران آسیایی برای کاهش مخاطرات بلایا اعلام کرد دولت، کاهش بلایای طبیعی را اولویت ملی نخست خود قرار داده است؛ زیرا دریافته که بلایای طبیعی در اشکال گوناگون آن بزرگترین تهدید برای این کشور هستند.

- 
1. Coronaviruses
  2. nCoV-2019
  3. Pandemic
  4. Susilo Bambang Yudhoyono

هم‌چنین در کشوری مثل آمریکا که مباحث امنیت ملی خود را در سطح پیچیده‌تری پیگیری می‌کند، وزارت دفاع از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ میلادی بیش از گزارش منتشر کرده است که در آن‌ها آشکارا به تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی و رویدادهای طبیعی اشاره شده است. راهبرد موسوم به امنیت میهن<sup>۱</sup> آمریکا که تا پیش از این بر حملات تروریستی متمرکز بود، به نحوی تغییر کرد تا همه نوع مخاطرات تهدید کننده سرزمین و مردم آمریکا از جمله بلایای طبیعی را مد نظر قرار دهد.

به این ترتیب، بلایای طبیعی جای خود را باز کرد. شکی نیست که فجایع طبیعی می‌تواند تأثیرات ویرانگری بر افراد و اقامتگاه‌های شهری و روستایی داشته باشد. آن‌ها می‌توانند در کمترین زمان ممکن خانواده‌های زیادی را داغدار نمایند، آثار روحی و روانی درازمدتی بر مردم و جماعت‌های آسیب‌دیده بر جای گذارند، ممکن است میلیارد‌ها ریال خسارت بر اقتصاد کشورها تحمیل کنند، زیرساخت‌ها را ویران کنند و فرایند توسعه را شاید برای سال‌های طولانی مختل نمایند.

در عین حال، تحلیل‌گران به تدریج در حال آغاز بحثی هستند مبنی بر این‌که بلایای طبیعی ممکن است علاوه بر تهدیدات محلی و منطقه‌ای بر امنیت ملی و ارزش‌های دینی به معنای درهم تنیده مردم و حکومت نیز تأثیرات حادی داشته باشد. برخی از ابعاد و زوایای این بحث با رویکرد فرهنگی نیز مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. بر این اساس نقطه تمرکز تحلیل این پژوهش، سازوکارهای احتمالی تأثیرگذاری بلایای طبیعی بر ارزش‌های دینی است.

#### ۴. خرافه

«خرافه» واژه‌ای عربی و «خرفه» با ضم حرف «خ» به معنی حکایت، قصه یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه‌نامه‌ها و در

تعریف کلمه خرافات چنین آمده است: اعتقادات بی‌اساسی که با عقل، منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد. خرافه‌پرستی نیز عبارت است از پیروی از عقاید باطل و بی‌اساسی که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است، تناسبی نداشته باشد. خرافه در لغت به معنای زوال خرد و یا کلام و سخن دروغ و ناصوابی است که به صورت خنده‌داری درآمده است.

علامه طباطبایی سخن و اعتقاد بدون دلیل و غیرمستند را خرافه می‌داند. ایشان، پاره‌ای اقوال و احتمال‌هایی را که مفسرین داده‌اند، خرافه‌گویی می‌داند. معنای خرافه دینی، رفتار، گفتار، اعتقاد، معارف و احکام، ایمان و تجربه دینی بدون دلیل و علت، برهنه از حقیقت و واقعیت، معارض و منافی با خرد سلیم بشری، اثبات‌ناپذیر و متعارض با مبانی و اصول قوانین دینی و ناسازگار با مقاصد و گوهر دین است. (به نقل از همایون مصباح، ۱۳۸۸)

ویلفردو پاره‌تو<sup>۱</sup> - جامعه‌شناس ایتالیایی و صاحب نظریه حکومت نخبگان در علم سیاست، قانون ۸۰/۲۰ در علم مدیریت و اصل بهینگی در علم اقتصاد - خرافات را قوای مرموز سحرآمیزی تعریف کرده که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و از سوی اعضای اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده بیان شده است. متفکران بسیاری معتقدند خرافه مترادف با اعتقاداتی است که مبنای تجربی و علمی برای آن نمی‌توان فرض کرد.

در یک جمع‌بندی کلی خرافه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: سلسله باورها و عقاید شکل گرفته حول یک موضوع خاص در ذهن اقشاری که عمدتاً دانش کافی نسبت به موضوع ندارند. بر این اساس، خرافه بیشتر ناشی از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوندها و روابط علی پدیده‌ها است.

## مبانی نظری پژوهش

مواجهه دین و ارزش‌های دینی با بلایای طبیعی از طریق ۶ سازوکار می‌تواند تهدیدها و فرصت‌ها را برای جامعه تبیین کند که در ادامه سازکارهای یاد شده به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در دینداری فردی و اجتماعی در حکومت دینی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

### ۱. ترکیب دین و خرافه

خرافه‌گرایی و ترکیب ارزش‌های دینی با خرافه در شرایط بحرانی هنگام مواجهه و پس از بلایای طبیعی به ویژه اگر سطح گسترده‌ای را درگیر کند یا بخش قابل توجهی از امکانات کشور را به خود مشغول سازد، خطر دین‌گریزی و دین‌ستیزی و آشوب‌های اجتماعی را در حکومت دینی افزایش می‌دهد.

ویژگی شرایط بحرانی ناشی از این‌گونه سوانح، سطح بالای تداخل کارکردی، ابهام و هراس همه‌گیر و سطح بالای نارضایتی اجتماعی را در پی خواهد داشت؛ حتی چنانچه فاجعه‌هایی مثل زلزله، طوفان، سیل یا ویروس کرونا در شهرهای دارای مرکزیت سیاسی و در سطح وسیع رخ دهد، احتمال دین‌ستیزی و تزلزل در اعتماد به توانایی‌های حکمرانی دینی وجود دارد. تمام این موارد قابلیت این را دارند که حفره‌های دین‌گریزی و دین‌ستیزی را در کنار تهدیدات داخلی و خارجی آشکار کنند.

در مورد عوامل پیدایش عقاید خرافی در جامعه، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به ترس‌ها و فشارهای محیطی اشاره کرد. نگاهی گذرا به تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد، پیدایش خرافات ناشی از هراس‌های ناگهانی از شرایط مادی و روحی پیرامون انسان است و این اندیشه‌های خرافی در گذر زمان به نسل‌های بعدی منتقل شده و این روند خرافی در برخی شهرهای مذهبی توسط گروهی از دین‌داران همچنان ادامه دارد.

محققان یکی از عوامل مهم پیدایش و رشد خرافات را جهل و خامی بشر می‌دانند و معتقدند به هر اندازه انسان از درک حقایق، رابطه منطقی پدیده‌ها، قانون علت و معلول

تشخیص و فهم واقعیات عاجز باشد، به همان نسبت دچار خرافات و خرافه‌پرستی می‌شود؛ زیرا انسان خرافی در برخورد با مشکلات از شناخت راه‌حل‌های علمی، عقلی و منطقی عاجز می‌ماند و اندیشه علت‌یابی او نسبت به بلایای فراگیر به دلیل فقدان آگاهی علمی ضعیف می‌شود. در نتیجه برای تسکین و اقناع خویش به هر اوهام و خیالی متوسل و معتقد می‌شود.

از آن‌جا که بشر قبیله‌ای قادر به تفاوت میان قوانین طبیعی و قوانین اجتماعی که ناشی از عملکرد زندگی اجتماعی انسان‌ها است، نبوده؛ قوانین اجتماعی را لایتنر فرض می‌کند و به جای ترمیم و اصلاح آن‌ها چنین درمی‌یابد که با همان اهرم‌های قبیله‌ای که با قوانین طبیعی مواجه می‌شد، می‌تواند با پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نیز روبرو شود. در نتیجه از ابزارهای نفرین و جادو برای مهار امور اجتماعی جاری سود می‌برد. از طرفی روانشناسان و مورخان علت عمده اعتقاد به خرافات را تقلید کورکورانه می‌دانند و این نظریه را به همه جوامع بشری تعمیم می‌دهند. آن‌ها معتقدند خرافات از دوران کودکی تلقین می‌شود؛ لذا تأثیر خود را همیشه نگه می‌دارد و پیوسته قوی‌تر می‌شود. پایگاه اجتماعی - اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارد. صرف‌نظر از نام‌های گوناگون هم‌چون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود، این مفهوم یا سازه از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها، عقاید افراد و موقعیت‌های آن‌ها در سلسله‌مراتب اجتماعی است. همان‌گونه که نابرابری در فرصت‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی می‌گذارد، در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شود. طبقات اجتماعی نیز که در حل مشکلات خود ناتوان‌تر و از لحاظ سطح پینش اجتماعی در سطح پایین‌تری قرار دارند، این باورها را بازتولید می‌کنند.

از طرف دیگر، روش‌های مختلفی در علم کلام به کار گرفته می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها روش عقلی است. در روش عقلی برای مباحث اعتقادی و در جهت تبیین و اثبات آموزه‌های اعتقادی و دفاع از آن، از تفکر عقلی استفاده می‌شود. پیشفرض این روش آن است که متکلم، عقل را به منزله ابزاری مستقل برای کسب معرفت بشناسد؛ یعنی از نظر معرفت‌شناسی توانایی عقل را در کسب معرفت بپذیرد و از جنبه شرعی نیز به حجیت عقل معتقد باشد.

بر این اساس، حس‌گرایان و ظاهرگرایان روش عقلی را در الهیات و کلام قبول ندارند. در جهان اسلام، اهل حدیث از اهل سنت و اخباری‌های شیعه به روش تفکر عقلی در علم کلام و دین‌پژوهی اعتقاد نداشته‌اند. آنان تأویل ظواهر دینی را نیز مجاز نمی‌دانند. گروهی از اهل حدیث در این باره راه افراط را برگزیده و در جمود بر ظواهر آیات و روایات تا آن‌جا پیش رفتند که به تجسیم و تشبیه‌گرایی‌دند و گروهی دیگر راه توقف و تفویض را برگزیدند و فهم این‌گونه ظواهر را به شارع واگذاشتند.

در عین حال، بیشتر مذاهب و فرقه‌های کلامی اعم از شیعی و سنی، روش تفکر عقلی را به رسمیت شناخته‌اند؛ هر چند در میان ایشان نسبت به قلمرو آن دیدگاه‌های متفاوتی یافت می‌شود.

شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی به عنوان متکلم برجسته شیعی و امام الحرمین جوینی، قاضی ابوبکر باقلانی و عبدالقاهر بغدادی به مثابه متکلم برجسته اهل سنت، همگی بدون ورود به بحث‌های فلسفی پایبند به روش تفکر عقلی بوده‌اند. (سلیمانی بهبهانی و آسیابان‌ها رضایی، ۱۳۹۵)

به عنوان نمونه؛ سید مرتضی که فقیه و متکلم امامی دوره آل بویه بود، از مهم‌ترین علمای عقل‌گرای عالم شیعی است که مخالفت جدی با سطحی‌نگری و قشری‌گری دارد. سید مرتضی و برادرش سید رضی، امیرالحاج و قاضی بودند. سید مرتضی بر حجیت عقل در عقاید و مباحث کلامی تأکید داشت و علاوه بر آن

در اندیشه‌های فقهی خود نیز رویکردی عقل‌گرایانه داشته است. وی از پیشگامان روش اجتهادی در فقه شیعه دانسته شده که بر خلاف اخباریان در استنباط احکام از ادله عقلی بهره می‌برد. آثار بسیاری از ایشان در فقه، اصول فقه و تفسیر قرآن برجای مانده است. هم‌چنین سید مرتضی همانند شیخ مفید حجیت خبر واحد را قبول نداشت. (<https://www.igna.ir>)

به طور کلی، به فکر کردن و اندیشیدن در دین اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده است تا جایی که کلمه «عقل» ۴۰ بار در ۴۰ آیه قرآن کریم آمده است. در آیات مختلفی به اهمیت و لزوم اندیشیدن پرداخته شده است؛ از جمله در آیه زیر که می‌فرماید: «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنَسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ (بقره، ۴۴) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ حال آنکه کتاب (مقدس) می‌خوانید، مگر نمی‌اندیشید؟

هم‌چنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (بقره، ۲۴۲) خداوند بدین‌سان نشانه‌های خود را برای شما تبیین می‌کند، برای آن‌که بیاندیشید.

بر این اساس، نشانه‌های خدا روی زمین را برای اندیشیدن اعلام می‌کند. علی‌رغم این برخی زائران گمان می‌کنند در زیارت باید دستشان را به ضریح برسانند.

احمد صابری- مدیر تبلیغ حوزه علمیه خراسان- در گفتگو با خبرگزاری ایرنا چنین می‌گوید: برخی عزاداری‌های ماه‌های محرم و صفر در خراسان رضوی آمیخته با خرافات و بدعت‌ها است که تاکنون ۱۵۰ خرافه شناسایی شده است. (<http://www.irna.ir>)

مثال دیگر، ماجراهای مهدی‌گرایی در کشور است؛ مهدی‌غفاری- کارشناس فرقه‌شناسی- در این زمینه می‌گوید: امروز به واسطه ناآگاهی مردم بیش از ۳ هزار

مدعی دروغین امام زمان در زندان‌ها هستند. (<http://www.zohur.net>)  
این مسائل در سطح گسترده‌ای عامل گسترش خرافات در میان ارزش‌های دینی در چند دهه گذشته شده و گاهی برخی جریان‌ها و نهادها مشوق ترکیب خرافه و ارزش‌های دینی نیز شده‌اند. (<https://www.khabaronline.ir>)

## ۲. جریان افراط‌گرایان غالی و تحول در باورهای دینی

در شرایط بحرانی ناشی از بلایای طبیعی، حکومت‌های دینی در برابر آزمون کارآمدی قرار می‌گیرند و فشار سیاسی و اجتماعی شدیدی بر دین و ارزش‌های دینی ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی بحران طبیعی تبدیل به بحران انسانی می‌شود و بحران انسانی با بازنمایی رسانه‌ای گسترده، منحنی تقاضا و انتظارات را صعودی و فزاینده می‌کند.

در قرون وسطی افراط‌گرایان دینی و جریان‌های غالی باعث شدند، باورهای دینی مردم متحول شود و بیماری طاعون آغازگر رنسانس<sup>۱</sup> یا دگراندیشی در غرب و اروپا گردد. قبل از شیوع طاعون مردمان عادی گمان می‌کردند کلیسا و کشیشان شفابخش هستند! اما پس از شیوع طاعون مردم با چشمان خود دیدند که پاشیدن آب مقدس توسط کشیش روی بیماران باعث شفای آن‌ها نشد، بلکه کشیش هم طاعون گرفت و زندگی را ترک کرد. کلیسا دست به هر کاری زد تا طاعون را از بین ببرد؛ از جمله آتش زدن گریه‌ها اما طاعون از بین نرفت. این موضوع از عوامل اصلی دور شدن مردم از ارزش‌های ادیانی شد که با خرافات ترکیب یافته بود و همین روند دین‌گریزی سبب رنسانس در اروپای غربی و شرقی در قرن ۱۵ میلادی گردید.

نکته دیگر در رفتارهای برخی پیروان دینی در اماکن متبرک شیعیان در روزهای پس از همه‌گیری ویروس کرونا مشاهده شد و آن، پیروی از خرافات با رویکرد دینی است. مسئله مبارزه با خرافات و جهل دینی در طول تاریخ همواره دغدغه امامان شیعه

و علمای اسلامی بوده است. خرافات مرتبط با طبابت و درمان بیماری‌ها در دوره صفویه رایج بوده است. یکی از این مصادیق که با اعتقاد به تقدیس پادشاهان همراه بوده است، باور به توانایی شاه در درمان بیماری‌ها است.

بحران عصر ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ میلادی در چین، اروپا و آمریکا به عنوان مدعیان اقتصاد جهانی نشان داد، در این گونه بحران‌ها حتی ثروتمندترین و کشورهای جهان نیز ممکن است به زحمت بتوانند از بحران خارج شوند. به این ترتیب، بحران کارآمدی در جوامع دینی که وضعیت پیشینی آن‌ها از منظر شاخص‌های اعتماد اجتماعی در وضعیت مناسبی نباشد، چنین جامعه‌ای ممکن است به بحران مشروعیت سیاسی گرفتار شود. بحران اعتماد نیز با عواملی هم‌چون بحران مشروعیت، نارضایتی اجتماعی، افراط‌گرایی دینی و دین‌ستیزی رابطه مستقیمی دارد.

به عبارت دیگر، کسانی که گرفتار بلایا شده‌اند، مشکلات خود را ناشی از حاکمیت دین‌داران یا ارزش‌های دینی دانسته و دین را مانع پیشرفت خود در زندگی تلقی می‌کنند و نسبت به اصل دین تردید می‌یابند. این تردید به ذات دین مربوط نمی‌شود؛ بلکه به عملکرد پیروان دینی باز می‌گردد که باید اصلاح شود.

مشارکت مردم و مشورت آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای در حکمرانی برخوردار است، هر چند اجرای حکومت دینی و مرتبه عملی آن نسبی است؛ یعنی همیشه امکان پیاده شدن کامل آن وجود ندارد و این نقص نه از ذات دین بلکه بخاطر شرایط نامناسب جامعه و عدم آمادگی کامل مردم و عملکرد ناصواب پیروان ادیان در جامعه است.

به نظر می‌رسد اگر حکومت دینی در زمان خود مشارکت مردم را در سرنوشت اساسی جامعه به شکل واقعی ایجاد کند، زمینه دین‌گزینی برای میلیون‌ها پیرو فراهم نخواهد شد که از شرایط اساسی و تعیین‌کننده آن، وجود دموکراسی<sup>۱</sup> به معنای درست آن،

مشارکت حداکثری واجدین شرایط در تصمیم‌گیری‌های عمومی و اساسی جامعه است.  
(پروین و نورایی، ۱۳۹۱)

روح قانون و برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این معنا استوار است که حکومت دینی از راهکارهای عقلایی استفاده می‌کند و جنبه تعبدی ندارد و مردم‌سالاری از اصول اساسی آن است.

بنابراین، اگر مسیرحکومت دینی توسط افراط‌گرایان و غالیان تصرف شود و به انحصار درآید، سرنوشت خطرناکی پیش روی جامعه دینداران و حاکمیت دینی خواهد بود؛ هم‌چنان که هر گاه در طول تاریخ غالیان و افراط‌گرایان درهم حکومت دینی قرار گرفتند، دین‌ستیزی و دین‌گریزی سرباز کرده و عامل تخریب دین شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام با غالیان و افراط‌گرایان دینی پیوسته مبارزه کرده و به پیروان خود نیز این راهبرد را توصیه نموده‌اند. رواج خرافات در نتیجه رخدادهایی هم‌چون جریان ناقص جامعه‌پذیری، اکتشاف ناکام رابطه علّی میان پدیده‌ها و پایگاه فرودست اجتماعی و اقتصادی است که چالشی دشوار پیش روی نهادهای فرهنگی و آموزشی حوزه علمیه در عصرپساکرونا قرار داده است.

### ۳. تورم مناسک

اگر پدیده فربهی مناسکی در جامعه افزایش یابد، تأثیر ارزش‌های ادیان کاهش خواهد یافت؛ مناسک دینی، نوعی رفتار نمادین و قراردادی با هنجاری مشخص است که افراد و گروه‌های دینی آن را به عنوان شعار و نشانه تعلق به دین اجرا می‌کنند. مناسک دینی طیف وسیع و از شکل‌های رفتاری را شامل می‌شود که هر کدام در حوزه فرهنگ معنا و مفهوم می‌یابد.

مناسک مجموعه کارکردهای متنوعی را شامل می‌شود که حفظ انسجام و هویت‌بخشی به جامعه باورمندان هر گروه دینی، از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. در همه ادیان و مذاهب، مناسک وجود دارد و بُعد مناسکی در کنار ابعاد اعتقادی و اخلاقی،

مثلاً دینداری را تشکیل می‌دهد؛ اما بلایای طبیعی ممکن است برخی روندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بلندمدت در جامعه ایجاد کند که آثار آن تا سال‌ها و دهه‌ها برای کشور پیامدهای فرهنگی داشته باشد، لذا باید مناسک را به صورت متعادل برای جامعه تعبیه کرد؛ زیرا تورم و زیاده‌روی مناسک موجب افزایش آسیب‌ها شده است.

گاهی بلایایی مثل خشکسالی، زلزله و حتی ویروس کرونا ممکن است به خاطر توسعه نیافتگی موج بزرگی از دین‌ستیزی شهری و منطقه‌ای ایجاد کند و حاکمیت دینی را زیر سؤال ببرد. پس اگر حکومت‌های دینی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و هویتی را نتوانند مدیریت نمایند، دیر یا زود ناچارند با پیامدهای فرهنگی آن دست و پنجه نرم کنند.

بیکاری، فقر و سرخوردگی‌های گروهی نمونه‌های دیگری از پیامدهای ثانوی مواجهه دینی با بلایای طبیعی هستند که آثار خود را در عرصه فرهنگی و باورهای دینی جامعه ایران آشکار خواهد کرد.

عوامل مختلفی از قبیل مناسبات سیاسی، اقتصاد مذهبی، تغییرات فرهنگی، توسعه نیافتگی کشور و تحولات رسانه‌ای در این زمینه دخالت مستقیم دارند. نوعاً گروه‌هایی که خصلت اقلیت بودگی داشته و از جانب گروه‌های دینی رقیب احساس خطر می‌کنند، بیش از گروه‌های اکثریت واجد ظرفیت تولید مناسک اختصاصی هستند. مناسک برای این گروه‌ها تمایزیابی مضاعفی را فراهم می‌کند. تمایزیابی سازوکاری برای حفظ هویت و تضمین بقای جامعه هویتی است. از این منظر، تشیع امامیه به عنوان یک مذهب اقلیتی در جهان اسلام بیشتر از مذاهب اهل سنت استعداد مناسک‌سازی ثانویه دارد.

محل پیدایش این مناسک در منطقه الفراغ شریعت است؛ هر چه این منطقه فراختر باشد، امکان پیدایش مناسک ثانویه بیشتر خواهد بود. مناسک ثانویه را در شکل ثابتی نمی‌توان محصور کرد. هر چه مناسک اولیه میل به خلوص داشته باشند، مناسک ثانویه به تبع خصلت فرهنگ، میل به التقاط و آمیزش دارند. مناسک ثانویه دین‌داران ابداع می‌کنند. به بیان دیگر، به تعداد دین‌داران می‌توان مناسک ثانویه ساخت. (<http://www.socio-shia.com>)

خطر آن جاست که این مسیر به مخاطره اصل دین و مذهب منجر شود و کارکرد دین را بی‌اثر کند. فربهی مناسکی، مانع تأثیر ارزش‌های دینی در نسل جدیدی است که وارد چرخه نخبگان شده‌اند و از این طریق میکروب‌های معرفتی به تولید واکسن معرفتی می‌انجامد و دین‌گریزی را میان نسل آینده رونق داده و مانع گرایش مردم به ارزش‌های دینی می‌شود.

توسعه مناسک مذهبی منتقدان قابل اعتنایی دارد که از دیدگاه متفاوتی اظهارنظر کرده‌اند:

- یک دسته از منتقدان، روشنفکران دینی هستند که دین مناسکی را در تقابل با معرفت دینی می‌دانند و رشد مناسک را به معنای فربه شدن دینداری عامه‌پسند و افول دینداری معرفت‌اندیش و شاخص فرم‌گرایی و ظاهرگرایی دینی می‌دانند.

- دسته دوم برخی علما و نخبگان دینی هستند که رشد مناسک را مصداق رشد عوام‌زدگی دین و دوری از تشیع ناب می‌دانند. نگرانی این دسته بیشتر ناشی از آن است که با رشد مناسک، مرجعیت جامعه دین‌داران تغییر کرده و مداحان که کارگزاران اصلی مناسک و تحریک عواطف مذهبی‌اند، جانشین روحانیت شوند.

- سومین دسته محققان و مورخان هستند که در اعتبار روایت‌های تاریخی مناسک نوظهور اشکال می‌کنند و برخی مناسبت‌های نوظهور را از نظر تاریخی بی‌پایه و جعلی می‌دانند.

به هر حال، تحریفات گسترده‌ای توسط نهادهای پشتیبان در دین‌باوری ایرانی‌ها به وجود آمده است. تجربه بشری نشان می‌دهد توسعه مذهب که بخشی از نیازهای فرهنگی دین‌داران را تشکیل می‌دهد، اگر خارج از چارچوب عقلانی باشد، می‌تواند مخاطره‌آمیز بوده و جامعه انسانی را به پای تعصبات مذهبی و فرقه‌ای قربانی سازد. از طرف دیگر، مناسک به دلیل ظرفیت بالا در تحریک عواطف مورد طمع قدرت‌های سیاسی بوده است؛ به ویژه در دولت‌های مدعی دین‌گرایی این طمع شدیدتر بوده است. همین زمینه، سبب شده است نام دولت‌ها به عنوان مؤسسان مناسک ثانویه ثبت شود؛ لذا در روند فربه‌سازی مناسک، ردپای اراده جریان‌های سیاسی مشهود است.

پژوهش‌های مختلف در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، شاخص‌هایی هم‌چون اخلاق، اعتقادات دینی و حتی تقید به مناسک اولیه و رسمی مثل نماز و روزه‌داری، روند کاهشی داشته‌اند؛ درحالی که به موازات آن‌ها مناسک ثانویه رو به افزایش بوده است. به عبارت دیگر، نمی‌توان ادعا کرد همه ابعاد دینداری رشد کرده است.

غلظت مناسک ثانوی در دینداری به موازات رقیق شدن ابعاد اعتقادی و اخلاقی، به ضرر کارآمدی دین است. استمرار این روند، به جای انسان دین‌دار، انسان مناسک‌گزار تولید و تربیت می‌کند.

اگر مناسک جدید به حفظ جامعه، بهبود مناسبات میان‌فردی، تقویت جامعه مدنی، پرهیز از تمامیت‌خواهی و معنابخشی به حقوق شهروندان منجر شود، ایرادی ندارد؛ اما وقتی این روند در مسیر تشدید تمایز و هویت فرقه‌ای قرار گیرد، خطرناک است.

برجسته‌سازی اختلاف تاریخی با اهل سنت، توسعه ادبیات و تنش‌های مذهبی، رشد غلو و ادبیات غالیانه در هیئت‌ها و محافل مذهبی و پیدایش جریان تکفیر از مسائل پرمخاطره در این مسیر است؛ مسیری که به تولید خشونت مذهبی و توسعه گفتمان جنگ خواهد انجامید و ارزش‌های دینی را در مواجهه با همه‌گیری‌ها بی‌اثر خواهد کرد.

#### ۴. کشمکش علم و دین

تمدن اسلامی در جوار سایر تمدن‌ها مانند تمدن ایران و روم شکل گرفت. دین اسلام طرفدار تمدن است و در راه تمدن‌سازی قائل به از بین بردن سایر تمدن‌ها نیست. در عصر معاصر که نظم تمدن بشری با ویروس کرونا مورد تهدید قرار گرفته است، شایسته است تمدن‌های بشری به جای دشمنی با یکدیگر به همدردی و همراهی با یکدیگر اندیشه کنند.

هنگامی کتاب «الهیته والإسلام» توسط سید هبة‌الدین شهرستانی نوشته شد، دنیای شیعه را شعف گرفت که یک مسئله علمی حل شده است؛ درحالی که یکی از مسائل این کتاب آن بود که کره زمین از نظر دین اسلام مسطح و هموار است؛ (شهرستانی، ۱۳۵۶) یعنی مطلبی که امروزه همه دانشمندان با دلایل علمی ثابت کرده‌اند شکل زمین کروی است.

رساله «کاروان اسلام» نوشته صادق هدایت نیز که به بیان سرگذشت و فراز و نشیب سفر چند تن از مبلغان اسلام به بلاد اروپایی می‌پردازد، با همین رویکرد است. این کتاب که با زبان طنز نهاد دین‌دارانه را مورد هدف قرار داده است، مبتنی بر مثال‌هایی است که از دل مقالات و کتاب‌ها درآمده است. بسیاری از نویسندگان مذهبی در سده اخیر، همین راه یا نزدیک به آن را رفته‌اند و مدام از کارهای آنها تعریف و تمجید شده است؛ روندی که برای کوبیدن علم جدید و تولید علم بومی بوده است. (چلونگر و خزائیلی، ۱۳۹۶)

رویارویی علم و دین در ادبیات این حوزه، داستانی دیرینه دارد. برخی بر این عقیده بودند که با گسترش علم، روند اهمیت دین و اعتقادات دینی و به تبع آن مشارکت دینی سیر نزولی خواهد پیمود. برخی جامعه‌شناسان مانند ماکس وبر<sup>۱</sup> معتقد بودند با ظهور مدرنیته<sup>۲</sup>، ریشه‌های مذهب خشکانده خواهد شد و علم‌گرایی بخش مهمی از فرایند دین‌زدایی را رقم زده است؛ چون انباشت تدریجی معرفت علمی به مردم قدرت فهم و تسلط بر حیطه‌هایی را می‌دهد که روزگاری رازآلود بودند، پس نیاز و مجال توسل به دین به تدریج فروکش می‌کند. (<http://isna.ir>)

به نظر نویسندگان دین تحریف شده و مذهب خرافاتی را مد نظر داشتند نه دین اسلام که یک حقیقت مسلم است. بنابراین باید تلاش نمود دین اسلام و مذهب تشیع را از هر گونه خرافه‌گرایی و افراط‌گری دور نمود تا چالش مواجهه آن با علم کاهش یابد. بحران‌ها و مشکلات دینی اگر به تدریج انباشه شوند، مردم نسبت به دین و آنچه به آن وابسته است، دچار تحول شده و نظرشان درباره تعامل علم دین تغییر خواهد کرد. جهان امروز به جز چند استثنا همانند گذشته و حتی در برخی مناطق بیشتر از گذشته، دینی است. انگیزه دینی به معنای جستجو برای معنا، ویژگی جاودانه انسانیت بوده است. از بین بردن این انگیزه مستلزم چیزی شبیه به دگرگونی نوع انسان است؛ لذا انگیزه دینی تاکنون از بین نرفته و در آینده نیز احتمال از بین رفتن آن نیست.

در عین حال، این نکته را باید در نظر داشت که اگر دین در جامعه دینی گرفتار بحران شود، حکومت دینی نیز گرفتار پیامدهای آن خواهد شد. در این میان، پاسخ‌هایی که برای پرسش‌های موجود داشته‌ایم، در یک مرحله بحرانی نتوانست ما را از این مرحله که قرن‌ها دین مسیحیت را گرفتار کرده بود، عبور دهد؛ لذا حوزه علمیه مانند

---

1. Max Weber  
2. Modernity

سایر نهادهای همسو باید بپذیرد که در مقابل این همه هجمه که گاهی فکر می‌کند سیاسی است، دست خالی است. (نصیری، ۱۳۹۸)

نتایج جدیدترین نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران - ایسپا - نشان می‌دهد در پاسخ به این سؤال که اهمیت دین و خداوند در زمان شیوع کرونا برای شما نسبت به قبل چه تغییری کرده است، چنین بود که ۴۷ درصد مردم ایران گفته‌اند: اهمیت دین و خدا در این مدت برایشان بیشتر از قبل شده است، ۴۸/۴ درصد گفته‌اند از این نظر تغییری ایجاد نشده و تنها ۳/۵ درصد مردم گفته‌اند اهمیت دین و خداوند برایشان کمتر از قبل شده است. (<http://ispa.ir>) به نظر می‌رسد همین آمار ۳/۵ درصدی نیز نشان می‌دهد باید خود را پاسخگو بدانیم.

#### ۵. تعارض با گفتمان نظام پزشکی جدید

افراط‌گرایان دینی با گفتمان نظام پزشکی به دلیل ناکارآمدی و نابرابری آن در جامعه ایرانی که فاصله فقیر و غنی را به رخ می‌کشد، معرفی می‌کنند؛ این گفتمان بر بستری استوار است که پزشکان را صرف‌نظر از تفاوت‌های درآمدی میان اقشار مختلف جامعه پزشکی به عنوان بهره‌برندگان از منافع سرشار ساختار نظام پزشکی معرفی می‌کند. یکی از افتخارات ایران در چند دهه اخیر در مراکز علمی و پزشکی، توسعه علم پزشکی جدید است؛ امری که سبب شده است ایران در منطقه خاورمیانه، یک قطب مهم پزشکی باشد.

در عصر حاضر و بر اساس عقلانیت اسلامی، بهره‌مندی از دستاوردهای مدرنیته به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ در غیر این صورت جامعه با رشد تک‌بعدی، عواقب و چالش‌هایی از قبیل خرافه‌پرزدازی یا علم‌گرایی مطلق را به همراه خواهد داشت. این‌که در مسئله کرونا برخی به نام دین با دستورات علمی و پزشکی متخصصان به مقابله می‌پردازند، اندیشه‌وران دین‌گرا را نگران کرده است. به تعبیر آیت الله جوادی آملی

با ۶ هزار روایت که ۵ درصد آن سند دارد، چگونه می‌توان طب اسلامی برای جامعه کنونی ارائه کرد. (<http://www.ensafnews.com>)

شاید دلیل مخالفت جریان‌های خرافه‌گرا و افراط‌گرایان دینی با گفتمان نظام پزشکی تجمیع قدرت و ثروت نزد پزشکان، گران بودن درمان‌های پزشکی مدرن و کارکرد نامناسب بیمه‌ها در پوشش هزینه‌های درمان است. فرضیه این است که کارکرد نظام پزشکی مدرن به دلیل ناکارآمدی‌های ساختاری، گران و هزینه‌بردار بودن و به حاشیه راندن گروه‌های فقیر و ضعیف جامعه، بستری برای گرایش به طب سنتی شده است. این روند از پزشکی مدرن، هدف مناسبی می‌سازد که برخی با حمله به نظام پزشکی مدرن، بخش‌هایی از گروه‌های حاشیه‌ای شده در نظام بهداشت و درمان را با خود همراه سازند و با رویکرد دینی به پزشکی مدرن بتازند.

## ۶. دوره نوزایی باورهای دینی

در عصری که انقلاب اسلامی ایران موجب تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجد و عظمت دیرینه جهان اسلام گردید، عملکرد برخی مسئولین و جریان‌های افراط‌گرا با ضعف‌های بنیادی همراه شد و موجب دلسردی برخی مردم نسبت به کارکرد دین در عرصه اجتماعی گردید تا جایی که زمینه‌های نوعی ترمیدور<sup>۱</sup>- بازگشت به سنن قبل از انقلاب- را به وجود آورده است.

بر اساس پیش‌بینی جامعه‌شناسان در عصر پساکرونا، یک نوزایی مذهبی یا تولد جدید در ایران اسلامی رخ داده یا رخ خواهد داد و پیش‌بینی می‌شود اولین تحول این نوزایی در علم کلام و سپس در سایر دانش‌های اسلامی مانند فقه خواهد بود. علم کلام نیز دانشی است که علی‌رغم تلاش برای دفاع از عقاید، در تنش‌های اجتماعی

جامعه و تقسیم‌بندی افراد، نقش برجسته‌ای ایفا کرد و موجب سلب همبستگی مؤمنان جامعه و همبستگی ملی شد؛ مسئله‌ای که با اقتصاد جامعه نیز مرتبط شد. (آرنولد<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵)

در این فرایند تحول یک نوع عرفی‌گری یا لائسیسته<sup>۲</sup> نیز پیش‌بینی می‌شود که جزئی از جدایی دولت و جامعه مدنی یا حوزه عمومی از حوزه خصوصی است و یکی از بنیادهای عصر مدرن را تشکیل می‌دهد. تأثیر این عرفی‌گری در برخی شهرها ممکن است کم باشد؛ اما در شهری مثل مشهد، فاصله طبقاتی که آستان قدس بین نزدیکان خود و مردم ایجاد کرده و سایر نهادها نیز نقشی در این شکاف طبقاتی داشته‌اند، مسئله را حاد کرده است و آثار این فاصله را می‌توان در میان جامعه، مسئولان روحانی و غیر روحانی و مردم مشاهده کرد.

یک مصداق مشابه در تاریخ تحولات اروپا نیز وجود دارد که در دو شهر پاریس و لندن با دو نقش متفاوت اما تاریخی قابل رصد است. لائسیسته در این معنا می‌گوید دین و آیین موجود برای اشراف است و در نتیجه هر کس باید دین خود را داشته باشد؛ در این صورت دین مردم یک دین عرفی خواهد شد، مشابه چیزی که مداحان و هیات‌های مذهبی در برخی شهرهای ایران دنبال می‌کنند. (وثیق، ۱۳۸۷)

جایگاه افزایش مکارم اخلاق در میان افراد جامعه به عهده پیشوایان معنوی جامعه گذاشته شده است؛ اگر این وظیفه یکسره به قدرت سپرده شود، نفوذ معنوی جای خود را به نفوذ قدرت سیاسی خواهد داد. معیار سنجش اخلاق جامعه به سیاست وانهاده شده و کارشناسان اخلاق به نوعی خلع سلاح شده‌اند. تمرکز به جزئیات فقهی، تورم مناسک و رسوم و آیین‌ها و بازگذاشتن دست هر کس که بنا به منافع شخصی به عمده کردن ظواهر و حتی توسعه خرافات مشغول شود، جایگاه هسته دین را سست کرده است.

---

1. Thomas Arnold

2. Laicit

به نظر می‌رسد از علل این وانهادن هسته و اصل به پوسته و شکل، تبدیل ایمان و باور به ابزار سیاسی و تبدیل امور وجدانی، روحی و معنوی به سوژه و منظومه قدرت است. شاید این عبارت مشهور که «دیانت ما عین سیاست ماست»، نیمه دیگر را در معده خود هضم کرده است و به همین دلیل این روزها دین‌داران دگراندیش نیازی به تعریف واسطه میان خود و خدا نمی‌بینند و دین و مکارم اخلاقی آن در پیشگاه آنان قربانی شده است.

از طرفی در غرب و حتی در اتحاد جماهیر شوروی، کلیسای کاتولیک و ارتدوکس از اقتدار مذهبی خود با شیوه‌هایی در جهت سلطه قدسی کوشش کردند که منجر به جدایی دین و سیاست گردید. بنابراین باید حوزه علمیه از فرصت پیش آمده بهره بگیرد و در برابر چالش‌های یاد شده اندیشه کند و برای مصونیت بخشیدن به اصل دین، راهکار بیرون رفتن از بحران را پی جویی کند و در این مسیر از نخبگان حمایت و پشتیبانی کند.

در مجموع، نمودار پژوهش از مجموع مسیر طی شده در شکل‌گیری ویروس کرونا را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



نمودار ۱: فرایند مسیری ویروس کرونا

### فرصت‌ها و چالش‌های بلاهای همه‌گیر

در ۱۵۰ سال پیش بیماری وبا در ایران همه‌گیر و با قحطی توامان شد. به گواه اسناد تاریخی، روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ تن می‌مردند، آن زمان نیز مثل امروز تأثیرات وبا به زندگی بهداشتی- درمانی مردم محدود نشد. جامعه ایران در آن زمان سرشار از مناقشه و مطالبه از حکومت شده بود.

به عنوان مثال؛ چند سال بعد از بیماری آیت الله کمپانی ملقب به امین دار الضرب می‌نویسد: اگر دولت فکری به حال مردم نکند، اکثری از رعایای ایران و ارامنه سلماس و ارومیه کوچ می‌کنند و این خسارت بزرگی است به ایران.

بسیاری از تاریخ‌دانان و متفکران، وبا و قحطی را دو میانجی اصلی گذار به مشروطه می‌دانند. آن‌ها همه‌گیری وبا را طلعه ضرورت بازسازی دولت در ایران که بعدها به انقلاب مشروطه منجر شد، می‌انگارند؛ گویی وبا، چشم و گوش لایه‌هایی از جامعه را به این امر گشود که در ایران، دولت به معنای نهادی که امور را رتق و فتق کند، وجود ندارد.

در عین حال، ویروس کرونا در زمان‌هایی اتفاق افتاده است که همه کشورها از دولت مرکزی، وزارتخانه‌های بزرگ و ستادهای مدیریت بحران برخوردار هستند. با این حال، عالم‌گیری بیماری کوید ۱۹ انتقادات زیادی را به نحوه مدیریت دولت‌ها در سطح جهانی وارد کرد که در ادامه به برخی فرصت‌ها و چالش‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱. عدالت اجتماعی در توسعه

کرونا، ویروسی است که همه را تهدید می‌کند؛ هر چند نحوه مبارزه فردی با ویروس متفاوت است. کرونا به سیاست‌گزاران آموخت که فراهم کردن حداقل رفاه برای اقشار ضعیف و حاشیه‌نشین‌ها لازم و ضروری است؛ چرا که همه هم‌سرنوشت هستند؛ لذا بهداشت ضعیف مناطق حاشیه‌ای می‌تواند همه نقاط را فرا بگیرد و توسعه نیافتگی می‌تواند موجب آن شود که در مدیریت بیماری کرونا، همه اقشار در

محاسبات ستاد مدیریت بحران کشورها قرار نگیرند. در کنار این، فقر اقتصادی نیز عامل مهم دیگر است؛ هنوز اقشاری وجود دارند که اگر یک روز کار نکنند، به نان شب محتاج می‌مانند.

## ۲. دستورالعمل مبارزه با بحران و بلایا

کرونا به کشورها آموخت باید تمهیداتی ببندیشند که در مواجهه با یک بحران، غافلگیر نشوند. به سیاستمداران نیز آموخت که خود را برای روزهای سخت آماده کنند.

به عنوان مثال؛ وقتی کرونا به ایران وارد شد، مشخص شد دستور العمل از پیش تعیین شده و خاصی برای مبارزه با یک بیماری خطرناک وجود ندارد. این فقدان باعث عدم مدیریت بحران به شکل صحیح و تصمیمات گاهی متضاد شد؛ در حالی که انتظار این بود دستورالعمل مبارزه با چنین بحرانی از پیش مشخص باشد، حتی نهادهای دینی و فرهنگی می‌بایست چنین آمادگی را در سیستم‌های خود ایجاد می‌کردند.

## ۳. پرهیز از اختلاف و تأکید بر همبستگی جهانی

انتقاد به دولت‌های مستقر از یک طرف راهگشا و از طرف دیگر می‌تواند فضا را برای کسانی مهیا کند که به دنبال سوء استفاده هستند. کرونا به مدیران همه دولت‌ها فهماند در مبارزه با یک بیماری خطرناک باید متحد باشند.

اختلاف مدیران ممکن است به اختلاف مردم و ملت با حاکمیت تبدیل شود و این یک چالش اجتماعی بزرگ است که باید با تمرکز بر پیشگیری در مسیر همبستگی اجتماعی، اهمیت بیشتری به آن داد. همبستگی یک زیرساخت اجتماعی است که ملت‌های متمدن برای گسترش و حفظ آن برنامه منظمی دارند.

از طرف دیگر، بیماری کرونا سیاستگذاری احزاب و جریان‌ها را تغییر داد. شعار بیشتر جریان‌های سیاسی به سمت رفع مشکلات اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی است و نشان داد جریان‌های سیاسی که در این شرایط

گروکشی می‌کنند، نمی‌توانند در میان مردم جایی داشته باشند. شرایط وجود بلایای طبیعی در کشور، شرایط مناسب برای جنگ سیاسی نیست؛ بلکه یک مسئله عمومی جهانی است و عبور از آن نیازمند همبستگی عمومی، مشارکت ملت و دولت و اتحاد مردم و حاکمیت است.

#### ۴. محیط زیست و دانش‌های نو

بحران محیط زیستی سال‌هاست به بحران جهانی تبدیل شده است. فعالان محیط زیست حال زمین را خراب و سال ۲۰۱۸ میلادی را یکی از پرحادثه‌ترین سال‌ها برای محیط زیست می‌دانند؛ از طوفان‌های سهمگین و قطع درختان تا سیل و آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه.

بعد از شیوع کرونا و با خلوت شدن زمین، آمارهایی از بهبود کیفیت هوا و محیط زیست کلانشهرها به گوش رسید که منتقدان را بر آن داشت بار دیگر مدیریت محیطی زیستی دولت را نقد و از آرمان‌های محیط زیستی دفاع کنند. فعالان و کارشناسان، پدیده تغییر اقلیم و محیط زیست کرونا را فرصتی می‌دانستند تا زندگی بهتر با طبیعت و نه علیه آن را نوید دهند و فرصتی برای تنفس زمین در نظر بگیرند.

مردم نیز به پروتکل‌های بهداشتی عمل کردند و به نوعی طبیعت را پاکسازی کردند؛ هرچند عده‌ای از تندروها و افراط‌گرایان دینی به مبارزه با پروتکل‌های نظام پزشکی ایران رفتند و با طبی سنتی چالش‌های اجتماعی را تشدید کردند. نتیجه آن‌که کرونا فهماند که باید بیش از پیش به محیط زیست و پروتکل‌های پزشکی و سایر دانش‌های سودمند معاصر اهمیت داد.

## ۵. همکاری بین المللی دولت‌ها و ادیان

کرونا برای کشورهایی مثل ایران که تحت فشار تحریم‌های ظالمانه است، تجربه‌ای خاص بود. این ویروس به کشورهای زورگو همانند همه انسان‌های جهان به هم وابسته و با یکدیگر هم‌سرنوشت هستند و در چنین شرایطی نمی‌توان بر طبل گفتمان جنگ زد؛ بلکه گفتمان صلح است که به همه چیز حتی ادیان و مذاهب جاودانگی می‌بخشد و ارزش‌های انسانی ادیان را میان افراد جامعه ماندگار می‌سازد.

کرونا چنین آموخت که نه تنها در داخل کشورها؛ بلکه به همکاری و همیاری دولت‌ها و ادیان و مذاهب در سطح منطقه و جهان نیاز است و همه کشورها نیازمند ارتباط و تعامل بیشتر با یکدیگر هستند.

## ۶. پرهیز از افراط‌گرایی دینی

همواره گفتگوی دینی و تقویت وجوه مشترک ادیان از جمله ارزش‌های الهی و انسانی، دوستی و مودت و پرهیز از خشونت و افراطی‌گری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادیان در مسیر ترویج فرهنگ دینی و اشاعه ارزش‌هایی که به ارتقای جایگاه معنوی انسان می‌انجامد، ضرورت حیاتی دارد.

اکنون جامعه جهانی با موجی از افراط‌گرایی، خشونت و هراس مواجه است؛ موجی که نتیجه آن درگیری‌های قومی و مذهبی و ایجاد چرخه بی‌پایانی از خشونت و نفرت در برخی از نقاط دنیا است. این نفرت و خشونت بیشتر ناشی از و کج‌فهمی در درک مفاهیم و ارزش‌های والای بشری و اصول دینی است و به نظر می‌رسد گفتگو، مهم‌ترین راه برون رفتن از چرخه نفرت و خشونت باشد که می‌تواند انسان‌ها را با تمام تفاوت‌ها به دور خود جمع کرده و بین آنها فرهنگ مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز و همدیگرپذیری ایجاد کند.

نگاه دین اسلام همواره در تقابل با خشونت و افراطی‌گری بوده و این دین همیشه بر تعقل و میانه‌روی تأکید داشته و در ذات خود منطبق با صلح و آرامش است. مطابق با قطعنامه جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی در سال ۱۳۹۲ که به ابتکار ایران به تأیید مجمع عمومی سازمان ملل رسید، ضمن صحنه گذاشتن بر تعهد همه مذاهب نسبت به صلح و عزم خود نسبت به محکوم کردن افراط‌گرایی توأم با خشونت که در حال گسترش بوده و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند، بر این موضوع که افراط‌گرایی توأم با خشونت در همه اشکال و ظواهر آن نمی‌تواند و نباید به هیچ مذهب، ملیت، تمدن و قومی نسبت داده شود، تأکید شده است.

بلاای طبیعی و ویروس کرونا علی‌رغم همه بدی‌هایی که داشت، آموزنده خوبی نیز به شمار می‌رود؛ آموزنده‌ای که توان ایجاد تغییر اساسی سیاست‌ها و سیاست‌گزاران را دارا است. به این معنا بلاای طبیعی و کرونا بیش از آن‌که یک عامل مخرب باشند، یک شوک اجتماعی-سیاسی هستند؛ شوکی که به گواه تاریخ، تغییراتی هم‌چون وقوع انقلاب مشروطه را ممکن کرده است.

بنابراین، می‌توان به فراگیری ارزش‌ها در مواجهه با بلاای طبیعی و بهتر شدن شرایط اجتماعی-سیاسی در ادیان جهان امید بست.

### نتیجه‌گیری

تحلیل‌های زیادی در چند ماه اخیر در خصوص تأثیر ویروس کرونا به عنوان یک بیماری همه‌گیر بر آینده جهان گفته و نوشته شده است. برخی پیامدهای فرهنگی کرونا از جمله تأثیر آن بر جایگاه دین در جامعه پساکرونا و تأثیر بر اعتقادات مذهبی و چهره دین و دگرگونی آن است. در این زمینه، مدرنیته، عقل خودمختار، افراط‌گرایی دینی، ترکیب ارزش‌های دینی و خرافات، کشمکش علم و دین و

تورم مناسک از عوامل اصلی نوزایی دینی و عرفی شدن هستند که چالش مواجهه دینی با بلایای فراگیر را تشدید می‌کند.

نهاد حوزه علمیه در برابر این پدیده تاریخی، مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. این نظریه که مدرنیته منجر به عرفی شدن می‌شود، یک نگرش تک عاملی است و بر چند مفروض بنا شده است: یکی آن که دنیای گذشته دینی‌تر از دنیای کنونی بوده و با مدرن شدن جوامع، انسان‌ها از دینی شدن دوری می‌کنند. متغیر علم تلاش دارد این موضوع را اثبات کند که انسان در فرایند تکامل تاریخی با عبور از عصر ایمان و فلسفه به عصر علم رسیده است.

مفروض دوم دینی‌تر نبودن آینده است که با علمی شدن جهان و استقلال انسان از عقل نخست، عقل خودمختار و خودبنیاد انسان را به فرایند استقلال هدایت می‌کند. برخی معتقدند از این مسیر، اسلام، عرفی نمی‌شود؛ زیرا وحی مؤید عقل است. وحی، عقل را حجت دانسته و با عقل در تعامل است و به همین علت وحی از طریق عقل به دست می‌آید.

انتخاب دین و احراز باورهای مبنایی دین بر اساس عقل صورت می‌گیرد و این کار عقل خودبنیاد است. خودبنیادی عقل به معنای این است که عقل، مرجع است و حجیت و اعتبارش از خودش است؛ پس جایگاه دین در نزد چنین انسانی کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد دینی که مبتنی بر عقل باشد، به دنبال تورم مناسک نمی‌رود؛ بلکه از ترکیب ارزش‌های دینی و خرافات جلوگیری می‌کند. برخی نویسندگان با این استدلال که مذهب نتوانست به حل بحران کرونا در جهان کمک کند، دین را درمواجهه با بلایای فراگیر طبیعی، ناتوان معرفی کرده و آواز پیروزی علم بر دین سر داده و مدعی شده‌اند، این امر ممکن است حتی به کاهش تعداد پیروان و معتقدان دینی منجر شود.

از طرفی، سیاستمداران بحران کرونا را در گسترش سبک زندگی جامعه جهانی پراهمیت دانسته و فناوری‌های مجازی را عامل آن معرفی می‌کنند. پدیده کرونا ضرورت وجود نهاد دولت متمرکز و مقتدر را در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل بحران اثبات کرده و اهمیت دولت و ملت را در محور اصلی سیاست جهانی برجسته می‌دانند؛ این در حالی است که جریان‌های پشتیبان خرافات که در ارتباط با ممنوعیت‌های زیارت اماکن مقدس به صراحت اعلام کردند که نشان از دولت‌ستیزی این جریان افراطی است.

بنابراین، باید نقش برخی نهادها به ویژه صدا و سیما، هیئت‌های مذهبی، ذاکرین و روضه‌خوانان در شعله‌ور کردن افراط‌گرایی دینی و خرافه‌گرایی، سنجش و بررسی شود. رفع این چالش نیاز به کار فرهنگی تدریجی، مستمر و مجدد دارد که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و سایر متولیان فرهنگی کشور به ویژه دانشگاه‌ها با اصلاح رویه‌های نادرست، در این زمینه می‌توانند اقدامات مؤثری انجام دهند.

نتیجه آن‌که ویروس کرونا نقش خود را در خرافه‌زدایی از جامعه اسلامی ایران آشکار کرد و خطر برخی مدعیان دین‌داری را نمایان کرد و به تمامی نهادهای پشتیبان از جامعه دینی گوشزد نمود که این روند افراطی عامل دین‌گستری نیست؛ بلکه اسباب دین‌گریزی شده است.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرنولد، توماس (۱۳۸۵). تاریخ گسترش اسلام. ترجمه ابوالفضل عزتی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳. پروین، خیرالله. و مهدی نورایی (۱۳۹۱). نظام‌سازی اسلامی در دوران گذراز حکومت‌های غیر اسلامی. مطالعات بیداری اسلامی. سال ۱. شماره ۱: ۵۰-۹.

۴. چلونگر، محمد علی. و محمد باقر خزانلی (۱۳۹۶). تاریخ علم در تمدن اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم. و حامد آسیابان‌ها رضایی (۱۳۹۵). بررسی روش عقلی فلسفی در مکتب کلامی معتزله، اشاعره و امامیه. کلام اسلامی. دوره ۲۵، شماره ۹۹: ۱۵۸-۱۳۵.
۶. شهرستانی، سید هبة‌الدین (۱۳۵۶). اسلام و هیئت. ترجمه سید هادی خسروشاهی. علم نجوم و هیئت در اسلام. قم: بوستان کتاب.
۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). آنا تومی جامعه یا سنة الله: جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه.
۸. علی حسینی، علی. و زهره شمس (۱۳۹۵). رابطه فرهنگ و سیاست: تبیین جایگاه ارزش‌های دینی در سینمای جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد. اسلام و مطالعات اجتماعی. دوره ۳. شماره ۴ (پیاپی ۱۲): ۶۸-۳۸.
۹. نصیری، مهدی (۱۳۹۸). عصر حیرت. تهران: مکتبه الصدیقة الشهيدة.
۱۰. وثیق، شیدان (۱۳۸۷). لائسیته چیست؟ چاپ ۲. تهران: نشر اختران.
۱۱. همایون مصباح، سید حسین (۱۳۸۸). نقش عالمان شیعه در خرافه‌زدایی در تاریخ معاصر. حوزه. شماره ۱۵۴-۱۵۳: ۲۰۵-۱۵۲.

12. <http://www.asebankafinet.ir>
13. <http://www.ensafnews.com>
14. <https://www.iqna.ir>
15. <https://www.irna.ir>
16. <http://isna.ir>
17. <http://www.ispa.ir>
18. <https://www.khabaronline.ir>
19. <http://www.socio-shia.com>
20. <http://www.zohur.net>



# بازخوانی کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی با رویکردی بر آیات و روایات

نویسندگان: حسین سلطان محمدی (ایران)<sup>۱</sup>، فاطمه سلطان محمدی (ایران)<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

## چکیده

یکی از اساسی‌ترین مسائل زندگی انسان بر اساس سنت الهی در قرآن و روایات، مسئله آزمایش و ابتلا است؛ بر این اساس در مقاله حاضر با هدف شناخت نقش آزمایش‌های الهی در تربیت انسان تلاش شده است به بررسی مباحثی هم‌چون آگاهی از اهداف، ویژگی‌ها، کارکردها و اثرات تربیتی آزمایش‌های الهی برای انسان و نقشی که این موارد در رشد، سعادت و کمال انسانی دارند، پرداخته شود. آزمایش‌های الهی بر مبنای قرآن کریم، اهدافی نظیر تشخیص مؤمنان واقعی و تمحیص اعمال آن‌ها، شناخت مجاهدان و صابران، تعیین بهترین سرنوشت برای انسان‌ها و تقویت صبر آن‌ها دارد. هم‌چنین اختصاصاتی نظیر افتراق در مراتب دشواری آزمایش‌ها، عام‌البلوی بودن ابتلائات الهی در زندگی، دائمی بودن و غیر مقطعی بودن و سنخیت ابتلائات با رشد فکری و اجتماعی انسان‌ها و جوامع بشری دارد. از مسائل مهم دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، نتایج و کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی است که در مواردی هم‌چون ایجاد معرفت و خودشناسی، تکامل ذات و ارتقای بشر، شایستگی پاداش و کیفر و استحکام اراده و تحریک انگیزه، بررسی و تحلیل شده است.

**واژگان کلیدی:** آزمون‌ها و ابتلائات الهی، کارکردهای تربیتی، آیات و روایات

---

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه مفید، قم، ایران،

[hosinsoltan@yahoo.com](mailto:hosinsoltan@yahoo.com)

۲. طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآن کریم، گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشکده علوم قرآنی،

مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران، [fatsoltan@yahoo.com](mailto:fatsoltan@yahoo.com)

## مقدمه

مدت کوتاهی است ویروس منحوس کرونا بر افکار و ابدان خاکیان چنگ انداخته و تمامی بلاد را درنوردیده و مردمان را خانه‌نشین و بسیاری از صاحبان حرف و مشاغل را تعطیل نموده است.

کرونا غریبه‌ای است که تاکنون سلامت جسمانی و روانی، فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، دینی، هنری، تفریحی و مسافرتی دولت‌ها و ملت‌ها را تحت شعاع خود قرار داده و به اذعان سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> بر عدم وجود درمان و واکسن مورد تأیید برای درمان آن و توصیه مکرر به پیشگیری و رعایت بهداشت و اجتناب از فعالیت‌ها و اجتماعات گروهی بر اهمیت واکاوی آن افزوده است.

البته زندگی انسان‌ها در هیچ زمانی به دور از مسئله ابتلا و امتحان نبوده و مواجهه شدن با دشواری‌های امتحان و آزمایش در هر دوره‌ای، برخی را ناتوان و بعضی را مجهز به تقویت توان جسمی و فکری برای مواجهه با دشواری‌های آن کرده است؛ از این رو نقش امتحان و آزمایش برای انسان می‌تواند هم سازنده و مجهز کننده باشد و هم مأیوس کننده تلقی شود. با این حال، این انسان و نوع بینش و تفکر اوست که نشان می‌دهد با دشواری‌های امتحان چگونه برخورد کند.

بنابراین، امتحان و ابتلا با زندگی انسان‌ها عجین شده و بخشی از زندگی ایشان را تشکیل می‌دهد تا جایی که بدون ابتلا و امتحان، نه جایگاه و مرتبه آدمیان مشخص شده و نه امکان تمیز و تفکیک آنان فراهم آمده و نه زمینه ظهور باطن‌ها و کسب کمالات آماده می‌شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

---

1. World Health Organization (WHO)

در هیچ نظام تربیتی به فرد گواهی‌نامه ارتقا یا مردودی را نمی‌توان بدون آزمایش و آگاهی از میزان پیشرفت او اعطا کرد؛ پس امتحان و آزمایش وسیله‌ای برای ارتقا و ابزاری برای آگاه کردن انسان از وضع خود در مواجهه با امتحان است، لذا هر تربیتی، زمانی موفق خواهد بود که متربیان را مورد آزمایش و امتحان قرار دهد و از آن ابزاری برای رشد و آگاهی، ارتقا و پاداش یا بازخورد منفی برای تغییر جهت تربی از مسیر نادرست و یا تقویت مسیر درست تربی استفاده کند.

در نتیجه امتحان و آزمایش از نظر تاریخی به قدمت پیدایش انسان‌ها برمی‌گردد؛ اما آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود، موضوع امتحان و ابتلا در قرآن کریم و نزول وحی آسمانی به پیامبر اکرم ﷺ و آغاز عصر دین مبین اسلام است.

بنابراین در مقاله حاضر، موضوع بررسی آزمایش از زمان نزول آیات قرآنی و آگاهی انسان از این پیام آسمانی دنبال می‌شود؛ هر چند خداوند متعال در قرآن کریم به این‌گونه حوادث تاریخی که بیان‌گر عبرت‌دهی و ناکامی برخی اقوام پیشین در مواجهه با نعمت‌ها یا بلایا که دو شیوه ابتلا و امتحان برای مقاصد مختلف بوده‌اند، اشاره می‌کند.

### چارچوب فرایندی پژوهش

در این پژوهش بنیادی که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود، محقق پس از مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای اقدام به توصیف، تحلیل و بررسی کرده و بر این اساس ابتدا مفهوم‌شناسی ابتلا، امتحان، فتنه و تمحیص به عنوان مفاهیم مرتبط با آزمایش و امتحان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

در بخش دوم، اهداف آزمایش‌های الهی که حاوی دو هدف کلی و چند هدف جزئی است، مورد توجه قرار گرفته و در بخش‌های بعدی با توجه به آیات و روایات، ویژگی آزمایش‌های الهی در مواردی هم‌چون سطح دشواری، فراگیری، تناسب با

رشد فردی و برخورداری از مدت زمان معین، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، کارکردها و آثار تربیتی آزمایش‌های الهی هم‌چون ایجاد آگاهی، ارتقای انسان، توبه و بازگشت، استحقاق پاداش و کیفر، تقویت اراده و انگیزه و ایجاد رقابت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نیز مباحث مطرح شده جمع‌بندی شده و چند پیشنهاد کاربردی و پژوهشی برای محققان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت ارائه خواهد شد.

### مبانی نظری پژوهش

در بررسی آیات قرآن مجید، تعدادی از واژگانی را می‌توان یافت که در مفهوم آزمایش به کار رفته است؛ واژگانی که تبیین مفهومی هر یک می‌تواند راه را برای تشریح بیشتر سایر مباحث فراهم کند. در ادامه به تبیین برخی از این کلیدواژگان اشاره می‌شود:

#### ۱. ابتلا

سرآمدترین واژه بکار رفته در قرآن و روایات، واژه ابتلا است که با معانی بلاء، بلو، بلیه، بلوی، ۳۷ مورد طی ۳۴ آیه و سایر مشتقات آن همه به یک معنی برمی‌گردد و جمع آن بلایا است. عنوان بلا هم در نعمت و هم در نعمت بکار می‌رود و یک واژه عام است. از این آیه قرآن کریم «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر، ۱۶-۱۵) چنین بر می‌آید که اگر انسان بیمار به بیماری مبتلا است، انسان سالم نیز به سلامت مبتلا است؛ پس در عالم هیچ چیزی یافت نمی‌شود که به بلا مبتلا نباشد. گاهی خدای متعال انسان را با سلامت امتحان می‌کند تا ببیند او شاکر است و از این نعمت بهره می‌گیرد یا نه و گاهی او را به مرض می‌آزماید تا ببیند او صابر است یا نه. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۶۰)

در معنای «بلا یبلو»، بلا به معنی محبت و دوستی کردن و تفضل است که گاهی این محبت در نظر انسان، بلیه‌ای نیکو و گاهی مکروه است. «بلوة» به این معناست: او را آزمودم؛ مثل این است که از زیادی آزمایش خسته‌اش کردم. «ابلیت فلانا» به معنی این است که او را آزمودم و با آزمایش به او آگاهی دادم. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۶)

## ۲. تمحیص

واژه دیگری که در برخی از آیات قرآن بکار رفته، «تمحیص» است که به معنی خالص کردن است و در نتیجه بلا و آزمایش حاصل می‌شود. در آیه شریفه «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴) محص در اصل به معنی خالص کردن و برطرف نمودن عیب و ایراد از یک چیز بوده و همانند تزکیه و تطهیر است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۷۶۱)

علامه طباطبایی در مورد تمحیص می‌نویسد: تمحیص از «محص» به معنی خالص کردن چیزی از آمیختگی و ناخالصی‌هایی است که از بیرون به آن داخل شده است. خاصیت خالص‌سازی در انسان، معلوم کردن ایمان مؤمنان برای جداسازی آن از غیر مؤمنان است؛ هم‌چنین خالص کردن ایمان از ناخالصی‌های کفر و نفاق و فسق است. خداوند اجزای کفر و نفاق و فسق را به تدریج از مؤمن می‌زداید تا جز ایمانش چیزی باقی نماند و ایمانش خالص برای خدا باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۳)

## ۳. فتنه

در برخی از آیات قرآن، واژه فتنه به معنی آزمایش و امتحان بکار رفته است. برای نمونه در آیه شریفه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»

(عنکبوت، ۲) علامه طباطبایی در تفسیر ذیل آیه شریفه می‌نویسد: کلمه فتنه به معنی آزمایش است. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۷، ۱۴۷)  
فتنه در اصل به معنی داخل کردن طلا و نقره در آتش برای مشخص کردن عیار خوبی و بدی آن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۶۲۳)  
سید رضی نیز معنای اصلی فتنه را آزمون و سنجش همانند آزمون طلا و نقره می‌داند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۹: ۳۰۷)

#### ۴. امتحان و آزمایش

از واژگان دیگر مورد استعمال در قرآن کریم، کلمه امتحان است که در برخی از آیات به چشم می‌خورد.

در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ» (حجرات، ۳) واژه امتحان از باب افتعال و به معنی ابتلا و اختبار است. ریشه این کلمه از واژه «محن» به معنی آزمایش است و کاربرد آن در مواردی است که چیزی را بیازمایند؛ لذا وقتی گفته می‌شود «محنَت الذهب والفضة» به این معنی است که طلا و نقره را در آتش گداخته و با جدا کردن شائبه‌ها آن‌ها را صاف و خالص کردم. امتحان دانش آموز و دانشجو نیز به همین معنی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۴۲)

هم‌چنین در تعریف آزمایش الهی چنین بیان شده است:

آزمایش الهی یک سنت مطلق فردی، اجتماعی، دنیوی و الهی است که متعلق اراده تکوینی الهی است؛ زیرا تمام سنن متعلق اراده تکوینی الهی هستند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۴۳۴)

## اهداف آزمایش‌های الهی

هر آزمون و امتحانی که برای آزمون شونده به اجرا در می‌آید، در تعقیب سه هدف مهم است؛ گاهی هدف از امتحان و آزمایش برای شناختن و پی بردن به توانایی‌های آزمایش شونده یا همان هدف تبدیل امر مجهول به معلوم است؛ چنین هدفی در امتحانات بشری و مرسوم نظام آموزش و پرورش مورد توجه معلمان و مربیان است. گاهی هدف از آزمایش و امتحان برای اتمام حجت است؛ یعنی مربی در صدد است به آزمون شونده اتمام حجت کند و نمره نهایی او را با دلایل روشن اعلام نماید. در چنین مواردی، آزمون شونده عذر و بهانه‌ای برای عدم قبول عواقب قصور و کم‌کاری خود را نمی‌تواند انکار کند.

در هدف سوم، امتحان و آزمایش باید به مسئله کمال و رشد آزمون شونده، اشاره کند. مهم‌ترین هدف امتحان، رشد و کمال آزمون شونده است و مربی با امتحان و آزمایش در صدد است شاگرد به نهایت کمال، رشد و آگاهی خود برسد. حال با توجه به این سه هدف مهم باید دید که خداوند از امتحان و آزمایش بندگان چه منظوری دارد که در قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده است. در بررسی این موضوع باید اذعان کرد که آزمون و امتحان الهی جدا از آزمون و امتحانی است که یک فرد، فرد دیگری را می‌آزماید؛ خداوند نسبت به وضعیت بندگان خود ناآگاه و بی‌خبر نیست.

وقتی چیزی را مورد امتحان قرار می‌دهند برای این است که مجهولی را تبدیل به معلوم بکنند، برای این کار شیء را به عنوان میزان و مقیاس به کار می‌برند تا بتوانند مجهولی را به معلوم تبدیل بکنند و به وسیله آن مقیاس، بتوانند شیء را اندازه بگیرند. امتحان اگر فقط به معنی بکار بردن میزان و مقیاس و برای کشف مجهول باشد، البته در مورد خداوند صحیح نیست. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۴۳)

هدف خداوند از آزمایش انسان‌ها رشد و تعالی انسان و رساندن وی به حد اعلی درجه انسانیت و واگذار کردن مسئولیت برای پذیرش نتایج اعمال خود است. بنابراین می‌توان گفت هدف آزمایش‌های الهی هم اتمام حجت به بندگان و هم رشد و کمال انسانیت او است. خداوند در سوره کهف می‌فرماید:

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»؛

(کهف، ۷) ما آن‌چه را که در زمین جلوه‌گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را امتحان کنیم که کدام‌یک عملشان نیکوتر خواهد بود.

به طور کلی از مضمون آیات قرآنی، برخی از اهداف جزئی آزمایش‌های الهی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

#### ۱. تعیین بهترین عمل برای انسان‌ها

هدف مهم خلقت و آفرینش انسان، رساندن وی به کمال لایق و شایسته او است. انسان مؤمن از طریق آزمایش و ابتلا و سربلندی در آن می‌تواند به یک انسان لایق و شایسته تبدیل شود و بهترین سرنوشت و عمل را برای خود رقم زند. (ر. ک: کهف، ۷)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد اشاره می‌نویسد:

انسان در اصل، جوهری شریف است. او هرگز مایل نبوده به زمین دل بندد و در این جا زندگی کند؛ اما تقدیر الهی چنین است که میان انسان و آن‌چه در زمین است علاقه ایجاد نماید و از راه اعتقاد و عمل به حق، دل و قلبش تصفیه و تطهیر شود و متاع دنیا وسیله‌ای است تا معلوم شود چه کسی بهتر عمل می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۳۴)

#### ۲. تشخیص مؤمنان واقعی و تمحیص اعمال آن‌ها

از دیگر اهداف آزمایش الهی، تمیز مؤمنان از منافقین است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ...»؛ (آل عمران، ۱۷۹)

خداوند هرگز مؤمنان را بدین حال کنونی که برآید وانگذازد تا آن‌که بدسرشت را از پاک‌گوهر جدا کند و خدا همه شما را از سرّ غیب آگاه نسازد.

طبرسی در ذیل آیه می‌نویسد:

آیه خطاب به مؤمنان است؛ یعنی ای مؤمنان حکم خداوند بر این نیست که شما را به همین حالت که هستید و مؤمن و منافق اشتباه شود، باقی گذارد. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۹۵)

علامه طباطبایی نیز می‌نویسد:

ناموس امتحان الهی از این جهت در میان مؤمنین جاری است که مراتب کمال را پیموده و مؤمن خالص از ناخالص جدا و پاک‌سرشت از بدطینت متمایز شود. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۳۷)

### ۳. شناخت مجاهدان و صابران و خداترسان

هدف دیگر آزمایش الهی، مشخص شدن مجاهدان، صابران و خداترسان است؛ البته این شناسایی برای خود مؤمنان است نه برای خدا. خداوند در قرآن کریم به این موضوع اشاره می‌کند:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ»؛

(محمد، ۳۱) و البته شما را در مقام امتحان می‌آوریم تا آن‌را که در راه خدا جهاد و مجاهده و کوشش دارد و صبر می‌کند معلوم سازیم و اخبار و اظهارات شما [منافقان] را بیازماییم.

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می‌نویسد:

علت واجب شدن قتال بر مؤمنان، آزمودن آن‌هاست تا مجاهدان در راه خدا و کسانی که بر سختی و مشقت تکالیف الهی صبر می‌کنند، شناخته شوند و منظور از «نبلوا خبارکم» این است که صالح از ناصالح متمایز شود. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۳۶۵)

در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ...»؛ (مائده، ۹۵) ای اهل ایمان! خداوند شما را به چیزی از شکار آزمایش می‌کند، چه شکاری که دست شما به آن برسد و نیزه‌های شما تا خدا کسی را که در نهان از او می‌ترسد، معلوم و مشخص نماید.

در این آیه شریفه، نوع صید از صیدهای حلال استثناء شده و در محرمات قرار گرفته است. مطلب قابل تأمل این‌که خداوند قسم یاد می‌کند شما را می‌آزماید تا مطیع شما از عصیان‌گر شناخته شود. لفظ به شیء اشاره دارد، به این معنی که ابتلا و امتحان آسان بوده و مانند تکلیف عظیم و سخت، مثل بذل جان و مال نبوده؛ ولی با این همه عده‌ای سرباز زدند. (پیروزفر، ۱۳۷۸: ۱۰۵)

#### ۴. سنجش صبر و تقوای مؤمنین

از دیگر اهداف مهم آزمایش‌های الهی، محک زدن میزان صبر و تقوای مؤمنین برای خود آن‌ها است. به عبارت بهتر، مربی از انسان‌ها می‌خواهد تلاش و جدیت خود را در برخورد با حوادث روزگار دو چندان کنند و به طور دائم او را می‌آزماید تا صحنه روزگار، شدايد و گرفتاری‌ها و نعمت‌ها آن‌ها را گمراه نسازد؛ بنابراین هدف از آزمایش این است که بنده به خود بیاید و هشیاری خود را از کف ندهد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ (آل عمران، ۱۸۶) محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آن‌ها که پیش از شما کتاب آسمانی به آن‌ها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید، ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

صاحب «مجمع البیان» ذیل آیه شریفه می‌نویسد:

امتحانات و شداید بر شما روی می‌آورند از طریق نقص و از بین رفتن مال و ثروت‌ها، رسیدن مصیبت و نیز سخنان دردآوری که در تکذیب پیامبر از اهل یهود و مشرکین شنیده می‌شود و اگر از اطاعت و بندگی و عبادت کمک گیرید و جزع و کم‌صبری که گناه باشد، نکنید؛ این امتحان، رشد و صواب در پی خواهد داشت. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۶۹)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند روزی گسترده را با فقر و بیچارگی درآمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد، دوران شادی و سرور را با غصه و اندوه نزدیک ساخت، اجل و سرآمد زندگی را مشخص کرد، آن را گاهی طولانی و گاهی کوتاه قرار داد تا مورد آزمایش قرار گیرید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹)

### اختصاصات آزمون‌ها و ابتلائات الهی

از بررسی بحث‌های قبلی می‌توان چند ویژگی برای آزمایش‌های الهی استنباط کرد که در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

## ۱. قابل پیش‌بینی نبودن آزمون‌های الهی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آزمایش‌های الهی این است که زمان آزمایش و یا هنگام اجرای آن پدیده در زندگی انسان‌ها از پیش مشخص نیست. حتمی و قطعی بودن این آزمایش برای انسان مؤمن در کل زندگی و حیات قابل انکار نیست؛ ولی این‌که در چه زمانی انسان مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرد، از پیش معلوم نمی‌شود. فایده تربیتی چنین عملی به این صورت است که وقتی مربی به مربی نمی‌گوید چه زمانی امتحان خواهد گرفت، ولی موضوع امتحان هر زمان ممکن است باشد؛ مربی سخت‌کوش و حساس که در صدد سربلندی در امتحان است، همیشه خود را برای امتحان مهیا می‌کند.

مطابق با این مثال، انسان‌ها نمی‌دانند چه زمانی از جانب خداوند مورد آزمایش قرار می‌گیرند یا قرار خواهند گرفت؛ لذا خداوند برای هدایت انسان‌ها همین شیوه قابل پیش‌بینی نبودن را بکار گرفته است؛ چرا که انسان‌ها همیشه باید آگاه نباید غفلتی از یاد خدا نداشته باشند تا بتوانند از عهده این آزمایش‌ها برآیند؛ البته هر چه درجه ایمان و توکل قوی‌تر باشد، انسان در همه حال بیشتر به یاد خدا بوده و در دشواری‌ها و مصائب زندگی توکل می‌کند و راه‌های سخت را طی می‌نماید.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که نشان‌گر غفلت انسان‌ها از این‌گونه آزمایش‌ها است (ر. ک: فجر، ۱۶-۱۵) که مطابق با این آیات، غفلت و ناآگاهی انسان از زمان آزمایش شدن مشخص می‌شود و انسان ناآگاه آزمایش‌های الهی را به حساب محبت و عدم محبت از جانب خداوند به خود قلمداد می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ  
فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ  
نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ»؛ (ابراهیم، ۶) و یاد آر آن

زمانی که موسی به قوم خود گفت نعمت‌های خدا را برخورد به یاد آورید، زمانی که فرعونیان به سختی عذابتان می‌کردند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند، نجاتتان داد و در این‌ها از جانب پروردگارتان آزمایش بزرگی بود.

در این آیه شریفه، خداوند داستان نصیحت حضرت موسی علیه السلام به قوم خود را طرح می‌کند و از قول حضرت جریان آزمایش شدن قوم بنی اسرائیل توسط شکنجه فرعونیان که از جانب خداوند صورت گرفته بود را یادآوری می‌کند.

بر این اساس، برخی پیامبران از وجود چنین آزمایش‌های الهی مطلع بودند؛ لذا به هنگام این آزمایش‌ها نهایت تلاش خود را برای جهت‌دهی بندگان به سوی اهداف آزمایش آن‌ها به عمل می‌آوردند. بندگان خدا نیز باید به هنگام هر گونه دشواری و شداید مقاومت کنند و همواره طلب عفو و بخشش و بهره‌برداری از مواهب الهی را به منظور تربیت خود داشته باشند.

## ۲. عام‌البلوی بودن ابتلائات الهی

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی، جنبه فراگیری آن‌ها است. منظور از فراگیری آزمایش الهی دربرگرفتن تمامی جوانب زندگی انسان است. انسان مؤمن از هر بُعد زندگی اش چه مادی و چه ایمانی و یا حتی مقام و موقعیت خودش و نیز از طریق اهل و عیال خود در دنیا مورد آزمایش الهی قرار دارد.

بر خلاف آزمون‌های بشری که صرفاً مربوط به یک موضوع می‌شود، آزمایش الهی می‌تواند ابعاد گوناگونی را شامل شود و تمام مراحل زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ چرا که ابزارها و اسباب آزمایش، متعدد و گسترده هستند، پس آزمایش و امتحان بخشی از حیات زندگی فرد و عجبین با آن است. (میرباقری، ۱۳۷۸)

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ  
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ»؛ (بقره، ۱۵۵) شما را به ترس و گرسنگی و  
کم بودن مال و جان و کمبود میوه‌جات آزمایش می‌کنیم، پس بندگان  
صبور را بشارت بده.

بر این اساس، خدای متعال مؤمن را به هر بلایی و به هر مرگی بمیراند؛ ولی به  
رفتن عقلش مبتلا نکند. مگر ایوب علیه السلام را نمی‌بینی که خداوند چگونه شیطان را بر  
مال و فرزند و همسر او و هر چه داشت مسلط کرد؛ ولی بر عقلش مسلط نکرد تا با  
آن خدای را به بیگانگی بپرستد. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)  
در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَلَلَّهِ فِيْهِ مَشِيَّةٌ وَقَضَاءٌ وَإِتْلَاءٌ»؛ (همان: ۱۵۲)  
هیچ قبض و بسطی نیست، مگر آن‌که خداوند در آن مشیت و حکم و  
امتحانی دارد.

مؤمن واقعی از مصائب روزگار و حوادث دهر نمی‌هراسد، او از گرفتار شدن به  
امراض یا پیش آمدن حوادث ناگوار و وقوع فاجعه باکی ندارد؛ زیرا عقیده دارد که  
حوادث خوب یا بدی که برای مردم روی می‌دهد، آزمایشی از طرف خداوند است  
تا معلوم شود چه کسانی در هنگام شادی و گشایش، سپاس می‌گویند و یا به وقت  
گرفتاری صبر پیشه می‌کنند. به همین دلیل است که مؤمن هنگام گرفتار شدن به بلا  
و شر، شکوه و زاری نمی‌کند؛ بلکه صبر و بردباری پیش می‌گیرد و خدا را شکر می‌کند  
و از او می‌خواهد شر و گرفتاری را از او دور سازد. (نجاتی، ۱۳۶۹: ۳۴۳)

به طور کلی، هر چه توجه انسان مؤمن و درجه ایمان او بالاتر باشد، شرایط  
بیشتری برای بهره‌مندی از موقعیت‌های آزمایش و تعیین بهترین سرنوشت برای خود  
رقم می‌زند. تعدد آزمایش‌ها هر چند فرسوده کننده باشد، می‌تواند فرصتی برای

خودسازی انسان فراهم آورد؛ پس دامنه و گستره آزمون الهی، یک یا دو مورد نیست، بلکه آن چه از مضامین آیات و روایات استنباط می‌شود، بسیار گسترده‌تر است و در همه شرایط - چه در شرایطی که انسان در وفور نعمت است و چه در شرایطی که انسان در بند شداید گوناگون در هر مرحله از زندگی گرفتار باشد - باید از موضوع امتحان غافل نباشد و آمادگی استفاده از این وسیله را برای ارتقای درجه ایمان خود داشته باشد.

### ۳. افتراق در مراتب دشواری آزمایش‌های الهی

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی این است که از نظر پیچیدگی و سطح دشواری نسبت به افراد یا امم مختلف، متفاوت هستند. برخی از گرفتاری‌ها نسبتاً کوتاه و برخی طولانی و پیچیده هستند؛ البته باید وجود این تفاوت‌ها و دشواری‌ها را با درجه ایمان افراد در ارتباط دانست، زیرا بلا و نعمت در هر دو نسبی هستند و بستگی به عکس‌العمل انسان در برابر آن دو دارند؛ لذا یک چیز نسبت به دو شخص وضع مختلفی می‌یابد، یعنی یک چیز برای یک نفر نعمت است و همان چیز برای شخص دیگر نعمت است. این است که می‌گوییم نعمت و بلا هر دو نسبی هستند. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۸۴)

- آن چه می‌توان از نظر تربیتی بیان کرد این است که به طور کلی تغییر سطح دشواری آزمایش‌ها از جانب خداوند برای بندگان خود، عمدتاً به دو هدف انجام می‌شود:
- خداوند با توجه به ظرفیت فرد یا قومی، همه بندگان خود را مورد آزمایش قرار می‌دهد (ر. ک: عنکبوت، ۲-۳) تا به اصلاح رفتار و اعمال خود بپردازند.
  - خدای متعال بندگان را برای بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از نتایج آزمایش، مخیر و آزاد می‌گذارد تا واکنش انسان‌ها نسبت به آزمایش مشخص شود.

نگاهی به سیره تربیتی پیامبران و امامان علیهم السلام در واکنش مثبت به نتیجه چنین آزمایش‌هایی برای هر مؤمنی آموزنده است. نمونه‌هایی از این آزمون‌ها و درس‌ها را می‌توان از ابراهیم و ایوب علیهم السلام به روشنی در آیات قرآن کریم مشاهده کرد. (ر. ک: بقره، ۱۲۴)

حضرت ایوب، حضرت سلیمان، پیامبر اکرم و سایر ائمه اطهار علیهم السلام هر یک با توجه به شرایط زندگی سیاسی و اجتماعی خود، آزمایش‌هایی را پشت سر گذاشته‌اند. این آزمایش‌ها برای یک پیامبر و یا یک امام معصوم با دیگر پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام متفاوت بوده است.

توجه به معنای برخی آیات، تفاوت دشواری یا آسان بودن یک آزمایش را بر انسان مشخص می‌سازد؛ چه بسیار انسان‌هایی که از ساده بودن دشواری‌ها و بلاها به خود نمی‌آیند و مربی برای این‌که انسان را از خواب غفلت بیدار کند، شیوه آزمایش را تغییر می‌دهد تا هر چه بیشتر توجه شاگرد را به آزمایش و امتحان جلب کند.

در سوره بقره چنین تفاوتی را در سطوح دشواری می‌توان مشاهده کرد:

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ (بقره، ۲۴۹)

پس هنگامی طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بیاشامد از من و هم آیین من نیست و هر که هیچ نیاشامد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آن‌ها و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند و گفتند ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او

نخواهد بود. آنان که به لقای رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند، گفتند چه بسیار شده گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده و خدا با صابران است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه اشاره می‌کند:

خداوند به وسیله نهری، یک لشکر را امتحان می‌کند و در نتیجه این عمل، سربازان طالوت به سه گروه یا طایفه تقسیم می‌شوند. گروه نخست آن‌هایی که از طالوت نبودند چون از آب نهر نوشیدند، گروه دوم آن‌هایی که از وی بودند چون از نهر ننوشیدند و گروه سوم آن‌هایی که مردد بودند و موقعیت‌شان در آزمایش نهر معلوم نشد، چون مشتی آب برداشتند و نوشیدند و در نتیجه آزمایش دیگری وضعیتشان را روشن کرد و آن این است که اگر در حال جنگ به خدا اعتماد نموده و در برابر دشمن مقاومت کنند از طالوت خواهند بود و اگر دچار اضطراب شوند در طایفه دوم قرار خواهند گرفت. (طباطبایی، ۱۳۷۷)

دو حدیث زیر نیز نمونه‌ای است که مؤید موارد بالاست:

- سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری به تربیت عبارتند از پیامبران، کسانی که در پی آنانند و سپس کسی که از دیگران بهتر است.
- مؤمن مانند کفه ترازو است؛ هر چه بر ایمانش بیفزاید، بر بلایش افزوده می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)

#### ۴. دائمی بودن آزمون‌های الهی و غیر مقطعی بودن آن

ویژگی دیگر آزمایش‌های الهی این است که در زمان‌های خاصی برای بشر اتفاق می‌افتد؛ اما این امر به منزله مقطعی بودن این آزمایش‌ها نیست، یعنی این‌طور نیست که

تنها در یک زمان، آزمایش انجام و بلافاصله تمام شود و دیگر هیچ آزمایشی صورت نگیرد، بلکه آزمایش‌های الهی در طی زندگی فرد رخ می‌دهند.

به عبارت دیگر، زمانی خداوند فرد را به حال خود وامی‌گذارد که شرایط زندگی فرد تغییر پیدا کند؛ مثلاً وضع مالی‌اش بهبود یابد، آزمایش الهی با بهبود شرایط زندگی یا بر عکس با ناگوار شدن شرایط زندگی شروع می‌شود.

میزان اشتداد آگاهی انسان‌ها در نزول آزمایش در همه زمان‌ها یکسان نیست. به عنوان مثال؛ در زمانی که زلزله و قحطی به عنوان دو وسیله آزمایش یا مرگ و نیستی برای انسان‌ها رخ می‌دهد، شرایط تأثیرگذاری این آزمایش‌ها با شرایط معمولی زندگی انسان یکسان نیست؛ از این‌رو منظور از مدت زمان معین آزمایش‌ها تأثیرگذاری برخی آزمون‌های سخت در برخی از زمان‌ها بر میزان آگاهی یا عدم آگاهی است؛ حال آن‌که انسان در طول حیات خود در بوته آزمایش است؛ چنان‌چه در بعضی آیات به زمان خاص آزمایش‌های الهی اشاره شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»؛ (اعراف، ۱۶۳) و [ای رسول] بنی اسرائیل را

از آن قریه که در ساحل دریا بود بازپرس، آن‌گاه که از حکم شنبه تجاوز کردند، آن‌گاه که روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا پدیدار شده و در غیر آن روز پدید نمی‌آمدند، بدین‌گونه ما آنان را به سبب فسق و نافرمانی آزمایش می‌کردیم.

این آیه اشاره دارد به ماجرای ممنوعیت یهود از شکار ماهی‌هایی که در روز شنبه دسته دسته به سمت ایشان می‌آمدند و خود را روی آب آشکار می‌کردند. تجاوزشان از حدود روز شنبه بود که ماهی‌هایی روی آب شکار می‌شدند و ایشان ممنوع از

صید آنان بودند؛ اما بعد از روز شنبه که مجاز در صید بودند، ماهی‌ها نزدیک نمی‌آمدند و این خود امتحانی بود از جانب خدای تعالی و خدا بدین جهت ایشان را به چنین امتحانی مبتلا کرد که فسق و فجور در میان ایشان رواج یافته بود و حرص بر اعمال بد، ایشان را وادار به مخالفت با امر خدا و صید ماهی و به‌دست آوردن هزینه‌های فسق و فجورشان می‌کرد.

قرآن کریم در آیه شریفه دیگری می‌فرماید:

«أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ

يَذْكُرُونَ»؛ (توبه، ۱۲۶) آیا نمی‌بینند آنان در هر سال، یک یا دو بار

آزموده می‌شوند؛ باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند.

مطابق با این آیات، آزمایش‌های الهی که در طی زمان‌های خاصی برای بشر اتفاق می‌افتد و زمان این آزمون‌ها مشخص نیست، می‌تواند از نظر اشتداد یا عدم اشتداد آگاهی فرد در اشخاص گوناگون، متفاوت باشند.

این موضوع برای آگاهی انسان جهت بیداری در زندگی و یا ظهور برخی از آزمایش‌های سخت و دشوار امری مهم است و هر انسانی در چنین زمان‌هایی که آزمایش سخت ظهور می‌کند، باید مهیاتر باشد و فرصت خودسازی را غنیمت شمرده و سایر انسان‌ها را برای سبقت‌گیری در جهت امر الهی راهنمایی کند.

##### ۵. سنخیت ابتلائات و آزمایش‌های الهی با رشد فکری و اجتماعی جوامع

یکی دیگر از ویژگی‌های آزمایش‌های الهی این است که با رشد اجتماعی اعضای یک گروه یا جامعه و یا یک ملت تناسب دارد. هر یک از اقوام گذشته با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی خود در آزمایش الهی قرار گرفته‌اند.

نگاهی به سرنوشت برخی از امم گذشته مثل قوم عاد، ثمود و لوط نشان‌گر سرنوشت ناگوار آن‌ها به جز پیامبران‌شان بوده است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَضَرَّعُونَ»؛ (انعام، ۴۲) برای امم پیشین انبیایی اعزام کردیم و آنان را با  
شداید و آسیب‌ها و زیان‌های مالی و غیر مالی آزمودیم تا تضرع کنند.

در ادامه این آیه شریفه، خداوند با حالت اعتراض‌گونه سؤال می‌کند که این‌ها  
گریه نمی‌کنند و بعد در ادامه توضیح می‌دهد عامل اصلی عدم گریه و زاری آن‌ها  
ناشی از قساوت قلبی‌شان است.

در تفسیر موضوعی قرآن کریم و ذیل این آیه، بحثی با عنوان آزمایش امت‌ها با  
سختی و دشواری آمده است: هر پیامبری که مبعوث شده، خداوند امت او را با  
مشکلاتی آزموده است. امت‌ها اگر توانسته‌اند در امتحان الهی همراه با پیامبر خود  
راه نبرد با دشواری‌ها را ادامه دهند، به فلاح و رستگاری رسیده‌اند و کسانی که تن  
به این آزمایش‌ها نداده‌اند، از سعادت دنیا و آخرت محروم شدند و این آزمایش‌های  
همراه با سختی مربوط به همه امم بوده است. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۳)  
با توجه به این‌که انسان‌ها در طی مراحل زندگی، شرایط گوناگون جسمی و  
عقلی و روحی پیدا می‌کنند؛ از این‌رو آزمایش‌های الهی با توجه به خصوصیات  
رشدی افراد و حتی ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به‌عمل می‌آید، چنان‌چه مشاهده  
می‌شود در برخی آیات، خداوند حکم جهاد را برای زنان و بیماران منتفی کرده  
است. در همین رابطه به ترجمه و مضمون برخی آیات از قرآن کریم و ترجمه  
روایاتی از اصول کافی اشاره می‌شود که تبیین‌کننده این ویژگی آزمایش الهی است:  
- سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری به ترتیب عبارتند از پیامبران،  
کسانی که در پی آنانند و سپس کسی که از دیگران بهتر است.

- مؤمن مانند کفه ترازو است؛ هر چه بر ایمانش بیفزاید، بر بلایش افزوده

می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۱)

هم‌چنین نمونه‌هایی از تناسب آزمایش و سطح دشواری را در داستان آزمایش فرعونیان می‌توان مشاهده کرد. وقتی قوم فرعون از انجام آزمایش الهی به خود نمی‌آمدند، شیوه آزمایش سخت‌تر می‌شد؛ چنان‌چه خداوند متناسب با سرسختی قوم فرعون در پذیرفتن دستوراتش، آزمایش را متناسب با کردار و رفتارهایشان سخت‌تر می‌کرد و آن‌ها را به بلاهایی دچار می‌نمود که این بلاها شدیدتر می‌شدند. (میرباقری، ۱۳۷۸: ۲۶) این مراحل به ترتیب زیر هستند:

- مرحله اول حوادث، جنبه تذکر و توجه کردن به حقیقت دارد. (ر. ک: اعراف، ۱۳)
- مرحله دوم موقعی است که نزدیکان فرعون بر این آیات الهی، عنوان سحر می‌گذارند (ر. ک: اعراف، ۱۳۲) که نتیجه این گستاخی، حوادث سنگین‌تری است. (ر. ک: اعراف، ۱۳۳)
- مرحله سوم وقتی است که مراحل قبل، هیچ‌یک به ثمر نمی‌نشیند و در نهایت عذاب الهی به عنوان انتقام از زمین دامن‌گیر آن‌ها می‌شود. (ر. ک: اعراف، ۱۳۵-۱۳۶)

### نتایج و کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی

در این بخش با توجه به بخش‌های قبلی به مواردی از آثار و کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی اشاره می‌شود:

#### ۱. ایجاد معرفت و خودشناسی

یکی از معانی تربیت، آگاه ساختن انسان است و چنان‌چه مرتبی از موقعیتش آگاه باشد، خطاها و ضعف‌های قبلی خود را جبران می‌کند؛ لذا یکی از اهداف امتحان و آزمایش، آگاه ساختن فرد از نقاط ضعف و قوت او است که آزمایش‌های الهی

می‌توانند این اثر و کارکرد تربیتی را بر انسان‌ها داشته و زمینه آگاه ساختن انسان‌ها را فراهم کنند.

بر این اساس، خداوند با قرار دادن امتحاناتی در مسیر زندگی انسان در صدد آگاه ساختن، تذکر و بیداری او است؛ در این سیر، هر چه انسان‌ها از نظر درجه ایمان قوی‌تر باشند، از این دشواری‌ها بیشتر تأثیر می‌پذیرند و هر چه از نظر ایمان ضعیف‌تر باشند، متوجه این اثرات تربیتی نخواهند بود.

نمونه‌هایی از این آگاهانه عمل کردن در برابر آزمایش‌ها و آگاه ساختن عبرت گیرندگان از پیام‌های قرآنی را می‌توان در جریان آزمایش حضرت سلیمان علیه السلام که از نتیجه آزمایش خود آگاه بود، دریافت کرد (ر. ک: نمل، ۴۰) که نشان می‌دهد با حضرت آگاه بود که خداوند او را مورد آزمایش قرار می‌دهد؛ لذا موفقیت خود را ناشی از فضل و کرم پروردگار دانسته و این آگاهی، زمینه شکرگذاری او از خداوند را فراهم کرد.

شهید مطهری در بحث از اثرات تربیتی بلا یا چنین می‌نویسد:

سختی و گرفتاری هم تربیت‌کننده فرد و هم بیدارکننده ملت‌ها است. سختی، بیدار سازنده و هوشیار کننده انسان‌های خفته و تحریک کننده عزم‌ها و اراده‌ها است؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی‌ها مقاومت کند و به طور خودآگاه و ناخودآگاه آماده مقابله با آن شود. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۵۶)

## ۲. استحکام اراده و تحریک انگیزه

داشتن انگیزه کافی برای هر عملی از مهم‌ترین مسائل تربیتی به شمار می‌آید. از جمله اهدافی که هر آزمون می‌تواند داشته باشد، این است که شاگردان را نسبت به یادگیری و تلاش تشویق می‌کند و به عنوان یک محرک، انگیزه آن‌ها را تقویت می‌کند؛

پس یکی از مهم‌ترین فوائد تربیتی امتحانات، تقویت انگیزه و اراده افراد در مواجه شدن با امتحانات است.

در آیات متعددی خداوند با تشویق تلاش انسان‌ها، اقدام به تقویت انگیزه و اراده افراد می‌کند (ر. ک: بقره، ۱۵۵؛ ملک، ۲) که با توجه به عجین بودن حیات زندگی انسان‌ها با آزمایش و ابتلا می‌توان اذعان کرد سراسر زندگی انسان‌ها در این عالم مورد آزمایش و امتحان الهی است. (میرباقری، ۱۳۷۸)

در این میان، وظیفه مربی در تربیت اسلامی این است که با تأسی به مضمون آیات قرآنی به هنگام سختی‌ها و بلایا به متریان جوان کمک کند، نسبت به آن‌ها توجه کرده و با دیده عبرت بنگرد و انگیزه و اراده خود را برای جلب رضای الهی تقویت کند.

برای تحقق این منظور نیز برگزاری جلسات، نشست‌ها و میزگردها در صدا و سیما و تحلیل و بررسی آثار تربیتی بلایا و امتحانات الهی به هنگام نزول اسباب آزمایش در تقویت ایمان افراد و آمادگی به منظور کسب انگیزه مقاومت، صبر و بردباری و طلب عفو و مغفرت می‌تواند مؤثر باشد.

### ۳. زمینه‌سازی جهت توبه و پشیمانی از گناه

از دیگر اثرات و کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی این است که انسان را برای تصمیم‌گیری به توبه، ندامت و طلب عفو و مغفرت از درگاه باری تعالی امیدوار می‌کند. توبه به عنوان یکی از روش‌های تربیت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵)

اهمیت و تأثیر آزمایش‌ها این است که انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«...وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ...»؛ (اعراف، ۱۶۸)

و آن‌ها را به نیکی و بدی‌ها آزمودیم تا شاید بازگردند.

بنابراین آزمایش‌های الهی می‌توانند اثرات تربیتی مثبتی در انسان‌ها به منظور تغییر جهت و انتخاب مسیر درست ایجاد کند. آنچه قبلاً بیان شد، این است که برخی از آزمایش‌های الهی صرفاً جنبه تذکر دارند تا بندگان را وادار به توبه نمایند. به طور کلی، ابتلائات برای توجه دادن انسان به پروردگار و ایجاد حالت نیایش است؛ زیرا طبع بشر به لحاظ فطرت الهی به گونه‌ای است که به هنگام مشکلات و محدودیت‌ها، شکسته‌دلی به وی رو می‌آورد و از غفلت دست می‌شویید و برای او حالت التجا پدیدار می‌شود؛ پس تقدیر حوادث گوناگون از ناحیه ربوبی در زندگی انسان برای بازگشت به سوی حق است. (میرباقری، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۴)

آنچه در این میان از نظر تربیتی مهم است، یادآوری جایگاه و اهمیت مقاومت به هنگام جاری شدن اسباب آزمایش جمعی برای ملت‌ها در گذر زمان است. اگر در مواقعی زلزله یا قحطی و یا بلایای دسته‌جمعی، سیل یا کم‌آبی که نمونه‌هایی از اسباب آزمایش هستند، رخ داده باشد، وظیفه مربیان تربیت اسلامی این است که از طریق برگزاری میزگردها یا سایر برنامه‌های تربیتی در جهت ایجاد آگاهی بیشتر برای بازگشت و توبه و طلب مغفرت و آمرزش گناهان، توصیه تربیتی لازم را به مردم ارائه دهند.

#### ۴. ایجاد روحیه رقابت در انجام اعمال خداپسندانه

از دیگر اثرات و کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی می‌توان به تربیت حس رقابت و سبقت‌جویی در کارهای مثبت و خداپسندانه در انسان اشاره کرد. ایجاد رقابت در میان انسان‌ها جهت پیشی گرفتن در اعمال خداپسندانه اهمیت بالایی دارد و عمل آزمودن می‌تواند به این حس رقابت دامن نهد.

بیان این نکته لازم است که برخلاف انگیزه و اراده که جنبه درونی عمل انسان را تشکیل می‌دهد، در مسئله رقابت، انسان آن انرژی درونی خود را در اعمال و رفتارشان نشان می‌دهد؛ لذا تقویت اراده، انگیزه و ایجاد رقابت با یکدیگر همبسته‌اند و جنبه درونی یعنی فکر و جنبه بیرونی یعنی عمل تربیت اسلامی را شامل می‌شود. بنابراین تا وقتی در فرد اراده و انگیزه نباشد، عمل رقابت صورت نمی‌گیرد.

در مجموع، ابتلا و امتحان الهی می‌تواند هم از نظر فکری و هم از نظر عملی بر فرد مؤمن تأثیرگذار باشند؛ اما نوع بهره‌هایی که اشخاص به تناسب شخصیت و ایمان خود از آن‌ها می‌برند، متفاوت خواهد بود.

ایجاد حس رقابت به عنوان یکی از کارکردهای تربیتی آزمایش‌های الهی با یکی از اصول و روش‌های تربیت اسلامی یعنی اصل سبقت و روش ابتلا و امتحان در ارتباط است. یکی از اصول مهم تربیت اسلامی، اصل سبقت است که در نتیجه آن، مربی باید مرتبی را در پیشی گرفتن در کارهای نیکو و خداپسندانه تشویق کند و ابتلا نیز به عنوان یکی از روش‌های تربیت اسلامی به شمار می‌آید. (باقری، ۱۳۷۰)

اصل سبقت در این کارکرد، ارتباط خود را با روش ابتلا و امتحان الهی پیدا می‌کند؛ یعنی در ابتلای الهی هدف، سبقت دادن افراد مؤمن به صبر و پیشی گرفتن در توجه و توکل به خدا است؛ یعنی هر چه فرد از آزمایش‌های الهی موفقیت و سربلندی کسب کند، نسبت به انسان‌های دیگر سبقت بیشتری در بهره‌مندی از رحمت الهی دارد. بنابراین اصل سبقت و روش ابتلا می‌تواند با یکدیگر در ارتباط باشند. انسان مؤمن که همیشه مبتلا و بهوش است، سبقت می‌گیرد و در آزمون موفق می‌شود و وجهه «السابقون» به‌خود می‌گیرد و در نهایت جزو مقربین درگاه احدیت می‌شود.

بر این اساس، بی دلیل نیست که خداوند وعده بهشت را به بندگان مخلص خود داده است؛ چرا که تمامی این وعده وعیدها به سبب ایجاد رقابت، جهت ورود به بهشت و جلب رضایت خداوند نسبت به بنده است.

در قرآن کریم چنین اشاره شده است:

- «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»؛ (ملک، ۲)

کسی که موت و حیات را آفریده تا شما را بیازماید که کدامیک از شما بهتر عمل می‌کنید.

- «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى

الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»؛ (هود، ۷) او کسی است که

آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد و عرش او بر آب قرار داشت و غرضش از این خلقت آن بود که شما را بیازماید تا کدامیک بهتر عمل می‌کنید.

## ۵. شایستگی پاداش و کیفر

از دیگر اثرات تربیتی مهم آزمایش الهی می‌توان به برخورداری یا عدم برخورداری از پاداش و یا کیفر اشاره کرد؛ چنانچه در امتحانات بشری، معلم به دانش‌آموز فعال و کوشا جایزه می‌دهد و ممکن است معلم، شاگرد تنبل را محروم سازد؛ چنین عملی یکی از مهم‌ترین فرایندهای ارزشیابی و امتحان را شامل می‌شود.

خداوند از انجام آزمایش‌های خود در صدد گرفتن نتایج تربیتی است؛ یعنی بندگان خود را مستحق پاداش یا کیفر می‌داند. نتایج حاصل از اعمال بندگان، پاداش یا کیفر را از جانب خداوند به دنبال دارد؛ هر چند انسان از پاداش‌ها یا کیفرهای ملموس در این دنیا مطلع نیست؛ اما در برخی از آیات قرآنی خداوند از کیفرهای پاداش‌نما سخن می‌گوید که هر چند به ظاهر پاداش هستند، اما زمینه کیفر انسان را فراهم می‌کنند.

صاحب «تفسیر تسنیم» به این‌گونه کیفرهای پاداش‌نما اشاره می‌کند و اشاره‌ای به آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مبارکه انعام دارد که می‌فرماید: ما آنان را ابتدا با کمبود آزمودیم تا ناله کنند و چون اهل ناله نشدند، بسیاری از نعم را به آن‌ها دادیم تا سرگرم تنعم شدند و سپس در همان بحبوحه، تنعم را از آنان گرفتیم و ریشه‌کن ساختیم. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱)

شهید مطهری نیز در رابطه با اثرات تربیتی بلا و شداید چنین می‌نویسد:

امتحان می‌کند یعنی در معرض بلایا و شداید قرار می‌دهد که بر وزن واقعی و درجه معنوی و حد شخصیت آن بنده افزوده شود. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴۴)

به طور کلی رشد شخصیت و درجه معنوی یا نعمت، همگی در اصطلاح روان‌شناسی معاصر پاداش نامیده می‌شوند. به هر حال نتایج هر امتحانی بدون پاسخ نخواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

(انعام، ۱۶۵) اوست کسی که شما را خلیفه‌های زمین قرار داد و برخی را به درجاتی بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده آزمون کند. پروردگارت کیفر کردار را به زودی می‌دهد و هم او آموزگار و مهربان است.

## ۶. تکامل ذات و ارتقای بشر

از دیگر اثرات و نتایج تربیتی آزمایش‌های الهی، فراهم کردن زمینه و جهت ارتقای انسان به مقام یک انسان کامل است. بر اساس این کارکرد، هر حرکت و پاسخ مثبت انسان

به آزمایش‌های الهی از قبیل صبر و توکل و سفارش دیگر مؤمنین به بردباری و یا کمک به آسیب‌دیدگان و ابراز همدردی با آنان؛ اعم از مالی، فکری و یا عقیدتی منجر به ارتقای انسان می‌شود.

نگاهی به سرگذشت پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان‌گر همین مسئله است که آنان برای ارتقا به پیامبری یا امامت خود، سختی‌ها و مشکلات گوناگونی را پشت سر گذاشته‌اند. در پی چنین صبر و تحملی چه بسا انسان به مقام و موقعیتی دست پیدا کند که برای خود او باورنکردنی باشد.

مهم‌ترین اصل تربیتی در این‌جا شکرگذاری بنده است؛ به نحوی که هر چه ارتقا بیشتر باشد، بنده باید شکرگذارتر و توکلش دوچندان شود. در سیره تربیتی حضرت ابراهیم و حضرت سلیمان و همه ائمه اطهار علیهم‌السلام این ارتقا مشاهده می‌شود. مقام والای شهدای جنگ احد و مقام سالار شهیدان، امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهیدان راه حق و حقیقت برای هیچ مسلمان و مؤمنی از نظرها پوشیده نیست؛ چنان‌چه روایات و آیات فراوانی در این مورد وارد شده که مجال پرداختن به آن‌ها نیست.

برای اتمام سخن به یک آیه شریفه درباره مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره می‌شود:

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ (بقره، ۱۲۴) و

چون پروردگار، ابراهیم را با صحنه‌هایی بیازمود و او به حد کامل آن امتحان را انجام داد، به وی فرمود: تو را امام خواهم کرد. ابراهیم گفت: از ذریه‌ام نیز کسانی را به امامت برسانی که خداوند فرمود: عهد من به ستمگران نمی‌رسد.

همان‌طور که روشن است، شرط ارتقای حضرت ابراهیم علیه‌السلام به امامت پس از گذر موفقیت‌آمیز از آزمایش‌هایی بوده که از آن جمله دستور ذبح حضرت اسماعیل علیه‌السلام و شکستن بت‌ها است. بنابراین در مکتب تربیت اسلامی، تحمل شداید و سختی‌ها

از جانب انسان او را به حد کامل انسانیت می‌رساند و هر گاه انسان در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار و دشمنی مردم صبر کند، انسانی با شخصیت و رشد یافته و کامل خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا مفهوم و اهداف آزمایش‌های الهی مورد بررسی قرار گرفت و اشاره شد که کلمه بلا، امتحان، فتنه و مشتقات آن در قرآن کریم به معنی آزمایش و امتحان است. در بحث از اهداف امتحان به دو هدف مهم اشاره شد و تبیین شد که هدف خداوند از انجام ابتلائات و آزمایش‌ها در زندگی انسان‌ها تکامل و رساندن آدمی به کمال شایسته و اتمام حجت بر بندگان است.

در بخش دوم مقاله با توجه به آیات قرآن و روایات، اختصاصات آزمایش‌های الهی در مواردی نظیر افتراق در مراتب دشواری، تناسب با سطح رشد فکری و اجتماعی، عام‌الجلوی بودن آزمایش‌ها در مسیر زندگی انسان‌ها و دائمی بودن و غیر مقطعی بودن آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در بخش پایانی نیز با توجه به بخش‌های قبلی، نتایج و کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی در زمینه استحکام اراده و تحریک انگیزه، ایجاد روحیه رقابت، شایستگی پاداش و کیفر، تکامل ذات و ارتقای بشر، زمینه‌سازی جهت توبه و پشیمانی از گناه و مهم‌تر از همه، ایجاد معرفت و خودشناسی و بیداری از غفلت به عنوان ۶ کارکرد و اثر تربیتی ابتلائات و آزمون‌های الهی تبیین شد.

### پیشنهادهایی برای محققان آینده

به نظر می‌رسد پی‌جویی پیشنهادهای زیر می‌تواند برای دست‌اندرکاران و محققان علاقه‌مند به موضوعات مرتبط با این پژوهش، مورد استفاده قرار گیرد:

- با توجه به نقش سازنده آزمون‌ها و ابتلائات الهی در تربیت و کمال انسان و به منظور تقویت جایگاه این سنت الهی، پیشنهاد می‌شود برای آشنایی دانش‌آموزان با جایگاه آزمایش‌های الهی، دروسی در محتوای کتاب‌های درسی دبیرستانی در مورد نحوه آزمایش پیامبران و امامان و نوع برخورد ایشان با این آزمایش‌ها گنجانده شده و آثار تربیتی آن‌ها تبیین شود.
- در صدا و سیما، برنامه‌هایی درباره تبیین موضوع آزمایش الهی و کارکردهای تربیتی آن تدارک دیده شود.
- توصیه می‌شود پژوهشگران، موضوعی درباره اسباب و ابزارهای آزمون‌ها و ابتلائات الهی و روش‌های بیرون رفتن و سربلندی در آن آزمون‌ها و ابتلائات در قرآن و سیره تربیتی مورد پژوهش قرار دهند که مجال پرداختن به چنین بحثی در پژوهش حاضر، فراهم نشد.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۷۹). شرح نهج البلاغه. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: مرکز نشر رجاء.
۴. ابن منظور. محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. باقری، خسرو (۱۳۷۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ ۲. تهران: انتشارات مدرسه.
۶. پیروفر، سهیلا (۱۳۷۸). ابتلا در قرآن و حدیث. مطالعات اسلامی. دوره ۲. شماره ۴۴-۴۳: ۸۹-۱۲۸.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.

کارکردهای تربیتی آزمون‌ها و ابتلائات الهی... / ۱۰۳

۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). *سیری در تربیت اسلامی*. چاپ ۷. تهران: انتشارات دریا.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ القرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی. تهران: انتشارات رضوی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷). *تفسیر مجمع البیان*. ترجمه حسن نوری و دیگران. تهران: انتشارات فراهانی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۷). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: نشر فرهنگی رجاء.
۱۲. کلاتری، ابراهیم. رضایی اصفهانی، محمد علی. بهجت‌پور، عبدالکریم. نصیری، علی. و علیرضا کمالی (۱۳۸۵). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. تهران: نشر معارف.
۱۳. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۶۸). *اصول کافی*. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: نشر اهل بیت (ع).
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *بیست گفتار*. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *عدل الهی*. قم: انتشارات صدرا.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۰). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. میرباقری، سید محسن (۱۳۷۸). *سیمای انسان مختار در قرآن*. تهران: انتشارات رایزن.
۱۸. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۹). *قرآن و روان‌شناسی*. ترجمه عباس عرب. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.



## کرونا و تمدن بشری

نویسندگان: فرزانه عبدلی (ایران)<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه سادات علوی (ایران)<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

### چکیده

کرونا ویروسی طبیعی و جدید است که درباره منشأ پیدایش آن آگاهی چندانی وجود ندارد؛ اما زندگی بشر را در ابعاد وسیع تمدنی تحت تأثیر قرار داده است، تاکنون که تنها چند ماه از عمر آن گذشته میلیون‌ها نفر را مبتلا کرده، موجب مرگ صدها هزار نفر شده و جریان عادی حیات روی زمین را برای انسان‌ها مختل کرده است. با توجه به تأثیرات گسترده‌ای که ویروس کرونا بر حیات و زندگی بشر گذاشته است، پژوهش پیرامون آن از منظر منشأ پیدایش، ابعاد اثرگذاری و آینده زیست‌محیطی از اهمیت زیاد برخوردار است. در این پژوهش ویروس کرونا به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای مورد پژوهش قرار گرفته و به نکات زیر دست یافته است:

- کرونا پدیده رازآلودی است که تاکنون باعث ابتلای میلیون‌ها انسان و مرگ صدها هزار نفر شده، همه‌گیر شده و عنوان مهم‌ترین رویداد قرن را به خود اختصاص داده است.
- تاکنون سه نوع تمدن در مواجهه با کرونا واکنش داشته است؛ تمدن شرقی، تمدن اسلامی و تمدن غربی که دو تمدن نخست هر چند از لحاظ مبانی با هم تفاوت دارند؛ اما به دلیل تأکید بر اخلاق و معنویت در مواجهه با کرونا مسئولانه و موفقانه عمل کرده‌اند.

---

۱. دانشجوی کارشناسی کلام اسلامی، گروه کلام، دانشکده علوم انسانی و حکمت و تاریخ، جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، مجتمع آموزش عالی مشهد، مشهد، ایران، [abdolifarzaneh8@gmail.com](mailto:abdolifarzaneh8@gmail.com)

۲. استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشکده علوم انسانی و حکمت و تاریخ، جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، مجتمع آموزش عالی مشهد، مشهد، ایران، [F\\_Alavi@miu.ac.ir](mailto:F_Alavi@miu.ac.ir)

- همه تمدن‌های کنونی بشری علی‌رغم تفاوت‌ها و برتری‌هایی که یکی بر دیگری دارند؛ حتی تمدن اسلامی برای بهتر عمل کردن و هر چه انسانی‌تر بودن باید در مورد باورها، اندیشه‌ها و عملکردهایشان به پرسش‌های بیشتر جواب دهند و در زمینه‌های مختلف تمدنی لازم است تأمل و بازبینی‌هایی داشته باشند.

### واژگان کلیدی: کرونا، تمدن بشری، تمدن اسلامی

#### مقدمه

پدیده کرونا از ابعاد گوناگونی جای بررسی و تحقیق دارد؛ از لحاظ منشأ پیدایش، از لحاظ شیوه انتقال، از لحاظ تأثیر بر روی حیات و پیامدهای آن، از لحاظ عوامل و بسترهایی که باعث نشر آن می‌شود، از چگونگی لانه‌سازی و تکثیر در بدن، از لحاظ تأثیر بر دیگر موجودات زنده، از لحاظ آینده زیست‌محیطی بشر، از حیث چالش‌های تمدنی بشر در مورد کرونا، ارتباط کرونا و دین و سایر مسائل مرتبط که در این تحقیق، کرونا از لحاظ ماهیت و تأثیر آن بر ابعاد تمدنی و برخورد تمدن‌ها با آن مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرد.

با توجه به تأثیرات گسترده‌ای که ویروس کرونا روی حیات و زندگی بشر گذاشته است، پژوهش هر چند توصیفی پیرامون آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، هدف این پژوهش آن است که با توجه به نقش مختل‌کننده کرونا در جهان، تاب و توان تمدن‌ها و چگونگی واکنش متمدنان شرق و غرب و اسلامی را در برابر آن به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

## کرونا؛ پدیده رازآلود قرن

نام ویروس کرونا از کلمه کرون<sup>۱</sup> به معنی «تاج» گرفته شده است؛ چون سطح بیرونی آن به تاج پادشاهان، شباهت دارد؛ کرونا را با این تشابه می‌توان «شاه ویروس‌ها» یا «ویروس‌شاه» نامید.

از طرفی، شاهان دارای روش ستمگرانه بوده‌اند و به قول ملکه سبا در قرآن کریم:

«إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّهُ أَهْلَهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ»؛ (نمل، ۲۴) پادشاهان چون به شهر و دیاری حمله آورند، آن شهر و دیار را ویران می‌سازند و عزیزترین اشخاص را به ذلیل‌ترین افراد تبدیل می‌کنند. این رسم و روش آن‌هاست.

بنابراین، «ویروس‌شاه» نیز خلق و خوی پادشاهان را دارد؛ جابرانه و برهم‌زنانه از خانه‌ها و کاخ‌ها و خلوتگاه‌ها سر برآورد و هر جا پایش رسید، شاه و گدا برایش فرقی نکرد و بلکه بیشتر از ضعفا بساط زورمندان را درهم پیچید.

ویروس کرونا در شهر ووهان چین پدید آمد و مردم آن دیار را خیلی سریع غافلگیر کرد و از آن‌جا به سرعت به سراسر جهان منتشر شد و در کمتر از دو ماه کاربرد واژه علمی شیوع و فراگیری جهانی در مورد آن به کار رفت. این ویروس کوچک که با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود و باید حدود دو میلیون بار بزرگنمایی شود تا با چشم قابل رؤیت گردد، در سطح جهان و در اوج پیشرفت دانش و تمدن مغرور بشر، رویداد بزرگی را رقم زد و ظرف چند هفته همه جهان را درنوردید، شهرها را به خانه ارواح تبدیل کرد، مردم را در سراسر جهان خانه‌نشین ساخت، رشته ارتباط افراد را در بیشتر نقاط جهان از هم گسیخت، تجمعات را ممنوع گردانید،

کسب و کار را به تعطیلی کشاند، حرکت بشر را در هوا و زمین و دریا مختل کرد، از گاردهای محافظتی عبور نمود و جان زورمندان را حتی در درون کاخ‌های قدرت که با تیم‌های ویژه محافظت می‌شدند، به خطر انداخت و آنان را در عین ناباوری به ذلت کشاند.

هم‌چنین فعالیت اقتصادی را در سطح جهان راكد نمود، حرکت ماشین کارخانه‌ها را متوقف کرد، مدعیان مدیریت متری را به سخره گرفت، تمدن‌های بزرگ را در آزمونی سخت و نفس‌گیر با چالش جدی روبه‌رو ساخت، سبک زندگی انسان‌ها را به طور کلی تحت تأثیر قرار داد و به این ترتیب دستاوردهای زیستی، علمی و پیشرفت بشر را در تمدن مدرن به بازی گرفت و نه تنها تمدن و علم بشر را به بازی گرفت؛ بلکه هوش و ذهن عموم انسان‌های متمدن امروز را نیز به سخره گرفت و هم اکنون همه در حیرتند که با آن چه کنند و تاکنون که چند ماه از عمر مرگبار آن می‌گذرد، هیچ‌کس چیزی نمی‌داند که رازگشا و راهگشا باشد.

اکنون در روی کره زمین شاید کسی یافت نشود که کرونا می‌موزد، او را از غفلت بیدار نکرده و عجز او را به رخ کشیده باشد؛ حتی قدرتمندان و پزشکان جهان به عجز خود در برابر این ویروس اعتراف کرده‌اند. این ویروس به همه نشان داد که چاره‌ای جز پناه بردن به آفریدگار هستی ندارند؛ لذا همه ملت‌ها با هر دین و مذهبی به پیشگاه خداوند دست به دعا برداشتند و از او یاری طلبیدند، حتی آنانی که خدا را از زندگی خود حذف کرده بودند بار دیگر به خود آمدند و تنها از خداوند مدد و یاری جستند تا جایی که در اروپا و آمریکا نیز خاضعانه به شنیدن سخنان خدا گوش فرا دادند و از دین‌داران خواستند از خداوند کمک بطلبند.

در این میان، پرسشی راهبردی طرح می‌شود آن این که کرونا چیست؟

تاکنون در باره چیستی این ویروس چندین فرضیه مطرح شده است؛ از جمله این که:

۱. یک سلاح بیولوژیک است و برای اهداف سیاسی تولید شده است.

این فرضیه را قدرت‌های سیاسی بین‌المللی مطرح کرده‌اند که یک فرضیه بدبینانه است و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و در چارچوب روابط بین‌الملل و مدیریت، قابل درک و پیگیری است. اثبات این فرضیه به داشتن شامه سیاسی در سطح بین‌الملل و داشتن توان پژوهش‌های محرمانه فرامنطقه‌ای نیازمند است. در صورت اثبات این فرضیه، جهان وارد یک جنگ نو با سلاح نو شده است و این جنگ ناشناخته‌ترین جنگی است که احتمال وقوع آن بعید نیست. اولین قربانی این نوع جنگ محتمل، مردمان عادی سراسر دنیا است و البته در ظاهر پیگیری و مجازات بین‌المللی را برای کشور یا کشورهای تولیدکننده در پی دارد و از سوی دیگر، برای مبارزه با آن باید راه‌های آنتی‌بیولوژیک محرمانه جستجو شود تا از شیوع بیشتر آن جلوگیری گردد.

۲. یک پدیده طبیعی مانند سیل و زلزله و سایر پدیده‌های طبیعی است. این فرضیه را دانشمندان و افکار عمومی مطرح کرده‌اند؛ اقشاری مانند پزشکان، جامعه‌شناسان، بوم‌شناسان، مردم‌شناسان، پدیدارشناسان، دانشمندان علوم تجربی و افکار عامه که با رویکردی غیر بدبینانگی و از گمانه‌زنی‌های موجود به این نتیجه رسیده‌اند. اثبات این فرضیه به پژوهش‌های علمی آزمایشگاهی، پژوهش‌های گونه‌شناسی، پژوهش‌های میدانی و تحقیقات استقرایی نیازمند است. بر اساس این فرضیه و در صورت شناخت نوع و جنس این ویروس، بشر قدم بزرگ دیگری در شناخت طبیعت برداشته است؛ سپس آنان با کوشش‌های علمی، داروی لازم را کشف و بیماران را مداوا خواهند نمود و از ابتلا و شیوع بیشتر به این ویروس جلوگیری خواهند کرد.

۳. از ارتباط انسان با خفاش، مار، مورچه‌خور و یا حیوانات دریایی ناشی شده است.

این فرضیه که یک فرضیه اجتماعی عامیانه و مبتنی بر اعتقاد به نظام خدامحورانه در هستی است، خداپرستان و دین‌داران و مؤمنان به آیین‌های الهی آن را مطرح می‌کنند؛ دین‌داران مبتنی بر باور تاریخی به مشیت قاهرانه خداوند، بروز چنین پدیده‌ها را جزو برنامه‌های خلقت می‌دانند که از سوی خداوند به مثابه آزمون مؤمنان و مجازات کافران و با هدف رشد و تعالی بیشتر انسان‌ها به وجود می‌آیند و از سنت‌های الهی در اداره نظام آفرینش انسان است. بر اساس این فرضیه و این نظریه تاریخی، تا هر وقت که خدا لازم بداند و حکمتش ایجاب کند این ویروس میان انسان‌ها گردش دارد و هرگاه خدا بخواهد دامنه آن بر چیده خواهد شد.

۴. یک بلای اسرارآمیز و رازآلود آسمانی است که برای امتحان و تنبیه انسان‌ها از غیب پدید آمده است.

### کرونا؛ آشکارکننده ضعف و قوت تمدن‌ها

این روزها در رسانه‌ها و بیانات صاحب‌نظران، واژه کرونا و واژه تمدن شایع شده و از تأثیر کرونا بر تمدن و تأثیر تمدن از کرونا سخن گفته می‌شود. پیش از این، توضیحاتی درباره معنی و مفهوم کرونا ارائه شد که اکنون لازم است به معنی و مفهوم تمدن نیز اشاره شود تا بتوان از رابطه آن دو و تأثیر و تأثیری که داشته است، سخن گفت.

تمدن<sup>۱</sup> به معنی شهری شدن است (باطنی، ۱۳۹۵) که در آن انواعی از ترابط و تعامل اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و هنری مورد نظر است. (معین، ۱۳۷۳، ج: ۱، ۱۱۳۹)

تمدن در اصطلاح با عبارت‌های گوناگونی تعریف شده است که با مطالعه آن می‌توان تمدن را چیزی دانست که شامل مجموع دستاوردهای مادی و معنوی بشر

در حوزه‌های مختلف علوم، اداب زیستی، هنر، تشکیلات و فرهنگ می‌شود و به عبارت دیگر، مجموع آن‌چه انسان در زندگی شهری و نظام اجتماعی به آن سروکار دارد، در تعریف تمدن داخل است.

نکته دیگر این‌که نظام اجتماعی در دایره تمام مصادیق مفهومی تمدن با یکدیگر مرتبط است؛ به گونه‌ای که هر گاه یک بخش و حتی هر گاه یک جزئی از آن دچار آسیب یا تحول شود، دیگر بخش‌ها و مصادیق تمدنی نیز خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر قرار می‌گیرند، این ترابط و تأثیر و تأثر در گذشته که وسایل ارتباطی محدود بود و انسجام نظام زیستی و اجتماعی در تمام نقاط زمین یکسان نبود، پدیده‌ها از یک نقطه به نقطه دیگر جهان دیرتر سرایت می‌کرد؛ اما امروزه که جهان در اثر تولید وسایل ارتباطی سخت افزاری و نرم افزاری بسان دهکده واحد شده است؛ پدیده‌ها و رویدادها در یک نقطه زمین از هر نوع که باشد به سرعت حیرت انگیز به نقطه دیگر منتقل و منتشر می‌شود و دیگر واحدهای نظام اجتماعی و زیستی نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کرونا به عنوان یک پدیده در بطن تمدن چینی پدید آمد، به سرعت در سطح قلمرو تمدن‌های شرقی و اسلامی و غربی گسترش یافت و جهان‌گیر شد. مواجهه با این پدیده سبب گردید ظرفیت و تحمل تمدن‌های یاد شده و متمدنان در سه محور تمدنی، در ابعاد گسترده سه تمدن یاد شده محک بخورد؛ زیرا در مسیر کرونا تنها جان فرد انسانی قرار نگرفت، بلکه کرونا تمام اجزا و عناصر تمدن‌ها را درگیر خود کرد؛ اعم از اقتصاد، اخلاق، علم، هنر، تشکیلات، مدیریت، انسانیت، دین، فرهنگ، آداب، سبک زندگی و سایر عناصر و مؤلفه‌ها، اما با چهار عنصر از عناصر تمدن‌ها بیشتر از سایر عناصر آن درگیر شد و آن چهار عنصر عبارت است از علم، اقتصاد، اخلاق و روابط اجتماعی.

علم که از مهم‌ترین عناصر و اجزای تمدن است، در سه محور تمدنی اشاره شده در مبارزه با کرونا بی‌جواب ماند و به عجز خود اعتراف کرد. این اعتراف صریح، نشانه صداقت علم و زلالی خدمت آن به انسان و انسانیت است؛ اما در عین حال، علم کوشش می‌کند در این مسئله جواب درستی برای خدمت به انسان بیابد و شاید این صداقت و زلالی تنها ویژگی علم امروز و یا مهم‌ترین ویژگی آن نسبت به علم دیروز در خدمت نمودن به انسان باشد.

علم در حد و اندازه‌ای که پیش رفته بود، موجب غرور انسان امروز شده بود؛ به گونه‌ای که انسان گمان می‌کرد با داشتن علم از معنویت و اخلاق طبیعی و انسانی که مبتنی بر سود نیست، بی‌نیاز است؛ چرا که انسان امروز اخلاق را بر مبنای سود مادی و پولی تفسیر می‌نمود و فقط در همین چارچوب آن را می‌فهمید، اما اکنون که علم به ناتوانی خود اعتراف کرده و راه برای اخلاق، انسانیت مبتنی بر سرشت انسانی و معنویت باز شده، در چنین شرایطی تمدن اسلام در برابر غرب درخشید؛ زیرا مبانی این سه عنصر در دین اسلام با تفسیر وحی از این سه عنصر وجود داشت، تفسیری که در غرب مبتنی بر سرمایه و سود بود؛ اما اخلاق در اسلام مبتنی بر مقتضای سرشت و انسانیت با تفسیر الهی بود.

در تمدن غربی، انسانیت و اخلاق با ملاک سود فردی و شخصی بر اخلاق و معنویت برتری داده شده و به همین سبب، به ندای اخلاق الهی در مواجهه با کرونا اهمیت لازم داده نشد، فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه رعایت نشد؛ در مورد وسایل بهداشتی حق دیگران رعایت نشد، در مواجهه با بیماران گزینشی عمل شد، برای پزشکان و پرستاران ایثار و از خودگذشتگی مفهوم کمتری داشت، خلوص و انگیزه درونی برای پزشکان و پرستاران کمتر بود و مجموع این عوامل بود که موجب شد تمدن غربی در مواجهه با کرونا بیشترین آسیب را متحمل شود و ضعف‌هایش نمایان‌تر شود.

## کرونا و تفاوت برخوردهای تمدنی

### ۱. تمدن غرب

ویروس کرونا در اقلیم زادگاهش در همان شهر مهار شد؛ اما در بیرون از ووهان به سرعت سر از ایران و سایر کشورهای آسیایی، ایتالیا، انگلیس، آمریکا و دیگر نقاط جهان درآورد. در همان روزهای نخست مانند رعد و برق به پیش رفت و تمام بخش‌های اجتماعی را در این کشورها به محاق فرو برد و چنان هیمنه و وحشتی ایجاد کرد که قدرت تصمیم‌گیری بسیاری از کشورها را از آنان سلب نمود و تا آنان به خود آمدند، کشتار فراوانی از آنان گرفت.

از طرف دیگر، با یورش کرونا ماهیت تمدن غرب که بر سود منهای اخلاق و معنویت مبتنی بود، بیش از پیش نمایان شد و هیمنه آن تمدن مغرور فرو ریخت. به عنوان مثال؛ در بیمارستان‌های ایتالیا کمبود یا فقدان جا برای پذیرش بیماران بود تا جایی که بیماران را در راهروی بیمارستان‌ها می‌خوابانیدند و وسایل بهداشتی و ماسک و گان حتی برای پزشکان وجود نداشت. بنا به گزارش‌ها، پزشکان برای مداوا از میان بیماران به صورت گزینشی عمل می‌کردند، بیماران کهنسال از اولویت مداوا خارج شدند و فروشگاه‌ها از وسایل بهداشتی و شستشو خالی شد. در انگلیس، فرانسه و اسپانیا و برخی دیگر از کشورهای مدعی تمدن نیز همین وضع حاکم بود.

در آمریکا نیز که کرونا به سرعت آن کشور را درنوردید، از بی‌توجهی دولت مستقر گرفته تا نبود یا کمبود امکانات بیمارستانی و مشکلات در تهیه لوازم بهداشتی و مداوای بیماران، گزارش‌های فراوانی مخابره شد؛ زیرا این کشور با کمبود لوازم ضروری برای مقابله با کرونا نظیر ماسک، دستکش، گان، تخت‌های بیمارستانی،

ناکافی بودن ظرفیت بخش‌های مراقبت ویژه<sup>۱</sup> و حتی دستمال توالت مواجه بود و همین سبب شد نظام بهداشت و درمان آمریکا را با مشکلات فراوانی مواجه شد. در چنین وضعیتی، رئیس جمهور آمریکا نیز چندین بار اظهارات غیر مسئولانه‌ای داشت؛ نظیر آن‌که مبتلایان کرونا را به خوردن وایتکس برای مداوا توصیه کرد و خود نیز به طور بی‌رویه‌ای برای پیشگیری از ابتلا به کرونا، داروی ضد مالاریا مصرف نمود. از حیث اقتصادی نیز مردم در کشورهای مدعی تمدن غربی به غارت فروشگاه‌ها پرداختند و حتی برای چند رول دستمال توالت به روی هم اسلحه کشیدند و برای حفظ امنیت خود در مقابل فروشگاه‌های اسلحه به صف ایستادند، صف‌های طولانی برای تهیه یک وعده غذایی تشکیل دادند. (شریعتمداری، ۱۳۹۹)

قصه دزدی امکانات مورد نیاز دیگر کشورها در مسیرهای انتقال نیز صفحه دیگری از اخلاق در تمدن غربی را نشان داد؛ گزارش‌های متعددی از هجوم مردم در جای جای ممالک غربی به فروشگاه‌ها و در مواردی نیز دعوا بر سر لوازم بهداشتی منتشر شد؛ (<https://abc30.com/society/fight-breaks-out-at-sf->) ([safeway-amid-shortage-fears-due-to-covid](https://www.safeway.com/shortage-fears-due-to-covid))

به عنوان مثال:

- دولت لهستان هزاران ژل ضد عفونی کننده نروژ را توقیف کرد. ([https://www.thelocal.no/20200325/poland-seizes-hand-](https://www.thelocal.no/20200325/poland-seizes-hand-sanitiser-destined-for-norwegian-hospitals)) ([sanitiser-destined-for-norwegian-hospitals](https://www.thelocal.no/20200325/poland-seizes-hand-sanitiser-destined-for-norwegian-hospitals))
- جمهوری چک محموله ماسک‌هایی را که چین برای ایتالیا ارسال کرده بود، به یغما برد. ([http://www.rfi.fr/en/europe/20200322-](http://www.rfi.fr/en/europe/20200322-czech-republic-sends-face-masks-to-italy-after-shipment-from-china-stolen-coronavirus)) ([czech-republic-sends-face-masks-to-italy-after-shipment-](http://www.rfi.fr/en/europe/20200322-czech-republic-sends-face-masks-to-italy-after-shipment-from-china-stolen-coronavirus)) ([from-china-stolen-coronavirus](http://www.rfi.fr/en/europe/20200322-czech-republic-sends-face-masks-to-italy-after-shipment-from-china-stolen-coronavirus))

- ایتالیا محموله مایع ضد عفونی کننده چین به تونس را مصادره کرد.  
(<https://www.middleeastmonitor.com/20200325-tunisia-accuses-italy-of-confiscating-medical-alcohol>)
  - آلمان محموله ماسک یک شرکت آمریکایی به سوئیس و اتریش را ضبط کرد.  
(<https://www.rt.com/news/483582-germany-switzerland-medical-supplies-corona>)
  - آمریکا ماسک‌های پلیس آلمان را که پول آن هم پرداخت شده بود، توقیف نمود. (<https://www.dw.com/fa-ir>)
  - فرانسه ماسک‌های سوئد را ضبط نمود.  
(<https://farsi.euronews.com/02/04/2020/france-coronavirus-seizure-of-4-million-masks-in-lyon-irritates-sweden>)
- این موضوعات به قدری بالا گرفت که وزیر اقتصاد تونس در مصاحبه‌ای اعلام کرد، دولت‌های اروپایی عقل خود را از دست داده‌اند که از ترس کرونا وسایل بهداشتی را می‌دزدند؛ (<https://www.middleeastmonitor.com/20200325-tunisia-accuses-italy-of-confiscating-medical-alcohol>) فرماندار ایالت ایلینویز آمریکا نیز اعلام کرد که روح غرب وحشی زنده شده است. (<https://edition.cnn.com/videos/politics/22/03/2020/il-gov-seizure-of-4-million-masks-in-lyon-irritates-sweden>)

## ۲. تمدن شرق

در شرق دو تمدن با کرونا درگیر شدند؛ یکی تمدن شرقی بود و دیگری تمدن اسلامی. این دو تمدن با تمدن غربی فرق دارند؛ در تمدن شرقی منهای تمدن اسلامی برخورد به گونه‌ای بود که روح شرقی در آن تجلی داشت، زیرا در تمدن شرقی بر خلاف تمدن غربی، اخلاق و معنویت و انسانیت بر مبنای سود شخصی نیست.

تفاوت تمدن شرقی و تمدن اسلامی در تفسیر از عناصر سه گانه اخلاق، معنویت و انسانیت است.

دین اسلام این سه عنصر را با مبنا و نگرش الهی و از دید وحی تفسیر می کند؛ در حالی که در تمدن شرقی غیر اسلامی، این تفسیر با ملاک و اصول اعتقادی روح شرقی صورت می گیرد که هر چه هست بر پایه سود شخصی استوار نیست و روح سرمایه داری در آن اصالت ندارد؛ به همین دلیل برخورد با کرونا در شرق غیر اسلامی و در کشورهای اسلامی با برخورد غربیان با کرونا فرق داشت؛ به همین سبب کرونا در شرق و در کشورهای اسلامی خیلی زود و با کمترین هزینه و کمترین حواشی مهار شد؛ به گونه ای که در برخی کشورهای شرقی و آسیایی، کرونا کمتر راه یافت و در برخی دیگر آمار کرونا هم چنان تک رقمی است؛ اقتصاد این کشورها نیز آن گونه که در غرب فلج شد، در شرق نشد و موارد غیر اخلاقی و غیر انسانی را مرتکب نشدند.

اگر منصفانه قضاوت شود، تمدن شرقی و اسلامی در این برخورد تاریخی قرن، نقش الگو پیدا کردند. این مسئله برای آنان اعجاب آور است که آمار جان باختگان و مبتلایان و نیز نسبت بهبودیافتگان با مبتلایان در کشورهای دارای تمدن شرقی و اسلامی قابل توجه و متفاوت تر است از آنچه در کشورهای دارای تمدن غربی مشاهده شد.

برونوماس شینز<sup>۱</sup> در مقاله ای با عنوان «کرونا و برخورد تمدن ها» نگاهی کلی به تمدن شرقی داشته و آن را با تمدن غربی مقایسه کرده و چنین گفته است:

(<https://www.nationalreview.com>)

در حال حاضر امیدوارترین اخبار در مواجهه موفق با کرونا مربوط به جهان کنفوسیوسی است. سنگاپور، ویتنام و کره جنوبی از جمله کشورهایی بودند که در مواجهه با کرونا موفقیت آمیز عمل کردند. این نشان‌گر کارکردهای یک نظام اخلاقی متفاوت است که در این کشورها وجود دارد که در آن بر وظایف بیش از حقوق تأکید می‌شود و آداب و رسوم اجتماعی در میان اکثریت جامعه ارج و قربی دارد.

نویسنده مقاله در ادامه تحلیل خود، چین را به عنوان فرد شاخص تمدن شرقی و اروپا را به طور عام و آمریکا را به طور خاص به مثابه شاخص تمدن غربی در مواجهه با کرونا مورد مقایسه قرار داده و معتقد است:

امروزه چینی‌ها آینده چین را به لحاظ وضعیت همه‌گیری، مطمئن‌تر از اروپا و یا آمریکا می‌دانند و ادعا می‌کنند ویروس کرونا نشان داد مدل چینی بر مدل غربی برتری دارد. کرونا در چین و در مناسبات بین چین و آمریکا نه فقط سیاسی است؛ بلکه به محض رقابت‌های جدی‌تر، زمینه‌ساز مناسبی برای برخورد تمدن‌ها خواهد بود.

برخی فکر می‌کنند چین ارزش‌های سیاسی غرب را اتخاذ خواهد کرد؛ در حالی که چین در پی یک الگوی جایگزین است و می‌خواهد الگوی متمایز خود را به جهان صادر کند. رقابت بین الگوهای جهانی آغاز شده است؛ ولی هیچ‌وقت معلوم نبوده پیش‌زمینه این رقابت چه خواهد بود، آیا این درگیری در سیستم تجارت و مالی جهانی که با قوانین غربی ساخته شده است خواهد بود یا این زمینه رقابتی در جای دیگری رقم خواهد خورد؟ ویروس کرونا به این سؤال پاسخی متفاوت داده است.

نویسنده در ادامه، تفاوت پاسخ تمدن‌ها را نه در روح تمدن بلکه در توسعه فناوری دانسته و می‌نویسد:

برخورد کنونی تمدن‌ها نه یک جنگ روشنفکرانه فلسفی و فکری؛ بلکه برخوردی بین فناوری‌ها و زمینه‌های کنترل بر نیروهای طبیعی است. با توسعه فناوری‌های جدید، در توزیع جهانی قدرت و تمدن نیز تغییرات اساسی به وجود خواهد آمد.

این در حالی است که تفاوت واقعی در روح تمدن شرقی است که با روح تمدن غربی دارد، نه در برخورد فناوری؛ مگر این که گفته شود فناوری به دلیل این که از مبانی تمدنی دو محور تمدنی ناشی می‌شود، متناسب با آن دستاورد متفاوت دارد و نتیجه گرفته شود که دستاورد تمدن شرقی انسانی‌تر از دستاورد تمدن غربی خواهد بود.

نویسنده سخن را از آن چه در مورد تفاوت تمدن شرقی - چینی با تمدن غربی - آمریکایی گفته شد، شفاف‌تر مطرح کرده و روح ظرفیت‌های تمدنی غرب و شرق را نشانه گرفته و به برتری روح تمدن شرقی بر غربی اشاره کرده و می‌نویسد:

آن چه امروزه آمریکا را تهدید می‌کند، نه صرفاً محصولات چینی است؛ بلکه افشای ضعف‌هایی است که ویروس کرونا آن را در مقایسه بین چین و آمریکا افشا خواهد کرد. آن جا معلوم می‌شود آیا آمریکا می‌تواند با چین رقابت کند یا نه؟ این که صرفاً آمریکا ادعا کند که ارزش‌های سیاسی متفاوتی از ارزش‌های سیاسی چینی‌ها دارد، برای این رقابت جدی و غیر قابل شوخی کافی نخواهد بود. ارزش‌ها اگر نتوانند به وقت بحران از شما دفاع کنند، چه فرقی با ارزش‌های غیر علمی خواهد داشت؟ آن‌ها در مواجهه با ویروس کرونا چه آورده‌ای خواهند داشت؟ در این وضعیت

پرسشی که در سطح جهان مطرح خواهد شد، این است که به وقت بحران جهانی آیا باید به آمریکا اطمینان کرد یا به چین؟ در حال حاضر به نظر می‌رسد چین در بازی ژئوپلیتیک جلوتر است و نشان داده می‌تواند در برابر غول کرونا واکنش غول‌آسایی از خود نشان دهد؛ هر چند چین در واکنش به کرونا محدودیت‌هایی برای زندگی اجتماعی ایجاد کرد؛ ولی توانست همه‌گیری را کنترل کند.

### ۳. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به عنوان یکی دیگر از تمدن‌هایی است که در رویداد ویروس کرونا از تمدن شرقی و غربی تمایز یافت؛ زیرا معنویت، اخلاق و انسانیت در تفسیر تمدن اسلامی بر مبنای نگرش الهی است؛ بر همین اساس، در این تمدن مسئله کرونا آن‌چنان که در غرب رخ داد، رونمایی نشد؛ بلکه بر اساس گزارش خبرگزاری‌های رسمی، اهتمام متصدیان بر این بود که پدیده کرونا بر اساس اصول اخلاقی و در پرتو معنویت دینی و انسانی و باور به اصول بینش دین اسلام عمل کنند؛ در این تمدن کرونا یک آزمون الهی و یک فرصت برای جبران تلقی شد و بر اساس ملزومات مواجهه با آن در سطوح مختلف، بر اساس بینش انسانی و اخلاق دینی رعایت گردید.

به عنوان مثال؛ فاصله‌گذاری و قرنطینه رعایت شد، جلوه‌های خوب انسانی در زمینه ایثارگری داشت، حق دیگران در توزیع وسایل بهداشتی به جز موارد جزئی رعایت شد، ایثارگری و انگیزه پزشکان و پرستاران در برخی از بیمارستان‌ها همراه با معنویت و دعا و تقرب الهی بود، میان بیماران گزینشی عمل نشد و جان‌باختگان را در گورهای دسته‌جمعی مدفون نساختند.

به طور کلی، تمدن اسلامی در مواجهه با کرونا سه محور مهم دارد که هر سه محور از دید متمدنان پنهان و مغفول نماند؛ این سه محور عبارتند از:

- مبنای تمدن اسلامی
- برخورد کنونی
- آینده تمدنی.

از طرفی، مواجهه با کرونا سبب شد تمایز تمدن اسلامی از تمدن غربی بیش از پیش آشکار شود. بنیادهای تمدن غربی در سه محور زیر ارزش گذاری می شود:

- سود و سرمایه
- تفکر لیبرال-دموکراسی
- حقوق مبتنی بر تفسیر مادی از انسان.

این در حالی است که در تمدن اسلامی محور و مبنای ارزش گذاری، یک حقیقت است و آن باور به خداوند است؛ لذا هر نوع خدمت، ارزش گذاری و برنامه ریزی در مورد انسان و دنیای او بر پایه همین مبنا قابل درک و حرمت است و داشتن این مبنا سبب شده است در مواجهه با کرونا در حوزه قلمرو تمدنی اسلامی بدکنشی ها و گریزهای اخلاقی که در غرب رخ داده است، اتفاق نیفتد و بر عکس، ظهور و بروز جنبه های معنویت، ایثار و از خود گذشتگی، روحیه تعاون، مدارا، دیگرپذیری و نگاه مثبت به وضعیت پیش آمده در سایه تفکر خداباوری، معنویت، اخلاق انسانی و تکریم انسانیت مشاهده شود.

در تمدن اسلامی مواجهه با کرونا تا جایی که به جنبه نظری مربوط می شود، با آن پشوانه مطمئن و آرامش دهنده خداپاورانه که اشاره شد، امری غیر متعارف نبود؛ بلکه نمونه های مشابه آن در تاریخ زیاد اتفاق افتاده است.

آن چه در تمدن اسلامی کرونا را قابل تحمل نمود و از وحشت آن کاست، باور به قیومیت و حکمت خداوند بود؛ اما با این حال وجود این ایمان و باور باعث نشد راه به غفلت پیش گیرند؛ بلکه کرونا را یک امتحان الهی و از سوی دیگر، آن را فرصتی برای بازشناسی خود قرار دهد؛ از این رو کرونا سبب شد چشم به کاستی های خود بگشایند و به ضرورت پاک اندیشی بیشتر در اصول باورهای فکری و اخلاقی بیندیشند، به ضرورت بازنگری بیشتر ریزمؤلفه های تمدنی مبتنی بر مبنای خدامحوری پردازند، به ضرورت خلوص بیشتر در رابطه با خدا و خدمت به انسان اهمیت ورزند و به آینده بنگرند که فراخ تر و روشن تر از گذشته است.

یکی از پژوهشگران در مقاله ای با عنوان «جمهوری اسلامی و تمدن نوین اسلامی در شرایط کرونایی و پساکرونا» ابتدا به ضرورت داشتن یک بستر تمدنی بر مبنای تمدن اسلام اشاره کرده و جمهوری اسلامی را به عنوان این بستر تمدن اسلامی پیشفرض گرفته و سپس یاد آور شده کرونا در زمینه تمدن اسلامی، پرسش ها و تأملاتی را بر انگیزخته که باید مورد توجه قرار گیرد؛ وی گفته است: (الویری، ۱۳۹۹)

سزاوار است جمهوری اسلامی ایران برای حفظ قدرت ابتکار خود در آینده به چگونگی حفظ بالندگی رویکرد تمدنی خویش در شرایط کرونایی و پساکرونایی بیندیشد. مراد از رویکرد تمدنی در این جا جهت گیری های فراملی مطالعات و پژوهش های ملی در چارچوب مسائل و ظرفیت های امت اسلامی معطوف به تمدن نوین اسلامی در مرحله نخست و جامعه جهانی در مرحله پس از آن است. ویروس کرونا پرسش ها و تأملات بسیاری در ابعاد مختلف زندگی انسان برانگیزخته است.

این پژوهشگر برای ضرورت بازنگری به تمدن اسلامی، ساحت معرفتی و ساحت معنوی و ساحات اجرایی و اجتماعی را سزاوار پرسش و تأمل دانسته و آن را به متمدنان خاطر نشان کرده است و ساحت معرفتی که به پرسش و تأمل نیاز دارد را شامل مفاهیم و عناوینی مثل مفهوم خدا، صفات خدا، نگاه خداوند به انسان، عالم غیب، عالم طبیعت، انسان و ویژگی‌های او، رحمت و رنج و بلا و نعمت و عذاب در زندگی انسان، کارکردهای دین، مشترکات معرفتی ادیان و مانند آن و تأثیر آن‌ها در فهم پدیده کرونا دانسته است و مفاهیم و عناوینی مانند عبادت و عبودیت، شکر، دوست داشتن خدا، دوست داشتن آفریده‌های خدا، به دست آوردن خشنودی خدا، دوست داشتن انسان‌های برتر و انسان‌های وارسته، مشترکات معنوی ادیان و مانند آن و پیوندهای آن‌ها با مهار ساختن کرونا را از اموری دانسته که با عنوان ساحت معنوی باید مورد توجه و تأمل قرار گیرد:

تعریف و ابعاد مفاهیم و عناوینی که در ساحت اجرایی و اجتماعی محور پرسش و تأمل قرار می‌گیرد، در پی شیوع ویروس کرونا با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبرو شده است.

محورهای که از نظر وی در ساحت اجرایی و امور اجتماعی چالش‌زا تلقی می‌شود، عبارتند از:

جایگاه دولت، اختیارات دولت، مفهوم و شاخص‌های دولت کارآمد، فرایند تصمیم‌گیری، نظام‌های مختلف اجتماعی، فضای اندیشه و آزادی بیان، رفاه اجتماعی، دموکراسی و مردم‌سالاری، افزایش بکارگیری تجهیزات نظارتی و امنیتی در سطح جامعه، تجارت، تولید و توزیع کالا، جهانی شدن، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی اسلامی، جابه‌جایی‌های محتمل در قدرت‌های جهانی از غرب به شرق،

دیپلماسی پزشکی، خلیقات ایجابی و سلبی مردم و آسیب‌ها و ظرفیت‌های آن برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، اوقات فراغت، وطن‌دوستی و قومیت‌گرایی، اختلافات مذهبی، رسانه و فضای مجازی، جایگاه و نقش‌آفرینی گروه‌های اثرگذار بر افکار عمومی مانند روحانیان و هنرمندان و ورزشکاران و ارزیابی توان نقش‌آفرینی هر یک از آن‌ها در مدیریت افکار عمومی، ظرفیت‌های نهادهای مختلف مانند خانواده و آموزش و آموزش عالی و مانند آن.

هم‌چنین پس از طرح محورهای درخور پرسش و تأمل که چالش‌زا است، از فرصت‌ها نیز یاد کرده و چنین می‌نویسد:

- در کنار چالش‌هایی که اشاره شد، فرصت‌هایی نیز از منظر تمدنی فراهم آمده است که شاید مهم‌ترین آن‌ها را بتوان در محورهای زیر بیان کرد:
- بازگشت دوباره نگاه‌ها به آسمان و جایگاه دوباره یافتن بسیاری از نمادها و پیام‌ها و ارزش‌های معنوی در زندگی انسان‌ها و مجال یافتن طرح نظریه دینی توحید و ابعاد مختلف آن به ویژه مفهوم درست امامت و ولایت به مثابه مناسب‌ترین راه نزدیک شدن به مبدأ هستی؛ چرا که آموزه‌های دینی و به ویژه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برای پرداختن به این مسئله بسیار فربه است و در صورت یک ارائه روش‌مند و سنجیده می‌توان احاد امت اسلامی را مورد خطاب قرار داد و به آن‌ها برای بیرون رفتن از این چالش مدد رساند.
  - تجدید نظر در مفهوم، چگونگی و اندازه تولید، توزیع و مصرف کالا در سطوح مختلف و مجال یافتن طرح نظریه دینی کفاف در معیشت به مثابه یک نظریه جامع و راهگشا.

- پایان یافتن موج سوم مورد نظر الوین تافلر<sup>1</sup> و بازگشت دوباره انسان به خانواده و مجال طرح یافتن نظریه دینی خانواده تراز اسلامی در فضای فناوری‌های نوین به اصطلاح مجازی.
- روبرو شدن روابط بین‌الملل با چالش‌هایی جدید و مجال یافتن طرح یک نظریه اسلامی برای روابط بین کشورهای اسلامی بر پایه مصالح عمومی امت و با غیر کشورهای اسلامی بر پایه همکاری‌های بشردوستانه.

در نهایت پژوهشگر این مقاله پس از طرح محورهای قابل پرسش و تأمل برای آینده تمدن اسلامی به طرح پیشنهاد پرداخته و چنین پایان می‌دهد:

پیشنهاد اصلی این یادداشت، گشودن پرونده طرح مطالعاتی و پژوهشی جهت‌گیری‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران در شرایط کرونایی و پساکرونا با این پرسش محوری است که چالش‌ها و فرصت‌های پدیده کرونا چه تأثیری بر آینده حرکت تمدنی جهان اسلام دارد و جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند در این شرایط با حفظ بالندگی رویکرد تمدنی خود، سهمی بیشتر و بهتر در عبور موفق امت اسلامی از این بحران داشته باشد؟

### نتیجه‌گیری

در این مقاله که ویروس کرونا را به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای مورد پژوهش قرار داد، نکات زیر را می‌توان به عنوان دستاورد بیان نمود:

- کرونا پدیده رازآلودی است که تاکنون باعث ابتلای میلیون‌ها انسان و مرگ صدها هزار نفر شده، به حد همه‌گیری رسیده و عنوان مهمترین رویداد قرن را به خود اختصاص داده است.

- درباره منشأ پیدایش کرونا و ابعاد گسترده تأثیرات آن بر دستاوردهای تمدنی بشر و نیز در مورد تأثیرات آینده زیست‌محیطی و رابطه‌ای که با زندگی انسان خواهد داشت، تاکنون اطلاعات طبقه‌بندی شده و مورد اتفاقی در دست نیست.
- درباره این‌که ماهیت کرونا که پدیده طبیعی است یا بیولوژیک، هنوز چیزی ثابت نشده است. در حال حاضر پیشفرض متداول این است که یک پدیده طبیعی است.
- کرونا نقاط ضعف و قوت تمدن‌ها را آشکار کرد و از سویی متمدنان را بر کاستی‌های تمدنی آگاه نمود و از سوی دیگر، سبک زندگی بشر را هر چند موقتاً تغییر داد.
- تاکنون سه نوع تمدن در مواجهه با آن واکنش روشن داشته است؛ تمدن شرقی، تمدن اسلامی و تمدن غربی که دو تمدن نخست هر چند از لحاظ مبانی باهم تفاوت دارند؛ اما در مواجهه با کرونا مسئولانه و موفقانه عمل کرده‌اند.
- راز موفقیت و مسئولانه عمل کردن در قلمرو تمدن اسلامی و تمدن شرقی در مسئله کرونا این است که به اخلاق و معنویت تأکید دارند؛ هر چند برداشت و تفسیر از اخلاق و معنویت در دو تمدن یاد شده از هم متفاوت است؛ زیرا اخلاق و معنویت در تمدن مسلمانان از آموزه‌های تمدنی اسلام ناشی شده و بر خداباوری مبتنی است. در تمدن شرقی برداشت از اخلاق و معنویت با نگاه به روح شرقی در معنویت‌گرایی است که بیشتر جنبه فلسفی و انسانی دارد و مانند تمدن غرب بر سودمندی فردی و روح سرمایه‌داری استوار نیست.

- مهم‌ترین عنصر در تمدن بشر که می‌تواند در شرایط مختلف زیست‌محیطی تاب آورد و از انسان و انسانیت حمایت کند، تمدنی است که به بعد اخلاق و معنویت اهمیت دهد و به خدا به عنوان محور هستی و خالق مطلق باور داشته باشد.
- همه تمدن‌های کنونی بشر علی‌رغم تفاوت‌ها و برتری‌های که برخی بر بعضی دیگر دارند؛ حتی تمدن اسلامی برای بهتر عمل کردن و هر چه انسانی‌تر بودن باید در مورد باورها، اندیشه‌ها و عملکردهایشان به پرسش‌های بیشتر جواب دهند و در زمینه‌های مختلف تمدنی باید تأمل و بازبینی‌هایی داشته باشند.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الویری، محسن (۱۳۹۹). جمهوری اسلامی و تمدن نوین اسلامی در شرایط کرونایی و پساکرونا. انتشار در اثر دیجیتالی «کرونا و تمدن بشری». گروه تاریخ تمدن اسلامی و میز تمدن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۳. باطنی، محمد رضا (۱۳۹۵). فرهنگ معاصر: انگلیسی فارسی. ویراست ۲. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۴. شریعتمداری، حسین (۱۳۹۹). خدا با کرونا، تمدن منحنی غرب را به چالش کشید. روزنامه کیهان.
۵. معین، محمد (۱۳۷۳). فرهنگ معین. تهران، انتشارات امیرکبیر.
6. <https://www.abc30.com/society/fight-breaks-out-at-sf-safeway-amid-shortage-fears-due-to-covid>
7. <https://www.dw.com/fa-ir>
8. <https://www.edition.cnn.com/videos/politics/22/03/20/20/il-gov>

9. <https://www.farsi.euronews.com/02/04/2020/france-coronavirus-seizure-of-4-million-masks-in-lyon-irritates-sweden>
10. <https://www.middleeastmonitor.com/20200325-tunisia-accuses-italy-of-conf>
11. <https://www.middleeastmonitor.com/20200325-tunisia-accuses-italy-of-confiscating-medical-alcohol>
12. <https://www.nationalreview.com>
13. <http://www.rfi.fr/en/europe/20200322-czech-republic-sends-face-masks-to-italy-after-shipment-from-china-stolen-coronavirus>
14. <https://www.rt.com/news/483582-germany--switzerland-edical-supplies-cor>
15. <https://www.thelocal.no/20200325/poland-seizes-hand-sanitiser-destined-for-norwegian-hospitals>



# آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می شود؟

نویسنده: احمد موحدی (ایران)<sup>۱</sup>

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۹

## چکیده

با شیوع جهانی بیماری کرونا ممکن است در ذهن برخی شیعیان و قائلین به موجود بودن امام زمان علیه السلام این سؤال شکل گرفته باشد که آیا حضرت هم ممکن است دچار این بیماری شود؟ هم چنین اگر ایشان بیمار شود، آیا به پزشک مراجعه می کنند؟ مطابق با آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف در کنار کلیات برخی آیات دیگر چنین استنباط می شود که پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام و به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام با همه عظمت وجودی و عصمتی که دارند، بشری از جنس خود انسان بوده و به حکم انسان بودن و جسم داشتن، تمایلات و نیازهای انسانی از قبیل بیماری و عارض شدن کسالت بر جسم را دارا هستند. وقوع بیماری در افراد به علل و عواملی هم چون عدم رعایت بهداشت و مراقبت های فردی، سوء مزاج به واسطه عدم اطلاع و رعایت تغذیه سالم، کفاره گناهان، ترفیع درجه معنوی، آزمایش و امتحان و نیز حکمت خاص الهی صورت می گیرد که در میان این عوامل، عوامل سه گانه نخست در حق انبیا و اوصیای الهی علیهم السلام ممتنع است؛ اما عوامل سه گانه دوم می تواند عامل قابل قبولی در برخی ابتلائات و گرفتاری های ایشان مثل بیماری و کسالت بدنی و جسمی باشد و محذور عقلی و شرعی نیز در پی ندارد. در عین حال و در پاسخ به سؤال دیگر، امام معصوم که از یک طرف دارای علم عظیم به ابدان است و از طرف دیگر، قدرت تصرف در عالم کون و مکان دارد، نیازی به طبیب ندارد؛ چرا که خود طبیب حاذق و طبیب طبیبان است. بنابراین و مطابق با نتایج این تحقیق، اراده خداوند به این تعلق گرفته که امام زمان علیه السلام حفظ شود تا در زمان مناسب که تنها خدا می داند، حکومت عدل الهی را بر جهان بگستراند؛ لذا حضرت به یک بیماری مهلک که منجر به از دنیا رفتن ایشان تا قبل از ظهور شود، مبتلا نخواهد شد؛ هر چند ابتلای ایشان به بیماری های عادی و معمولی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور،

دور از انتظار عقل و شرع نیست و درمان این گونه بیماری ها نیز به دست علم حضرت و قدرت باطنی و با شفابخشی خداوند متعال متصور است و این مطلب، استبعاد عقلی و شرعی ندارد.

واژگان کلیدی: علم و دانش، ویروس کرونا، امام زمان علیه السلام

### مقدمه

فضای مجازی در عصر کنونی که به عصر انفجار اطلاعات معروف شده است، جولانگاه مناسبی برای مخالفین و معاندین دین و باورهای مذهبی شده است که با تمام توان و قدرت به جنگ اعتقادی با طرف مقابل خود برخیزند. هر چند امروزه با این سرعت جابجایی اطلاعات و اخبار، زمان رسیدن یک شبهه و خدشه در یک باور دینی ادیان مختلف آسمانی به یک مخاطب هدف خاص، کاهش محسوسی یافته است و در نقطه مقابل، پیروان ادیان الهی با سعی و کوشش خود در رفع این شبهات تلاش دارند؛ اما همواره تخریب و ضایع نمودن کاری سریع تر و آسانتر از درست کردن و اصلاح است.

در عصر جاری و در میان ادیان ابراهیمی نیز پیکان اصلی شبهات و تخریب ها به طرف دین اسلام و به ویژه مذهب شیعه اثنی عشری است؛ چرا که بالندگی و سرزندگی و انسان سازی آن بیشتر و قوی تر است و دشمن شکنی آن بیشتر از ادیان و مذاهب دیگر است؛ لذا دشمنان آزادی بشریت و موافقان استثمار در صدد از بین بردن آموزه های دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری بوده و در این مسیر با القای شبهات فراوان در مسیر مشوش نمودن اذهان جوانان جویای حقیقت در سراسر دنیا، همواره در سعی و تلاش هستند.

عصر حاضر که به عصر ظهور و اصلاح گری و مهدویت مشهور شده است، عاملی شده تا در کنار شبهات معاندین و مخالفین، سؤالات فراوانی که برای رسیدن به حق، اظهار و مطرح می شود، دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع را هدف قرار دهد. در همین راستا و طی چند روز گذشته، در فضای مجازی کلیپی از فردی

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۳۱

به ظاهر غیر متدین و مخالف مذهب پخش شد که با لحنی آرام سؤالی را در خصوص زندگی شخصی حضرت ولیعصر علیه السلام مطرح می‌کند.

سؤال ایشان به موازات اظهار نظر عده‌ای از کارشناسان دینی ضمن مسئله فراگیر امروز ایران و جهان که پیرامون بیماری کرونا است، در ذهن سائل و شاید در اذهان برخی دیگر از مردم شکل گرفته است و آن این‌که آیا امام زمان علیه السلام بیمار می‌شود؟ و اگر پاسخ مثبت است، چه کسی حضرت را مداوا و پرستاری می‌کند؟

ضمن تقدیر از لحن مؤدبانه این پرسشگر به ظاهر غیر متدین، در پاسخ لازم است ابتدا مسئله غلو و افراط و تفریط در باورهای دینی را اشاره نمود و سپس نمونه‌های تاریخی از بیماری پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام ایشان را بیان نمود تا اذهان عمومی نسبت به این مسئله روشن شود. در ادامه نیز علل و عوامل احتمالی وقوع یک بیماری در امام معصوم را در ۶ عامل عدم رعایت بهداشت فردی، سوء مزاج، کفاره گناهان، ترفیع درجه معنوی، آزمایش و امتحان و حکمت خاص الهی بررسی نمود و علل و عوامل منطقی و مورد قبول در این مسئله را تبیین کرد.

در بخش دوم پژوهش نیز در ادامه تبیین چیستی و چرایی بیماری امام معصوم علیه السلام به این مسئله مهم و چالشی پرداخته می‌شود که آیا حضرات معصومین علیهم السلام برای مداوی خود به طبیب مراجعه می‌کردند؟ این سؤال مهم با تبیین و بررسی دو مقام علمی و مقام ایمانی اهل بیت علیهم السلام واکاوی نموده خواهد شد.

### مصیبت «غلو»

مسئله افراط و تفریط در دین و باورهای دینی، همواره یکی از دغدغه‌های مهم انبیا و اولیای الهی علیهم السلام در حق پیروان خویش بوده است و در این میان، مصیبت «غلو» از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

«غُلُّوْ» مصدر فعل «غَلِي يَغْلُوْ» و به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۳) لذا وقتی قیمت چیزی از حد معمول بالاتر می‌رود، به آن «غال» به معنای گران می‌گویند. «غلات» در اصطلاح علم فرق و مذاهب عبارت است از گروه‌هایی که انسانی را به مرتبه‌ی خدایی یا فرد عادی را به مقام پیامبری رسانده باشند.

پیامبران الهی همواره پیروان خود را از دادن نسبت‌های غلو آمیز به ایشان بر حذر می‌داشتند؛ همان‌گونه که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که به اهل کتاب بگوید دست از غلو در دین بردارید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ»؛  
(نساء، ۱۷۱) ای اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید و درباره خدا غیر از حق نگویید.

نبی مکرم اسلام ﷺ در هشدار می‌فرمودند:

«يَاكُمُ وَالْغُلُوْ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ بِالْغُلُوْ فِي الدِّينِ»؛  
(نهج الفصاحة، ۳۵۴) از افراط در کار دین بپرهیزید که پیشینیان شما از افراط در کار دین هلاک شدند.

در همین راستا، خداوند متعال در دو سوره و با عبارتی واحد به پیامبر خود دستور می‌دهد:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ»؛ (کهف، ۱۱۰؛ فصلت، ۶) ای پیامبر! به مردم بگو همانا من فقط بشری مثل شما هستم که به من وحی می‌شود.

این آیه در کنار کلیات برخی آیات دیگر مثل آیه ۶ سوره مائده و آیه ۸۰ سوره شعراء می‌رساند که پیامبر اکرم ﷺ با همه عظمت وجودی و علم و عبودیت و عصمت خود،

آیا امام زمان عج به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۳۳

بشری از جنس انسان بوده و به حکم انسان بودن و جسم داشتن، تمام تمایلات و نیازهای انسانی از قبیل خوراك و پوشاك و خواب را خواهد داشت. از جمله این خصوصیات، بیماری و عارض شدن کسالت بر جسم حضرت است و به طور کلی از لوازم جسم، بیماری است.

### مصادیق بیماری ائمه معصوم ع

پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان ع به حکم انسان بودن، تمام تمایلات و نیازهای انسانی را دارا هستند و مانند سایر انسان‌ها زندگی کرده‌اند؛ لذا بیمار شدن ایشان هرگز مستبعد نیست. در ادامه نمونه‌های تاریخی از بیماری ایشان را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

- پیامبر اکرم ص به نقل از امام صادق ع قبل از رحلت، مدتی بیمار بودند:  
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّيَ فِيهِ اَدْعُوا لِي خَلِيلِي...»؛  
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۶) همانا پیامبر در آن بیماری که رحلت کرد،  
فرمود: دوست مرا بخوانید.

- امیرالمؤمنین علی ع در جنگ خیبر دچار چشم درد شدیدی شده بودند  
که با دعای نبی مکرم ص شفا گرفته و سپس فرمانده لشکر شدند:  
«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ لَأُعْطِينَ هَذِهِ الرَّأْيَةَ غَدًا رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ  
عَلَى يَدَيْهِ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ.  
فَقَالَ: أَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟  
فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ.  
قَالَ: فَأَرْسِلُوا إِلَيْهِ فَأَتَيْ بِهِ فَبَصَقَ رَسُولُ اللَّهِ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ فَبَرَأَ»؛  
(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۳)

همانا پیامبر در روز خیبر فرمود: فردا این پرچم را به دست مردی خواهم داد که خداوند به دستان او فتح و پیروزی خواهد داد. کسی که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند. پس فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند: ای پیامبر خدا! او دچار درد چشم شده است. فرمود: کسی را نزد او بفرستید تا بباید. پس او را به نزد پیامبر آوردند و حضرت آب دهان خود را بر چشمان او مالید و برای او دعا کرد و چشم درد او خوب شد.

- هم چنین حضرت برای خویش طلب عافیت و سلامتی می کند: «وَنَسْأَلُهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَدْيَانِ كَمَا نَسْأَلُهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْأَبْدَانِ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)؛ و از او می خواهیم دینمان را سلامت بدارد، آن چنان که از او می خواهیم تن همامان سالم بماند.

- بیماری امام سجاد علیه السلام در روز عاشورا که نقل مشهور است: «وَكَانَ مَرِيضًا نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ. فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ قَالَ شَمْرُ بْنُ ذِي الْجَوْشَنِ اقْتُلُوا هَذَا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَنْتَقِلُ فَتَيَّ حَدَثًا مَرِيضًا لَمْ يُقَاتِلْ»؛ (ابن سعد زهری، ۱۹۶۸، ج ۵: ۲۱۲)

او مریض بود و در بستر بیماری افتاده بود. پس از کشته شدن حسین بن علی، شمر به سوی علی بن الحسین آمد و گفت: این جوان را بکشید. فردی از همراهان وی گفت: سبحان الله! آیا جوانی که بیمار است و در جنگ هم شرکت نداشته، بکشیم؟ در این هنگام عمر بن سعد وارد شد و گفت: با این زنان و این بیمار کاری نداشته باشید.

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۳۵

- بیماری امام محمد باقر علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام:  
«إِنَّ أَبِي قَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَرَضِهِ يَا بُنَيَّ...»؛ (همان، ج ۳: ۲۰۰)  
روزی پدرم در حالی که بیمار بود به من فرمود ای فرزندم...

- بیماری امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از فضیل بن یسار:  
«دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي مَرَضِهِ مَرَضَهَا لَمْ يَبْقَ مِنْهُ إِلَّا رَأْسُهُ...»؛  
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۴۶) وقتی امام صادق بیمار بود بر ایشان وارد  
شدم، در حالی که جسم ایشان به علت بیماری نحیف و لاغر شده بود.

- بیماری امام جعفر هادی علیه السلام به نقل از ابوهاشم جعفری:  
«بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ فِي مَرَضِهِ وَإِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ...»؛ (همان، ج ۴: ۵۶۷)  
زمانی که حضرت مریض بود، کسی را به دنبال من و محمد بن حمزه فرستاد.

تمامی این گزارش‌های تاریخی بیان‌گر گرفتاری حضرات معصومین علیهم السلام به  
بیماری است که اقتضای انسان بودن بوده و منافاتی با مقامات معنوی و باطنی  
ایشان ندارد.

بر این اساس، امام عصر علیه السلام نیز که آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، مانند  
سایر ائمه زندگی کرده و مانند سایر انسان‌ها ممکن است دچار عوارض جسمانی  
شود؛ چرا که قرار نیست حضرت نظام اسباب و مسببات عالم را به هم بریزد.  
عالم بر اساس اسباب و مسببات و نظام علّی و معلولی اداره می‌شود. در این  
قانون الهی، هیچ فردی مستثنی نیست و هیچ اتفاقی خارج از چارچوب اسباب و  
مسببات به وقوع نمی‌پیوندد و موارد معجزه و خرق عادت نیز به اذن الهی است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا»؛

(همان، ج: ۱، ۱۸۳) خدا از آن ابا دارد که چیزها را جز به اسباب آن‌ها روان

گرداند، این است که برای هر چیز سببی قرار داد.

بنابراین ممکن است امام زمان علیه السلام که جزئی از همین عالم است، به بیماری مبتلا شود؛ لذا چنین خواسته شده که برای سلامتی حضرت دعا شود؛ البته بیماری حضرت به صورت مهلک نخواهد بود، چرا که وجود فیزیکی ایشان در روی زمین، برای ثبات ارض و سماء امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ آن‌چنان که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلاَ إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَلَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ

بِأَشَدِّ عَذَابِهِ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۲۰۴) اگر زمین روزی خالی از

امامی از ما اهل بیت باشد، زمین اهل خود را فرو خواهد برد و خداوند

مردم روی زمین را به شدیدترین وجه عذاب خواهد نمود.

### علل و عوامل احتمالی وقوع بیماری در ائمه معصوم علیهم السلام

در بخش قبل اثبات شد که عروض بیماری و کسالت بر ائمه معصومین علیهم السلام محتمل بوده و بلکه محقق شده است؛ لذا در خصوص امام زمان علیه السلام نیز چنین است؛ با این حال ممکن است کسی سؤال کند آیا پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام از رعایت مسائل بهداشتی غافل شدند که به بیماری و کسالت دچار شدند یا عامل دیگری در کار بوده است؟

در پاسخ باید بگوئیم که وقوع بیماری در افراد، بسته به علل و عواملی است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود تا مشخص شود بیماری ائمه معصومین علیهم السلام و یا شخص امام عصر علیه السلام از کدام نوع است.

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۳۷

## ۱. عدم رعایت بهداشت و مراقبت‌های فردی

از مهم‌ترین علل و عوامل بیماری در انسان‌ها، عدم توجه به بهداشت فردی در زندگی شخصی و اجتماعی است. در کنار آیه شریفه تطهیر (ر. ک: احزاب، ۳۳) که حضرات معصومین علیهم السلام را از هر گونه آلودگی ظاهری و باطنی پاک ساخته است؛ بازنگری در سیره عملی ایشان بیان‌گر این نکته است که از حیث رعایت بهداشت و مراقبت‌های فردی در بالاترین درجه بودند که صحت این مطلب با بررسی آثار تاریخی و سیره ایشان آشکار می‌شود.

صاحب «بحار الأنوار» در جلد ۱۶ بابی با عنوان «مکارم أخلاقه وسیره وسنة» دارد که به بررسی مجموعه‌ای از اخلاق و سیره فردی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله پرداخته؛ از جمله رعایت مسائل بهداشتی که در این بخش برای رعایت اختصار به یک نمونه اشاره می‌شود:

«وَكَانَ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَرَّةً قَبْلَ نَوْمِهِ وَمَرَّةً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وِزْدِهِ وَمَرَّةً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۵۴) پیامبر همواره در هر روز سه مرتبه دندان‌های خود را مسواک می‌زد: یکبار قبل از خواب، یکبار وقتی از خواب بلند می‌شد و یکبار قبل از نماز صبح.

در همین راستا، اهل بیت علیهم السلام که تالی تلوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هستند، در رعایت آداب و سنن اسلامی به یادگار مانده از حضرت پیشتاز و مقدم بودند تا جایی که با مطالعه سیره عملی در کتاب‌های سیره، روشن می‌شود عامل فردی در عدم رعایت مسائل بهداشتی، در حق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام منتفی است.

## ۲. سوء مزاج (عدم اطلاع و رعایت تغذیه سالم)

قرآن کریم در وصف علمی نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ (آل عمران، ۱۶۴) خداوند بر مؤمنان منت گذارد هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند و کتاب و حکمت به آن‌ها بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

چنین پیامبری با این سطح از مقام نزد خدای متعال فرمودند:

«الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱:

۲۲۰) علم بر دو گونه است: علم دین‌شناسی و علم انسان‌شناسی.

از طرفی، با توجه به این کلام امام باقر (ع) که به سلمة بن کُهیل و حکم بن عتیبة فرمودند:

«شَرْقًا وَغَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ

الْبَيْتِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۹۹) شرق و غرب عالم را بگردید، علم

صحیحی را پیدا نمی‌کنید مگر این‌که از نزد ما اهل بیت منتشر شده است.

جایی برای ادعای بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) از مزاج و

تغذیه سالم و مناسب با بدن انسان باقی نمی‌ماند؛ چرا که علم کون و مکان در

اختیار ایشان است.

## ۳. تاوان گناهان گذشته (کفاره گناهان)

حوادث و پدیده‌هایی که در این عالم رخ می‌دهد- چه خیر و چه شر- اسباب

گوناگونی دارد؛ گاهی سبب و عامل بیماری، گناهی است که بشر مرتکب می‌شود؛

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۳۹

همان‌گونه که بسیاری از ابتلائات و مشکلات زیستی از ناحیه عملکرد نادرست بشر بوده است:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ (روم، ۴۱) فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال را به آن‌ها بچشاند، شاید بازگردند.

مطابق آیه شریفه، آثار وضعی برخی گناهان دامن‌گیر انسان‌ها می‌شود و این یک سنت و قانون حتمی الهی است:

«فَمَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلَا نَصَارَةٌ عَيْشٌ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوا إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَمِيدِ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۴) هیچ نعمت و شادابی زندگی از دست نرفت، مگر به سبب گناهایی که مرتکب شدند. همانا خداوند به بندگان ستم نمی‌کند.

بیماری می‌تواند یکی از همان آثار وضعی باشد که دامن‌گیر برخی گناهکاران می‌شود تا آن‌ها را در دنیا پاک کرده و گناهانشان را بیامرزد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«السُّقْمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۲۴۴) بیماری گناهان را نابود می‌کند.

به حکم قرآن کریم در آیات متعدد به ویژه آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از گناه و معصیت پاک و مبرا هستند.

«آلوسی» از مفسرین اهل سنت ذیل آیه تطهیر می‌نویسد:

«المعنى على ما قيل إنما يريد الله ليذهب عنكم الذنوب والمعاصي فيما نهاكم والمعنى إنما يريد سبحانه ليذهب عنكم الرجس ويصونكم من

المعاصي صونا بليغا فيما أمر ونهى جل شأنه»؛ (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲: ۱۲) معنی آیه بنا بر آنچه گفته شده این است که خداوند منحصرأً گناه و معصیت در نواهی خود را از شما برداشته است، یعنی همانا خداوند اراده کرده از شما اهل بیت آلودگی را برطرف سازد و شما را از گناه در آنچه امر و نهی کرده، مصون بدارد.

صاحب «صحیح مسلم» نیز با بیان روایتی، مصداق اهل بیت علیهم السلام را به شرح زیر مشخص کرده است:

«قالت عائشة خرج النبي غداةً وعليه مرطٌ مُرَحَّلٌ من شعرٍ أسودَ فجاء الحسنُ بن عليٍّ فأدخله ثم جاء الحسينُ فدخل معه ثم جاءت فاطمة فأدخلها ثم جاء عليٌّ فأدخله ثم قال «إنما يريدُ الله ليذهب عنكم الرجسَ أهلَ البيتِ ويُطهركم تطهيراً»؛ (نيسابوري قشيري، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۸۸۳) عایشه گفت رسول خدا هنگام صبح بیرون رفتند و بر روی دوش ایشان عبایی طرح‌دار از موی سیاه بود، پس حسن بن علی آمد و او را زیر عبا گرفت، پس حسین آمد و او را وارد کرد، پس علی آمد و او را وارد کرد و سپس فرمود: خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت پلیدی‌ها را دور کند و شما را پاک نماید.

بر این اساس، شیخ صدوق می‌نویسد:

«اعتقادنا في الأنبياء والرسل والأئمة والملائكة أنهم معصومون مطهرون من كل دنس وأنهم لا يذنبون ذنباً لا صغيراً ولا كبيراً»؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۹۶) اعتقاد ما شیعیان در حق انبیاء و پیامبران و ائمه اهل بیت و ملائکه این است که آن‌ها معصوم هستند و از هر گناهی پاک هستند و هیچ گناهی مرتکب نمی‌شوند، چه گناه کوچک و چه گناه بزرگ.

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می شود؟ / ۱۴۱

بنابراین اگر اهل بیت علیهم السلام دچار بیماری می شدند، به خاطر گناه و مسئله کفاره گناه نبوده است.

#### ۴. ترفیع درجه معنوی

گاهی انسان گرفتار بیماری می شود؛ در حالی که نه از مسائل بهداشتی غفلت کرده و نه از تغذیه سالم بی اطلاع بوده و نه گناهکار بوده که بیماری او کفاره گناهانش باشد. در این گونه گرفتاری ها، اصابت بیماری به شخص برای اجر و پاداش اخروی و ترفیع درجه معنوی اوست.

علی بن رئاب می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» پرسیدم که آیا آن چه از مصائب به علی و اهل بیت بعد او می رسد، به خاطر گناهی است که مرتکب می شوند در حالی که ایشان اهل بیت عصمت هستند و از ارتکاب گناه معصوم هستند؟ حضرت چنین پاسخ داد:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَتَوَبُّ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِائَةً مَرَّةً مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ إِنَّ اللَّهَ يَخْصُ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِيَأْجِرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۰) پیامبر خدا در هر روز و شب صد مرتبه به درگاه الهی توبه و استغفار می کرد، در حالی که هیچ گناهی مرتکب نشده بود. همانا خداوند بندگان خاص خود را بدون این که گناه کرده باشند، مبتلا به مصائب می کند تا به آن ها پاداش دهد.

#### ۵. آزمایش و ابتلای الهی

قرآن کریم می فرماید:

«أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ (عنکبوت، ۲)  
جریان برخی بلاها مثل بیماری بر اساس برخی سنت های دیگر خداوند مثل سنت امتحان و ابتلا است. این قانون الهی، عمومی است و مختص

فرد یا گروه خاصی نیست، حتی شامل انبیا و اولیای الهی نیز می‌شود و چه بسا امتحان ایشان سخت‌تر و مشکل‌تر نیز باشد.

امام صادق علیه السلام در همین ارتباط فرمودند:

«أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيِّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۵۹)  
سخت‌ترین مردم از نظر بلا و گرفتاری، انبیا و سپس اوصیا هستند.

در قرآن کریم، متجاوز از ۲۰ مورد امتحان به خدا نسبت داده شده است؛ این قانون کلی و سنت دائمی پروردگار است که برای شکوفا کردن استعدادها و نهفته و از قوه به فعل رساندن و در نتیجه پرورش بندگان، آنان را می‌آزماید:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»؛  
(انبیاء، ۳۵) هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد و ما شما را با بدی‌ها و نیکی‌ها آزمایش می‌کنیم و سرانجام به سوی ما باز می‌گردید.

به طور کلی، خداوند انسان را برای رسیدن به کمال آفریده و این مقام را باید کسب کند؛ از طرفی این مقام به رایگان به کسی عطا نمی‌شود، بلکه انسان‌ها قوه رسیدن به این مقام را دارند ولی باید این استعداد را شکوفا کنند و استعدادها در ابتلاها و سختی‌ها ظاهر شده و شکوفا می‌گردد.

قرآن کریم گویای این حقیقت است که هر يك از پیامبران به سهم خود در کوران آزمایش‌های شدیدی قرار گرفتند و حتی جمعی از ایشان قبل از رسیدن به مقام رسالت، يك دوران طولانی از آزمایش‌های مختلف داشتند تا ورزیده شوند و برای رهبری و هدایت خلق آمادگی کامل پیدا کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

ائمه معصومین علیهم السلام نیز از این قانون و قاعده کلی الهی مستثنی نیستند و چه بسا برای امتحان و آزمایش، دچار بیماری نیز بشوند؛ همان‌گونه که در روایتی چنین آمده است که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام دچار بیماری شده بودند و جمعی از برادران و

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۴۳

یاران به عبادتش آمده و عرض کردند: حالتان چطور است ای امیر مؤمنان که حضرت فرمود: شر است. آن‌ها گفتند: این سخن شایسته مثل شما نیست که حضرت در پاسخ، چنین فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَيَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۲۱۳) خداوند متعال می‌گوید ما شما را با شر و خیر آزمایش می‌کنیم، خیر تندرستی است و بی‌نیازی و شر بیماری و فقر است.

## ۶. حکمت خاص الهی

بر اساس اصل حسن و قبح عقلی، ارتکاب فعل قبیح از سوی خداوند محال است؛ چرا که فعلی که فاقد غایت باشد، عبث و لغو است و انجام فعل عبث نیز عقلاً قبیح است. در نتیجه تمام افعال الهی غایتمند بوده و دارای غرض و حکمت است؛ هر چند بشر به غرض و حکمت افعال الهی آگاه نباشد، چرا که دانش انسان عادی، محدود و اندک است. (ر. ک: اسراء، ۸۵)

بلايا و مصیبت‌های ناشی از پدیده‌های طبیعی هم‌چون بیماری با توجه به غایتمندی افعال الهی خالی از غایات معقول نیست؛ هر چند ممکن است این غایات برای نوع بشر مخفی باشد و یا در ابتدای امر، پدیده‌ای شوم و شر تلقی شود. بر این اساس، بیمار شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز از این قاعده جدا نیست و چه بسا برای طرد غالیان مدعی الاهیت ایشان و یا اغراض دیگری که حکمتش بر نوع بشر پوشیده است، باشد.

## - جمع‌بندی

در بیان علل و عوامل ابتلا به بیماری و مرض، مشخص شد ۳ عامل عدم رعایت بهداشت فردی، عدم رعایت تغذیه سالم و کفاره گناهان در حق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

ممتنع است؛ اما ۳ عامل ترفیع درجه معنوی، آزمایش و امتحان و حکمت خاص الهی می‌تواند عامل قابل قبولی در برخی ابتلائات و گرفتاری‌های انبیا و اولیای الهی مثل بیماری و کسالت بدنی و جسمی باشد و هیچ محذور عقلی و شرعی نیز در پی نداشته باشد.

**آیا حضرات معصومین علیهم‌السلام برای مداوی خود به طبیب مراجعه می‌کردند؟**  
 پس از مشخص شدن امکان بیماری در امام معصوم، پرسش دیگری که طرح می‌شود این است که آیا حضرات معصومین علیهم‌السلام برای مداوی خود به طبیب مراجعه می‌کردند؟ پاسخ به این پرسش در گرو شناخت حقیقی امام و مقام امامت است؛ چرا که تا مقام و جایگاه ویژه امام در عرصه کائنات مبین نشود، پاسخ به این سؤال قدری مشکل خواهد بود که با توجه به اقتضائات این مقاله، اشاره‌ای مختصر به این دو مقام علمی و ایمانی می‌شود تا روشن شود امام معصوم که خود از یک طرف دارای علم به ابدان است و از طرف دیگر قدرت تصرف در عالم کون و مکان دارد، نیازی به طبیب ندارد؛ چرا که خود، طبیب حاذق و طبیب طبیبان است.

### ۱. مقام علمی اهل بیت علیهم‌السلام

با پژوهش در منابع مستند و معتبر، چنین دریافت می‌شود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام به علل و اسباب عالم، عالم بودند و نیازی به غیر نداشتند.

در همین ارتباط، امام صادق علیه‌السلام در روایتی گویا فرمودند:

«أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَجَهْلَهُ مَنْ جَهْلَهُ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ وَنَحْنُ»؛

(کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۱، ۱۸۳) خدا از آن ابا دارد که چیزها را جز به اسباب آن‌ها روان‌گرداند، این است که برای هر چیز سببی قرار داد و برای هر سبب

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۴۵

شرحی و برای هر شرح دانشی و برای هر دانشی دربی گویا که هر کس او را شناخت، شناخت و هر که او را نشناخت، نشناخت. این پیامبر است و ما.

یحیی بن عبد الله می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که هنگام دیدار گروهی از مردم کوفه با ایشان فرمودند:

«عَجَبًا لِلنَّاسِ يَقُولُونَ أَخَذُوا عِلْمَهُمْ كُلَّهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فَعَمِلُوا بِهِ وَاهْتَدَوْا وَيَرُونَ أَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ نَأْخُذْ عِلْمَهُ وَلَمْ نَهْتَدِ بِهِ وَنَحْنُ أَهْلُهُ وَذُرِّيَّتُهُ فِي مَنَازِلِنَا أَنْزَلَ الْوَحْيُ وَمِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ إِلَى النَّاسِ الْعِلْمُ أَفْتَرَاهُمْ عِلْمُوا وَاهْتَدَوْا وَجَهَلْنَا وَضَلَلْنَا إِنَّ هَذَا مُحَالٌ»؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۲) از مردمان درشگفتم! می‌گویند همه علم خود را از پیامبر گرفته‌اند و بدان عمل کرده و به راه هدایت رسیده‌اند و چنان تصور می‌کنند که ما اهل بیت پیامبر، علم او را نگرفته و به آن راه نیافته‌ایم، در صورتی که ما کسان او و فرزندان او هستیم که وحی در خانه‌های ما فرود آمد و علم از نزد ما به جانب مردم بیرون رفت. آیا می‌شود ایشان دانسته و راه‌یافته باشند و ما نادان و گمراه باشیم؟ این محال است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال جابر درباره علم عالم، پیامبران و اوصیای الهی را عالم به تمام زمین و آسمان دانسته و فرمودند:

«إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحِ الْقُدُسِ وَرُوحَ الْإِيمَانِ وَرُوحَ الْحَيَاةِ وَرُوحَ الْقُوَّةِ وَرُوحَ الشَّهَوَةِ فِرُّوحِ الْقُدُسِ يَا جَابِرُ عَرَفُوا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲)

هم‌چنین وقتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» پرسیدند که مراد از «اسماء» چیست؟ چنین فرمودند:

«أَسْمَاءُ الْأُودِيَّةِ وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ وَالْجِبَالِ مِنَ الْأَرْضِ»؛ (عیاشی،

۱۳۸۰، ج ۱: ۳۲)

بنابراین، اسم نبات، شجر و... مساوق با مسمی آن که مضار و خواص آن‌ها است، می‌باشد؛ یعنی امام، هم بیماری را می‌شناسد و هم دوی هر بیماری را می‌داند.

## ۲. مقام معنوی اهل بیت علیهم‌السلام

یک انسان کامل جسمش مریض می‌شود؛ اما با روح و نفس قدسی خویش-مقام ولایت- در این عالم تصرف می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَبِهَا يُوهَبُ الْكُتُبُ وَيَسْتَيَّنُ الْإِيمَانُ»؛

(عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵) خدا ولایت ما اهل بیت را قطب قرآن و قطب همه کتاب‌های آسمانی قرار داد، محکمات قرآن بر گرد این موضوع می‌گردد و کتاب‌ها به آن اشاره کرده و ایمان از آن آشکار می‌شود.

بنابراین، همین انسانی که از جسم بشری برخوردار است، به مقامی می‌رسد که می‌تواند با روح خود در کائنات تصرف کند که یکی از آن‌ها شفای خود و دیگران از بیماری است. این مقام نه این‌که مقام اختصاصی معصومین علیهم‌السلام باشد؛ بلکه برای افراد معمولی نیز که رعایت تقوا نموده و معصیت خدا نمی‌کنند، ثابت است؛ هر چند اهل بیت علیهم‌السلام در مقام رفیعی قرار دارند.

آیت الله کمپانی از فقهای برجسته در «حاشیه‌ای بر مکاسب» چنین می‌نویسند:

«لهم الولاية المعنوية والسلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية والتشريعية»؛ (کمپانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریع دارند.

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می شود؟ / ۱۴۷

آیت الله خوئی نیز در کتاب «مصابح الفقاهه» خود می نویسد:

«لا شبهة في ولايتهم على المخلوق باجمعهم كما يظهر من الاخبار لكونهم واسطة في اليجاد وبهم الوجود وهم السبب في الخلق اذ لولاهم لما خلق الناس كلهم وانما خلقوا لاجلهم وبهم وجودهم وهم الواسطة في افاضة بل لهم الولاية التكوينية لمادون الخلق»؛ (موسوی خوئی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۶) فردی که به این درجه از مقام علمی و ایمانی رسیده و فرستاده خداوند برای هدایت و رشد و تعالی افراد جامعه باشد، نادانی و یا کم اطلاعی از بیماری و راه درمان آن، قابل پذیرش نیست.

در کنار مقامات علمی اهل بیت علیهم السلام که آثار شیعه و اهل سنت مملو از آن است، کرامت و تصرف در عالم امکان، نه فقط در حال حیات که بعد از ممات نیز به فراوانی از ایشان رؤیت و ثبت شده است که نشان گر عظمت روحی و باطنی این ذوات مقدس است؛ از جمله شفا و درمان بیماری خود و دیگران که از بدیهی ترین تصرفات است.

ابن حبان- از دانشمندان اهل سنت و عالم رجالی معروف- با بیان این که قبر علی بن موسی الرضا در طوس کنار قبر هارون الرشید قرار گرفته است و زیارتگاه معروفی است و من مکرر آن را زیارت کرده ام، چنین می نویسد:

«مَا حَلَّتْ بِي شِدَّةٌ فِي وَقْتِ مَقَامِي بِطُوسَ فَرَزْتُ قَبْرَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَدَعَوْتُ اللَّهَ إِزَالَتَهَا عَنِّي إِلَّا أَسْتَجِيبَ لِي وَزَالَتْ عَنِّي تِلْكَ الشَّدَّةُ وَهَذَا شَيْءٌ جَرَبْتُهُ مَرَارًا فَوَجَدْتُهُ كَذَلِكَ... أَمَاتَنَا اللَّهُ عَلَى مُحَبَّةِ الْمُصْطَفِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ»؛ (ابن حبان، ۱۳۹۵، ج ۸: ۴۵۷) در مدتی که در طوس ساکن بودم، هر گاه مشکلی برایم پیش می آمد، قبر علی بن موسی الرضا را زیارت می کردم و رفع مشکلم را از خداوند طلب می کردم که در اسرع وقت

خواسته‌ام به اجابت می‌رسید و گرفتاریم برطرف می‌شد. من این مسئله را بارها تجربه کرده‌ام. خداوند ما را با محبت مصطفی و خاندانش بمیراند.

### نتیجه‌گیری

اراده خداوند به این تعلق گرفته که امام زمان علیه السلام حفظ شود تا در زمان مناسب حکومت عدل را بر جهان بگستراند؛ بنابراین حضرت به یک بیماری مهلک مبتلا نخواهد شد. در عین حال، از نظر عقلی این امکان وجود دارد که از آن جنبه‌ای که ایشان جسم و بدنی دارد، این بدن ممکن است دچار ناراحتی و کسالتی شود که لازم است برای این‌که کسالت برای حضرت رخ ندهد یا اگر هم رخ داده برطرف شود، دعا کرد و برای سلامتی حضرت صدقه داد.

نکته مهم این است که با ادله ولایت تکوینی و علم گسترده‌ای که امام معصوم دارد، حضرت راه درمان را می‌داند و می‌تواند به صورت غیر عادی و کرامت، هم این بیماری را در خودش یا دیگران نابود کند و هم می‌تواند از راه‌های طبیعی که به آن علم دارد، بیماری خود و دیگران را درمان کند؛ هر چند ممکن است به خاطر مصلحت‌هایی که خدا نمی‌خواهد یا به هر دلیل دیگر از این درمان استفاده نکند.

روایت «اختصاص» شیخ مفید، حسن ختام این مقاله خواهد بود؛ نقل است زمانی غلامان امام رضا علیه السلام نیاز به فصد پیدا کردند، حضرت امر فرمودند طیب حاضر شود و برای هر کدام از غلامان، رگ مخصوصی را فصد کند و به طیبان چنین فرمودند:

«فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ وَجَّهَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَى بَعْضِ الْأَطِبَّاءِ فَقَالَ لَهُ أَفْصِدْ  
فُلَانًا عِرْقَ كَذَا وَكَذَا وَأَفْصِدْ فُلَانًا عِرْقَ كَذَا وَكَذَا ثُمَّ قَالَ يَا يَاسِرُ لَا  
تَفْتَصِدْ أَنْتَ قَالَ فَافْتَصَدْتُ فَوَرِمَتْ يَدِي»؛ (مفید، ۱۴۱۳) امام رضا  
رو به پزشکان کردند و فرمودند این رگ و آن رگ فلان غلام را فصد کن،

آیا امام زمان علیه السلام به ویروس کرونا مبتلا می‌شود؟ / ۱۴۹

این رگ و آن رگ این غلام را فصد کن، سپس به یاسر فرمود: ای یاسر! تو فصد نکن! یاسر می‌گوید ولی من فصد کردم و دستم ورم کرد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج الفصاحه.
۳. نهج البلاغه.
۴. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۵. ابن حیان، محمد بن حبان (۱۳۹۵). الثقات. بيروت: دار الفكر.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). اعتقادات الإمامیه. قم: کنگره شیخ مفید.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. بتحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعة مدرسين.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین وتمام النعمة. بتحقیق علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
۹. ابن سعد زهری، محمد بن سعد (۱۹۶۸). الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات في غريب القرآن. بيروت: دار العلم.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. بتحقیق هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمية.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. بتحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۳. غروی اصفهانی (کمپانی)، محمد حسین (۱۴۱۸). حاشیه کتاب المکاسب. بتحقیق عباس محمد آل سیاح قطیفی. قم: انتشارات ذوی القربی.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

۱۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). **الأمالی**. بتحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید.
۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). **الإختصاص**. بتحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۴). **مصابح الفقاهة**. نجف: المطبعة الحیدریة.
۱۹. نیسابوری قشیری، ابوالحسن مسلم بن حجاج (۱۳۷۴). **صحیح مسلم**. بتحقیق محمد فؤاد عبدالباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.



دورية علمية متخصصة متعددة اللغات

# PURE LIFE

العدد الخامس بعنوان: ﴿ الدين والمصائب الطبيعية؛ الفرص والتحديات مع التركيز على فيروس كورونا ﴾

السنة السابعة - العدد الثاني والعشرون، محرم ١٤٤٢ / ١٣٩٩ ش / ٢٠٢٠ م

**صاحب الامتياز:** جامعة المصطفى العالمية

جامعة المصطفى العالمية، عمادة البحث والإنتاج العلمي

**المشرف العام:** الدكتور سيد مهدي حسيني

**رئيس التحرير:** الدكتور سيد ابازر هاشمي هريكندئي

**المدير التنفيذي:** سماحة الشيخ محمد جواد نجفلي

## أعضاء هيئة التحرير

|                          |                                                                              |
|--------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| سيد مهدي حسيني           | رئيس في جامعة المصطفى العالمية (إيران)                                       |
| سيد ابازر هاشمي هريكندئي | عميد البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى العالمية (إيران)                 |
| محمود نظري               | مدير دائرة العلاقات العامة والشؤون الدولية في جامعة المصطفى العالمية (إيران) |
| مهدي ساندكي              | مدير لجنة القرآن والحديث في جامعة المصطفى العالمية (إيران)                   |
| توفيق اسدوف              | مدير الدراسات الإسلامية في جامعة المصطفى العالمية (أذربايجان)                |
| مجتبى رحمتي              | عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى العالمية (إيران)                      |
| يزن علي                  | عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى العالمية (سوريا)                      |
| غلام جابر محمدي          | عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى العالمية (باكستان)                    |
| كمال كوركمان             | عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى العالمية (تركيا)                      |

**العنوان:** قم، شارع ساحلي جنوبي، غربي مصلی القدس، ما بين الزقاقين ٤-٦

**ص ب:** ٣٧١٣٩١٣٥٥٤ **العاتف / الفاكس:** ٢٢١١٤١٧٥ - ٢٢٦١٣٨٧٥

عدد الصفحات: ١٩٠ ص نوع الطبع: إلكتروني

الرقم التسلسلي المعياري الدولي: ٢٦٧٦-٧٦١٩

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: [research@mou.ir](mailto:research@mou.ir)

### موضوع القرار:

حسب القرار المنبثق من الاجتماع الثاني والعشرين لمجلس إدارة منشورات المصطفى عليه السلام (بتاريخ: ١٣٩٢/١٢/١٩)،  
لقد تمت المصادقة على إصدار هذه المجلة المصنفة ضمن المنشورات العلمية المتخصصة، رقم ترخيص ٧٤٣٢٧ الصادر من الجهاز الشامل لوسائل الإعلام الرسمية (وزارة الثقافة والأرشاد الإسلامي)  
(بتاريخ: ١٣٩٣/١٢/١١)

هذه المجلة متاحة بشكل إلكتروني، ويمكن تحميلها  
على العنوان التالي:

<http://p-l.journals.miu.ac.ir>

<https://civilica.com/l/20058>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325>

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<https://journals.indexcopernicus.com/search/details?id=67468>

## شروط كتابة المقال

١. يجب أن يتضمن المقال ما يلي: العنوان والملخص والمفردات الرئيسة والمقدمة والعرض والنتيجة والمصادر.
٢. تخضع المقالات المستلمة للتحكيم العلمي شريطة أن لم تنشر سابقاً، ويتعين على الكاتب التعهد بعدم قيامه بإرسال مقاله إلى مؤسسات أخرى.
٣. يتحمل «الكاتب المراسل» مسؤولية صحة المعلومات الواردة في المقال من الناحيتين العلمية والحقوقية.
٤. تحتفظ المجلة لنفسها بحق رفض المقالات أو قبولها كما تتعهد أمانة المجلة بتقديم تقرير عن نتيجة التحكيم العلمي للكاتب المراسل خلال فترة لا تتجاوز شهر - ٣٠ يوماً - على الأكثر.
٥. لا يتم القبول النهائي لطبع المقال في المجلة إلا بعد موافقة هيئة التحكيم وهيئة التحرير عليه.
٦. يجب عدم تجاوز حجم المقال ٨ صفحات كحد أدنى و ٢٥ صفحة كحد أقصى وكل صفحة عبارة عن ٢٥٠ كلمة.
٧. يجوز النقل والإقتباس من المقالات المنشورة الأخرى شرط ذكر المصدر.
٨. يستخدم نوع الخط “IRLotus” وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالفارسية والعربية، ويستخدم نوع الخط “Alvi Nastaleeq” وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالأردية، ويستخدم نوع الخط “Times New Roman” وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالإنجليزية ولغات أخرى.
٩. يتضمن قائمة المصادر المرتبة وفق الحروف الأبجدية ما يلي:  
✓ فيما يتعلق بالكتاب والمقالة: لقب واسم الكاتب. (تاريخ النشر). عنوان (بخط غامق). اسم المترجم. الطبعة. مكان النشر: اسم الناشر.
١٠. تدرج التوثيق المرجعية في النص الأصلي على النحو الآتي (اسم المؤلف، تاريخ النشر: الصفحة).
١١. تدرج التوثيق التوضيحية في هامش الصفحة نفسها ككتابة المفردة باللاتينية وشرح المصطلحات وغيرها.
١٢. على كاتب أو كاتبات المقال إرسال أبحاثهم إلى معاونية البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة عبر هذا العنوان: “[research@mou.ir](mailto:research@mou.ir)” مزودة بالمعلومات: الاسم واللقب والمستوى العلمي والعنوان المقالة.

١٣. نظرا لتنوع لغات المجلة يمكن للباحثين الأعضاء إرسال مقالاتهم إلى مكتب المجلة بإحدى اللغات التالية: الفارسية والعربية والأردية والإنجليزية والفرنسية والتركية والأذرية...  
١٤. يتعين على أمانة سر المجلة إرسال نسخة من المجلة الإلكترونية- بعد نشرها- إلى كاتب أو كتّاب المقال عبر البريد الإلكتروني.

## كلمة المشرف العام

مجلة “PURE LIFE” سوف تظل نافذة إلى حياة الإنسان الأبدية، تهدف جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة بوصفها داعية الإنسان الأرضي إلى معرفة التعاليم الإلهية لبناء حياة جديدة من خلال ما أودعه الله فيه من علم ولتجلب له السكينة الدنيوية والسعادة الأخروية معا.

“PURE LIFE” هي فرصة للباحثين وخريجي الجامعات لبسط معلوماتهم العلمية المعرفية عبر الفضاء الإلكتروني على نطاق واسع وإسقاط المعارف الدينية على مختلف شؤون الحياة البشرية.

على أمل أن تسطع أنوار هذه النافذة أكثر فأكثر في ظل جهود الباحثين عن نور المعرفة.

## كلمة رئيس التحرير

البحث العلمي هو بمثابة شريان الحياة في مجال المعرفة والبصيرة والذي يمكن أن يُحفَّزَ- في ديناميَّتها- النموَّ والتوسَّعَ لحدود العلم والمعرفة ويؤدي إهمال هذا المجال إلى ركود المعرفة بل موتها في نهاية المطاف، فإن الجهل هو أول آثار التخلي عن البحث كما نشهد اليوم كارثة الجهل العصرية التي ظهرت جراء فقدان البحث القويم في مختلف المجالات. ثم يتمُّ توسيع حدود المعرفة من خلال البحوث بوصفها حائزة على مكانة مرموقة ضمن الأنشطة البشرية اليوم، فإن التحقيق في مجال العلوم الإنسانية والإسلامية يمكن الباحث من فهم المشكلات والقضايا الإنسانية كما يوفر لها حلولاً عملية. والتطور المتزايد في المجال المعرفي يفرض علينا الدخول في المجالات العلمية أكثر فأكثر، فالآن العديد من مجالات المعرفة الإسلامية هي بحاجة إلى الشرح والعرض على نطاق عالمي.

“PURE LIFE” هي مجلة طلابية تحاول إعداد أرضية لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفی ﷺ المفتوحة وتحسين مستوى البحوث الطلابية المتعلقة بالعلوم الإسلامية كما هي تعد أرضية مناسبة لتطوير العلاقات بين الباحثين في مجال العلوم الإسلامية- الإنسانية.

“PURE LIFE” هي مجلة فصلية، متعددة اللغات، إلكترونية-تخصصية، أما عنوان هذا العدد فهو: «الدين والمصائب الطبيعية؛ الفرص والتحديات مع التركيز على فيروس كورونا (٢)» وهو يتكون من سبع مقالات باللغات الثلاثة (الفارسية والعربية والأذرية) حيث قامت بها معاونية البحوث في جامعة المصطفی ﷺ المفتوحة.

يتمُّ إصدار مجلة “PURE LIFE” برعاية لجنة نشر الكتب في جامعة المصطفی ﷺ العالمية ووزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي في إيران بصفتها أول مجلة علمية في جامعة المصطفی ﷺ المفتوحة وهي مستعدة لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفی ﷺ العالمية.

# السياسة والحكم في الإسلام

الكاتب: مالك مهدي خلسان (أمريكا)<sup>١</sup>

قبول: ١٤٣٩/٠٣/١١

استلام: ١٤٣٨/٠٧/٢٤

## المستخلص

نتعرض في هذا البحث إلى النظام السياسي في الإسلام والمتمثل في حاكمية الله وصلاحيته للتشريع وتعرض إلى أهم النقاط التي نفترق فيها مع بقية المذاهب من ناحية إمتداد حاكمية النبوة والإمامة إلى المرجعية الدينيه في عصر الغيبة لبناء الدولة الإسلامية والدعوة العالمية وأيضاح النقاط الرئيسيه من النص والاجتهاد والعصمة والأدله على ضرورتها تمهيدا لتصدير الثورة الإسلامية إلى العالم أجمع. من البديهي بانه لا يوجد انفصال بين السياسة والدين، وهناك بعض الاختلافات في العقيدة التي نتبناها لذا مما لا يخفى اننا نعرض مفهوم النظام السياسي في الاسلام وفق مذهب أهل البيت عليه السلام ولا نتجاهل آراء وعقائد المذاهب الاخرى، لكن ينبغي ان نطرح نقاط الاختلاف في العقيدة أقصد النقاط الاساسية التي يتبناها مذهبنا وهي: الاعتقاد بالنص دون الاجتهاد بالرأي في تطبيق التكليف، وبطريقة التقليد لتنفيذ الاحكام الشرعية، وتطبيق الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، واعتقادنا في خلافه التي نعتقد بأنها بالنص من الله تعالى، لاننا نعتقد بعصمة النبي صلى الله عليه وآله وعصمة الائمة عليهم السلام من بعده، ولا شك ان العصمة لا يعلمها الا الله، اذن فيقتضي النص لان الباري عز وجل هو الوحيد العالم بعصمة الانسان من الخطأ، لذا قمنا بطرح الادلة على صحة اعتقادنا المذكورة لاجل ان نبين ان الفقهاء والمرجعيه هم امتداد للتشريع وتطبيق حاكمية الله في الارض وتصدير الثورة الاسلامية.

الكلمات المفتاحية: النظام، السياسة، التقنين، الحاكمية، الإسلام

١. ماجستير فرع التفسير وعلوم القرآن، اللجنة القرآن والحديث، كلية علوم القرآن، جامعة المصطفى صلى الله عليه وآله

المفتوحة، قم، إيران، [amner.5@hotmail.com](mailto:amner.5@hotmail.com)

## النظام السياسي في الإسلام

يعتبر الرسول ﷺ أول من أسس دولته في المدينة مستندا الى الشورى وعدم الاستبداد، وقام في الامور الداخلية والادارة العسكرية واعلان مبدا الديمقراطية ونظم الامور القضائية والمالية والسياسه الخارجية مع بقية الدول على اساس التعاون ونشر العلم والتعايش السلمي مع الاديان الاخرى واهتمامه في المعاهدات والمواثيق؛ والامامة امتداد للنبوة والمرجعية الدينية بعد عصر الغيبة تعتبر امتدادا للامامة وتحمل اعباء الرسالة الاسلامية التي وضع اساسها الرسول الاعظم ﷺ والائمة ﷺ من بعده ليسيروا نحو بناء الدولة الاسلامية.

وان ارتكاز الدولة يكون مرتكزا على ان الله تعالى مصدر السلطات جميعا وتشريع على ضوئه القوانين في بناء الدولة الاسلامية ويعتبر المرجع امتداد للائمة ﷺ وهو الممثل الاعلى للدولة والقائد على الجيش وهو من يرشح الافراد لنصب رئاسة السلطة التنفيذية ويعتبر مجلس الشورى الاسلامي مجلس الحل والعقد والارتكاز الاخر: دور الامه (الشعب) وهو اسناد السلطة التشريعية والسلطة التنفيذية اليه، لهذه الامة لانها صاحبة الحق في ممارسة هذين السلطتين ضمن الدستور الاسلامي الذي يركز على القرآن الكريم كدستور تستمد منه التشريعات والقوانين وهي خلافه الله في الارض لتحقيق اهداف الاسلام على المستوى العالمي لجميع افراد الامة.

سياسة الاسلام تبني على المحبة والسلام والرحمة والتسامح والاحسان ونبذ العنف والارهاب واخترام الرأي الاخر وتمنح الحريات المشروعة في ميادين الحياة المختلفة وعلى الصعيدين الفردي والاجتماعي ومنح مجال الحوار البناء وفق مبدأ (لا اكراه في الدين) واسلوب الدعوة بكل ما تقتضيه لبحكمة والموعظة الحسنة.

ان الدولة تعني الامة الحكومة القادرة على حفظ استقلال الامة، والوطن عبارة عن الاقليم الجغرافي المحدود الذي يدخل ضمن حماية الدولة، والشرعية حصول الدولة على الاعتراف بها من قبل دول العالم باعتباره المصدر لشرعيتها بين دول العالم لتتمتع بما تتمتع به غيرها من الادول والعلاقات السياسية والثقافية والعلمية.

## صلاحية التشريع

ان وضع القوانين وسنها وتقنينها يلزم معرفه تامه والاحاطة الكاملة بمعرفة ذات الاشياء، وماهيتها وكذلك صفات الاشياء وخواصها، وصلاحية وضع القوانين تقتضي الغنى التام وعدم الحاجة وامكانيه خلق كل شيء واحداثه.

اما الاحاطة التامه، فالذي لم يكن له علم بذات الشيء وصفاته وخواصه لا يتمكن من معرفة الصلاة والعلاقات بين هذه الموجودات بعضها ببعض، فاذا لم يكن على معرفه بطبيعته العلاقات بعضها ببعض لا يتمكن من وضع قانون او نظام.

في حياتنا اليوميه حينما نقبل الى شراء كومبيوتر او اي اله اخرى، نطلب من البائع الدليل او كتيب التعليمات كي نعرف كيفيه الاستفادة من الجهاز الذي نستخدمه، فمن هو الذي وضع هذا الكتاب وتعليماته.

هل بامكان احد ان يضع دليل الاستعمال بدون ان يعرف قطع هذا الجهاز لغرض استعماله؟ فلا يمكن لمن ليس عنده معرفه ان يضع الدليل والتعليمات والقوانين، وبما ان صانع الجهاز مفتقر الى نقودك ومحتاج اليك لكي تشتري ادوات احتياطيه للجهاز او السيارة أو الكومبيوتر فلا يكون صادقا معك، فبدلا من ان يوجهك الوجهه الصحيحه كي يتم معك الجهاز سنوات دون ان تشتري قطع غياراخرى لاصلاحه.

فيضع تعليمات وقوانين تتبعها لمصلحته، وحاجته كي يبقى معك اقل فتره ليعطل كي تشتري قطع احتياطيه ليستفيد منك، وخوفه من المنافسين ان يكشفوا سر جهازه فلا يكون امينا معك في تعليماته، كذلك الحال للمشرعين العرفيين والمحتاجين.

اما الله سبحانه تعالى والغني والذي عنده اطلاع تام عن مخلوقاته وما تحتاجه في حياتها «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ». (الملك، ١٤)

## الحاكمية لله

من الواضح لمن تطلع الى الايات القرانيه فانه سيجد ان الولاية والحاكمية في منطق القرآن الكريم لله تعالى وحده، ولا يحق لاي احد ان يحكم عباده دونه، ولا شرعية

لحاكمية الآخرين الا اذا كانت مستمدة من الولاية الحاكمة الالهية وقائمة بامره تعالى، والا فسيكون الحكم طاغوتيا لا يتصف بالشرعية مطلقا ولا يقره القرآن.

اما حق التقنين والتشريع هو الآخر مختص بالله تعالى وحده في نظر القرآن الكريم، وليس لاحد حق التقنين والتشريع وسن قوانين الحياة البشرية والاحكام دونه، والتقنين نوع من الامور الاعتبارية والجعلية العقلانية.

من هنا تتجلى صيغة الحكومة الاسلامية ونظام الحكم في الاسلام، فلا تكون الحكومة الاسلامية من قبيل حكم الفرد على الشعب، ولا من نمط حكم الشعب على الشعب على اطلاقه، بل هي حكمه الله على المجتمع، بواسطة المجتمع نفسه اي حكمه القانون الالهي على المجتمع.

السلطات الثلاث التشريعية، والقضائية، والتنفيذية محترمة في نظر الاسلام الا ان مهمة السلطة التشريعية ليست الا التعريف بالقانون وفق موازين الشريعة الاسلامية، وليس سن القوانين كما بينا لان حق التشريع لله وحده، وهو الذي سن جميع ما يحتاجه البشر من قوانين، وابلغها عن طريق الانبياء والمرسلين.

وكما هو واضح ان النظام السياسي في الاسلام يكون من الاعلى الى الاسفل، عكس ما هو عليه الانظمة التي تعتمد على الاحكام العرفية.

وكما نعلم في الحكم الديموقراطي يكون الحكم للشعب وفي الحكم الدكتاتوري يكون الحكم للفرد وفي الحكم الاسلامي يكون الحكم لله تعالى وفي الدولة الاسلامية يكون الرئيس هو الحاكم الشرعي والمجتهد المطلق، وله الولاية الشرعية ودستور الدولة هو القرآن الكريم اي ما يستنبط من نصوص من القرآن الكريم، والسنة الشريفة على هدي الاجتهاد الشرعي ووسائله المعروفة، والسلطة التشريعية يقودها الفقيه العدل تحت اشراف الفقيه الاعلم (رئيس الدولة)، اما السلطة التنفيذية تكون للامناء من ابناء الامة، الذين تتوفر فيهم امكانيات القيام بمسؤولية التنفيذ وضماناته الشرعية، اما السلطة القضائية فتعود الى الفقهاء ايضا ويرجع امر تعيينهم الى رئاسه الدولة. (الفضلي، ١٣٩٩)

## السرطان لابد من استئصاله

ماذا عن الحكومة الاسلامية، وكيف نقوم بصد الموانع التي تواجهها، وما هي الاجراءات التي يحب اتخاذها أزاء ذلك لكي نتغلب عليها ونقوم بمجابهتها وما هو العمل؟ هل نبقى ازاء ذلك مكتوفي الايدي، وماذا يجب بالتحديد ان نقوم به لاستئصال جذور العقبات التي تتمثل بالمرض الخبيث كالسرطان في قلب هذه الامه وينبغي من استئصاله، لكن كيف؟

من الامور الايجابيه والجادة التي يجب ان نتطلع اليها هي نظرتنا الى العلماء، قال الامام الصادق (عليه السلام):

«يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَتَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَاتِّحَالَ الْجَاهِلِينَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خُبَثَ الْحَدِيدِ».

(المجلسي، ١٤٠٣، ج ٢٢: ٩٣)

ويقول الامام الجواد (عليه السلام):

«وَالْعُلَمَاءُ فِي أَنْفُسِهِمْ خَانَةٌ إِنْ كَتَمُوا النَّصِيحَةَ إِنْ رَأَوْا تَائِهًا ضَالًّا لَا يَهْدُونَهُ أَوْ مَيِّتًا لَا يُحْيُونَهُ فَيُسَّ مَا يَصْنَعُونَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي الْكِتَابِ أَنْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَنْ يَنْهَوْا عَمَّا نُهِوا عَنْهُ وَأَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». (الكليني، ١٤٠٧: ٥٤)

لا يخفى ان على العالم ان يبدي علمه والفقهاء يبدي مجابته ومقاومته ومقاتلته للحاكم الظالم، والعالم بالكتابه والرد على المقالات الباطلة.

قال تعالى:

«اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى». (طه، ٢٤)

فالعالم الفاسق لا يهيمه ما يجري على الامه الاسلاميه من ويلات فيسكت عن الحق ولا يتفوه بكلمه ويعلم جيدا ان عليه فضح العلماء الفاسقين والقادحين بالقول، ومجابهتهم وفضحهم كي لا يضلوا العباد عن الطريق السوي.

قال تعالى:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

(ابراهيم، ١٤)

اي قيمه نراها لشجرة لا تثمر، والى علم لا ينتفع به، والى عالم بلا عمل، يقف صامتا وكأنه غير موجود وتمر امامه الاحداث وكأنه لا يدري بشيء.

### شروط الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

١. ان تعرف المعروف وتعرف المنكر ولو اجمالا فلا يجب الامر بالمعروف على الجاهل به ولا يحب النهي عن المنكر على الجاهل به، نعم يجب التعلم مقدمه للامر بالاول والنهي عن الثاني.
٢. احتمال اتمام المأمور بالمعروف بالامر وانتهاء المنهي عن المنكر بالنهي، فلو علم انه لا يبالي ولا يكثر بهما فالمشهور بين الفقهاء انه لا يجب شيء تجاهه.
٣. ان يكون تارك المعروف او فاعل المنكر بصدد الاستمرار في ترك المعروف وفعل المنكر، ولو عرف من الشخص انه بصدد ارتكاب المنكر او ترك المعروف ولو لمرة واحده وجب امره او نهيه قبل ذلك.
٤. ان لا يكون فاعل المنكر أو تارك المعروف معذورا في فعله للمنكر او تركه للمعروف لا اعتقاد ان ما فعله مباح وليس بحرام او ان ما ارتكبه ليس بواجب. نعم، اذا كان المنكر مما لا يرضى الشارع بوجوده مطلقا كقتل النفس المحترمه فلا بد من الردع عنه، ولو لم يكن المباشر مكلفا فضلا عما اذا كان جاهلا.

٥. ان لا يخاف الامر بالمعروف والنهي عن المنكر ترتب ضرر عليه في نفسه أو عرضه أو ماله بالمقدار المعتد به، ولا يستلزم ذلك وقوعه في حرج شديد لا يحتمل عادة الا اذا أحرز كون فعل المعروف أو ترك المنكر بمثابة من الاهمية عند الشارع المقدس يهون دونه تحمل الضرر والحرج كخوف الاضرار ببعض المسلمين في نفسه أو عرضه أو ماله بالمقدار المعتد به سقط وجوبه.

هذا هو مبدأ الاسلام في التعامل مع المسلمين، وان لا يتدخل أي انسان بفعل سواء كان أمرا بمعروف أو نهيا عن منكر، دون معرفته بما أمر الله تعالى من تعاليم وشروط في نصح الناس بالترك أو في أمرهم بالفعل قبل تطبيق هذه الشروط، وليترك الامر للعارفين ان كان جاهلا وأن لا يتحمل ذنوبا يتصور بانه يكسب على ثواب، ويقوم بأذية أخيه المسلم ويتجنى عليه عن جهل.

### كلام للإمام علي عليه السلام في ذم الاختلاف العلماء في الفتيا

«تَرَدُّ عَلَى أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بِعَيْنِهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاةُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْأِمَامِ الَّذِي اسْتَقْصَاهُمْ فَيَصَوِّبُ آرَاءَهُمْ جَمِيعاً وَالْهَيْئُ وَاحِدٌ وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَكِتَابُهُمْ وَاحِدٌ أَفَأَمْرُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى سُبْحَانَهُ بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِيناً نَاقِصاً فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِيناً تَاماً فَقَصَرَ الرَّسُولُ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَائِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَفِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ تَبْيَانٍ لِكُلِّ شَيْءٍ وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافاً كَثِيراً وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُصِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ».

(نهج البلاغة، الخطبة ١٨)

الشرح: الأنيق المعجب وآتقني الشيء أي أعجبنى يقول لا ينبغي أن يحمل جميع ما في الكتاب العزيز على ظاهره فكم من ظاهر فيه غير مراد بل المراد به أمر آخر باطن والمراد الرد على أهل الاجتهاد في الأحكام الشرعية وإفساد قول من قال كل مجتهد مصيب و تلخيص الاحتجاج من خمسة أوجه:

١. أنه لما كان الإله سبحانه واحدا والرسول واحدا والكتاب واحدا وجب أن يكون الحكم في الواقعة واحدا كالملك الذي يرسل إلى رعيته رسولا بكتاب يأمرهم فيه بأوامر يقتضيها ملكه وإمرته فإنه لا يجوز أن تتناقض أوامره ولو تناقضت لنسب إلى السفه والجهل.
٢. لا يخلو الاختلاف الذي ذهب إليه المجتهدون إما أن يكون مأمورا به أو منهيًا عنه:

- الأول باطل لأنه ليس في الكتاب والسنة ما يمكن الخصم أن يتعلق به في كون الاختلاف مأمورا به.
- الثاني حق ويلزم منه تحريم الاختلاف.
- ٣. إما أن يكون دين الإسلام ناقصا أو تاما فإن كان الأول كان الله سبحانه قد استعان بالمكلفين على إتمام شريعة ناقصة أرسل بها رسوله إما استعانة على سبيل النيابة عنه أو على سبيل المشاركة له وكلاهما كفر وإن كان الثاني فإما أن يكون الله تعالى أنزل الشرع تاما فقصر الرسول عن تبليغه أو يكون الرسول قد أبلغه على تمامه وكماله فإن كان الأول فهو كفر أيضا وإن كان الثاني فقد بطل الاجتهاد لأن الاجتهاد إنما يكون فيما لم يتبين فأما ما قد بين فلا مجال للاجتهاد فيه.

٤. الاستدلال بقوله تعالى: ما فرطنا في الكتاب من شيء وقوله تبياناً لكل شيء وقوله سبحانه ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين، فهذه الآيات دالة على اشتغال الكتاب العزيز على جميع الأحكام فكل ما ليس في الكتاب وجب ألا يكون في الشرع.

٥. قوله تعالى: وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ إختِلَافًا كَثِيرًا فجعل الاختلاف دليلا على أنه ليس من عند الله لكنه من عند الله سبحانه بالأدلة القاطعة الدالة على صحة النبوة فوجب ألا يكون فيه اختلاف.

واعلم أن هذه الوجوه هي التي يتعلق بها الإمامية ونفاه القياس والاجتهاد في الشرعيات.

### الدلة على عصمة الأنبياء ﷺ

١. انه لو انتفت العصمة لم يحصل الوثوق بالشرائع والاعتماد عليها فان المبلغ اذا جوزنا عليه الكذب وسائر المعاصي جاز أم يكذب عمدا أو سهوا أو يترك شيئا مما أوحى اليه أو يأمر نت عنده فكيف يبقى اعتماد على قوله.
٢. انه ان فعل المعصية فاما ان يجب علينا اتباعه فيها فيكون قد وجب علينا فعل ما وجب تركه واجتمع الضدان وان لم يجب انتفت فائدة البعثة.
٣. انه لو جاز أن يعصي لوجب ايذاؤه والتبري منه لانه من باب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر لكن الله نص على تحريم ايذاء النبي فقال: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا». (الأحزاب، ٥٧)
٤. انه يلزم نعصيانه سقوط محله ورتبته عند العوام فلا ينقادون الى طاعته فستنتفي فائدة البعثة.
٥. انه يلزم ان يكون أدوت حالا من آحاد الامة، لان درجة الانبياء في غاية الشرف وكل من كان صدور الذنب عنه أفحش كما قال تعالى: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُصَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا». (الأحزاب، ٣٠) والمحصن يجرم وغيره يحد وحد العبد نصف حد الحر والاصل فيه أن علمهم بالله أكثر وأتم وهم مهبط وحيه ومنازل ملائكته، ومن المعلوم ان كمال العلم يستلزم كثرة معرفته

والخضوع والخشوع فيتنافى صدور الذنب، لكن الاجماع دل على ان النبي ﷺ لا يجوز ان يكون أقل حالا من آحاد الامة.

٦. انه يلزم أن يكون مردود الشهادة لقوله تعالى: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ

فَتَبَيَّنُوا»؛ (الحجرات، ٦) فكيف تقبل عموم شهادته في الوحي وأحكام الله تعالى ويلزم ان يكون أدنى حالا من عدول الامة وهو باطل بالاجماع.

٧. انه لو صدر عنه الذنب لوجب الاقتداء به لقوله: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ»؛

(آل عمران، ٣٢). «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (الأحزاب، ٢١).

«إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ (آل عمران، ٣١). والتالي

باطل بالاجماع والا لاجتمع الوجوب والحرمة.

٨. انه لو لم يكن معصوما لانتفى الوثوق بقوله ووعدته ووعيدته فلا يطاع في

أقواله وأفعاله فيكون أرساله عبثا.

٩. انه لو لم يكن معصوما لكان محل انكار ومورد عتاب كما في قوله تعالى:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ (البقرة، ٤٤). وقوله تعالى: «يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ»؛ (الصف، ١٣). فيجب أن يكون مؤتمرا بما يأمر به منتهيا عما

ينهى عنه.

١٠. انه لو كان يخطيء لاحتاج الى من يسدده ويمنعه عن خطئه وينبئه على

نسيانه فاما ان يكون ذلك معصوما فيثبت المطلوب أو غير معصوم فيتسلسل.

١١. امه يقبح من الحكيم أن يكلف الناس باتباع من يجوز عليه الخطأ فيجب

كونه معصوما ولانه يجب صدقه اذ لو كذب والحال أن الله أمرنا بطاعته

لسقط محله عن القلوب فتنتفي فائدة بعثته.

## فى وجوب النص على الإمام المعصوم

قال: والعصمة تقتضى النص وسيرته أقول، ذهبت الامامية الى ان الامام يجب أن يكون منصوباً عليه والدليل عليه وجهان:

١. انا قد بينا انه يجب ان يكون الامام معصوما والعصمة أمر حتمي لا يعلمها

الا الله تعالى فيجب ان يكون نصبه من قبله تعالى لانه العالم بالشرط دون غيره.

٢. ان النبي ﷺ كان أشفق على الناس من الوالد على ولده حتى انه أرشدهم

الى أشياء لا نسبة لها الى الخليفة بعده كما ارشدهم فى قضاء الحاجة الى

أمر كثيرة مندوبة وغيرها والوقائع.

ثم قال: العصمة والنص مختصان بعلي للنص به فى قوله سلموا عليه بأمره

المؤمنين وانه الخليفة بعدى. وقوله تعالى: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (المائدة، ٥٥) واجتمعت

الافصاف فى علي عليه السلام ولحديث الغدير المتواتر. (الحلي، ١٤٠٨: ٢٤١)

## رابط العقيدة

قال الشيخ أحمد الوائلي فى أحد محاضراته ما نصه: «الرابط الثانى من بعد الرابط

الانسانى هو الرابط العقائدى، ما هو الرابط العقائدى:

انى انا مسلم ارتبط بمسلم بغض النظر ان هذا المسلم يتفق معى بالرأى أو

يختلف معى بالرأى، بغض النظر عن ذلك لماذا:

اذا كان الاتفاق والاختلاف عن علم أرحب به لانه جاء عن ظاهرة سليمة ظاهرة

صحيحة، ان الانسان يختلف مع الانسان الاخر بالدليل، لكن هنالك خلاف يملئه

الهُوى ويملئه التعصب وتملئه العقيدة ومع ذلك هذا لا ينبغي ان يكون قادح انك لا

تتصور ان الانسان ملك الانسان ابن ادم عنده حسد عنده حقد عنده انانية عنده التفرد

بالكمال انت عندما تتعامل مع انسان لا تتصوره ملك يا اخي احمله على خيره وشره ما

دام مسلم يقول أشهد لا اله الا الله ويشهد ان محمدا رسول الله المسلم اخو المسلم

فهو مسلم توجد رابطة تربطني تشدني اليه هذا انا مسؤول ان احفظ غيبته واحفظ حضوره واستر عورته واشير عليه بالرأي الناصح واسدده وانا اتكلم من منطلق الاسلام، وليس من منطلق المسلمين، الاسلام هذه نظرياته، التطبيقات ما هي مع الاسف احيانا تصل الى أحد يقول:

الحمد لله الذي لا يوجد ولا شيعي واحد، يحمده الله وكأن الشيعي نجاسة (هؤلاء الذين ينهشون ويبيعون ويشترون في لحم المسلم الاخر لا يهمني) لكن المسلم المنطلق من منطلق لا اله الا الله الذي يضلله لواء لا اله الا الله يقول:

المسلم اخي دمه دمي وعرضه عرضي وكرامته كرامتي اذا خالفني بالرأي لا يهمني فليخالفني بالرأي هو منطلق من هنا وانا منطلق من هنا انا في رأيي اصوب منه وهو في رايه اصوب مني لا احد يتصور نفسه على خطأ ويسير على ذلك الخطأ كل واحد يعتقد انه على صواب متى ما كانت توجد موضوعية عند المسلم احترم المسلم الاخر، توجد رابطته، رابطته العقيدة افترضها الاسلام تأتي راسا من بعد رابطة الانسانية هذه الرابطة يرتب الشارع عليها التزامات وهي:

اولا ان المسلم اخو المسلم يتكافأ دمه وماله وعرضه سنذكر ذلك في باب الكفانة وأبين مع شديد الاسف انحراف المسلمين عن منطلق النظريات الاسلامية وعن مدلول النظريات الاسلامية وهذا هو الذي يجعل كل واحد عنده غيره على امته كل مسلم يدعو الى تصحيح مساراتنا تصحيح طرقنا ينبغي ان نعرف ان معيننا واحد هو القرآن الكريم منبعنا واحد المشرب واحد انت تختلف انت تأخذ باناء وانا اخذ باناء والمنبع واحد تعدد الاناء لا يغير وحدة المنبع الواقع ان هذا الجانب هذا الرابط مهم جدا لماذا لان هذا الرابط واعى جاء عن عقيدة انا عندما ارتبط في اهل لا اله الا الله لان في تصوري وفي رأيي أن أصحاب لا اله الا الله هم الرأي الاصوب وهم الطريق الامثل اذن الرابط الذي يشدني ما جاء الاسلام دقق فيه لان الاسلام عملي قال لك ولا تقولن لمن ألقى اليكم السلام لست مؤمنا تبتغون عرض الحياة الدنيا اذا احدا قال لك قال لك:

«أشهد ان لا اله الا الله وأشهد ان محمدا رسول فقد حقن دمه وماله وعرضه التفاصيل اتركها له هو يتحمل مسؤوليتها».

[https://www.youtube.com/watch?v=nsg\)8JV1OF8I](https://www.youtube.com/watch?v=nsg)8JV1OF8I) فيديو في اليوتيوب عن حق المسلم على المسلم)

### حقيقة تصدير الثورة الإسلامية

مع الاسف الشديد ان اغلب الذين لم يطلعوا على حقيقة شعار تصدير الثورة الاسلامية، يتصور بانه محاوله خاطئه لاستغلال الاسلام وزجه بالسياسه وتوجيهه وجهه غير صحيحه او وجهه توسعيه او احتلال الدول الضعيفه او نشر الارهاب والحروب، واجبار الشعوب الى الايمان بدين الاسلام وفرض افكاره بالقوة او انهم يعتقدون بانه محاوله لاستعادة الفتوحات الاسلاميه او تكوين امبراطوريه لاحتلال العالم، والمخاوف تكون اسوأ من ذلك، والحقيقه مختلفه تماما عن هذه الافكار، لا شك ان الدين والسياسه لا ينفك احدهما عن الاخر، ولكن تصدير الثورة ليست بالمنظار الذي يتصورونه، لانها دعوه للتحرر من الهيمنة للقوى العالميه الكبرى سواء الشرقيه منها او الغربيه واعلان شعار «لا شرقيه لا غربيه جمهوريه اسلاميه».

لنشر الاسلام في كل مكان، لان الثورة الاسلاميه ثوره عالميه ولا اجبار على الاطلاق، بل تشر عن طريق الهدايه والتبليغ، وهنا لا بد من ارضيه لظهور المنقذ للبشريه وبناء هذه الدوله التي بشر بها خالق الكون.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ\* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ». (الأنبياء، ١٠٦-١٠٥)

وقال تعالى:

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (التوبة، ٣٢)

أن الهدف هو نشر العدل في كل مكان في العالم، وإزالة الحجب عن وجه الدين الإسلامي ليعم نوره كافة أرجاء العالم.

إن معنى تصدير الثورة ليس أن تكون امبراطوريه تغزو العالم كما يظن الجاهلون أو أنه احتلال لدول العالم الغير اسلاميه، والتي لا تعتنق الاسلام او هي اشهار السيوف والاسلحه على الآخرين.

كلا، الحقيقة خلاف ذلك لاننا نفكر في تصدير افكارنا وثقافتنا الاسلامية الى بلدان العالم الذين من حقهم ان تحل فيهم هذه الثقافه على نطاق اوسع لاجل ايقاظ وتوعية الشعوب لتشهد بلدانهم الايمان، وتوعيه شعوب العالم لقطع ايدي القوى العظمى عن ثروات المسلمين، واستيقاظ الشعوب بانقاذ نفسها مما تعانيه من هيمنة الآخرين، الذين ينهبون ثرواتهم ويضلون افكارهم.

وهذا حق مشروع كما هو الحال في شهود يهوه الفرقة المسيحية التي تتجول وتطرق ابواب البيوت في الغرب وتشر الافكار المسيحية، وتشر افكارها من خلال الكتب، والنشرات، والاعلام، والمحطات التلفزيونيه وكافه الوسائل دون اي معارض او اي اتهام يوجه اليها.

فما هي الوسيلة والطريق الصحيح؟ طبعا كما بينا بان الاعلام عنصر مهم من عناصر تصدير الثورة الاسلامية وذلك ببذل الجهود للتعريف بالاسلام على حقيقته، بواسطة وسائل الاعلام المسموعه والمقروءة وهي مسؤوليه عظيمه تقع على عاتقنا، وذلك عن طريق الهداية والارشاد والاستحواذ على قلوب الناس لنشر التعاليم وتحقيق الاهداف بايصال صوتنا الى اسماع العالم اجمع من الشرق الى الغرب.

وليس عملنا هو تطبيق الاسلام في بلادنا فحسب، بل السعي على نشره الى ارجاء المعمورة، وذلك بوحدة الكلمة نستطيع حمل راية الاسلام ترفرف في كل مكان. وما علينا الا السعي في توجيه العاملين في السفارات في كافه ارجاء العالم وتكليفهم بالسعي الى جعل اماكنهم قاعده للاتصال، والتعامل الاخلاقي لانجاز التغير ونشر

الطابع الاسلامي والاخلاقي والتجسيد العملي للتعاليم الاسلامية وذلك؛ بترقيه افعالنا وسلوكياتنا للعالم من خلال النشاط الفكري، والثقافي، والاخلاقي.

وكذلك تقع المسؤولية على طلبه الجامعات في كافة ارجاء العالم والمشاركة في الصحف والمجلات الاجنبية، والبرهنة على أحقية الثورة الاسلامية بان تنشر افكارها كما هو الحال لبقية الاديان، وليس الاقتصار على الطلبة فقط، بل كافة العاملين في الخارج والمتواجدين هناك.

سواء السواح الداهيين الى دول الغرب او العاملين، والعمل على توجيههم الى طرق واساليب الدعوة، والتبليغ لهذه الدعوة العالمية وتصديرها بالاخلاق، والعمل الصالح وبث الافكار النيرة في كافة المجالات: الاقتصادية والاجتماعية والفكرية وتجسيد العقائد الحققة التي نتبناها والتصرف بنحو يلفت انظار الآخرين، سواء كانوا أجنب أم كانوا يحملون افكارا لاديان اخرى.

ومحاولة الرد على كافة الدعايات التي تشنها الاجهزة الغربية وعملائها امثال ياسر حبيب وغيره.

فلا بد من الدفاع عن الاسلام وايضاح الامور لكافة شعوب العالم والرد على كل الحملات الاعلامية، والعمل على اطلاع شعوب العالم على حقائق الامور، والعمل باقصى الجهود الى ايصال صوت المظلومين والمضطهدين، وما عانوا من ويلات من الاستعمار، والهيمنة الغربية وفضح مؤامراتها.

وينبغي العمل على ارسال الوفود الى بقية البلدان لتتوير اذهان الشعوب والتعريف باهداف الاسلام الحقيقية، وكسب الاعلام العالمي الى جانبنا لان القيم الانسانية لا بد من ان تعرف وتثير مشاعر الآخرين، وتجسيد القيم الاخلاقية للدين بالافعال، والسلوكيات، والتعامل عن طريق الدعوة سواء كانت من الخارج ام من الداخل وذلك بتوجيه السواح وكسب ثقتهم في افكارنا السامية والعمل على توسعه الاعلام من الداخل والخارج.

والقيام بكافة الوسائل لدعم الوحدة والمحافظة عليها من خلال صد جميع الثغرات التي يدسها الاستعمار من خلال عمالته من الداخل وزجهم في قلب الامة الاسلامية فالواجب التصدي لهؤلاء العملاء المندسين في صفوف المسلمين، امثال ياسر حبيب وغيره ممن يحاولون اثارة الفتن الطائفية وتشكيل جبهة تقف امام الوحدة الاسلامية وتشتت شملها، وان تبدي للعالم حسن نواياها في العمل على اصلاح العالم وما يعانيه من محن ومصائب ومعاناة ونزع الهيمنه من كاهه ارجاء العالم ونشر العدل الالهي من خلال وحدة الكلمة والتحرك نحو الاهداف والحث على الثورة وتحفيز كل المستضعفين في الارض في الاعتماد على انفسهم واستغلال ثرواتهم بانفسهم وتحريرها من قبضة القوى العظمى والوقوف بوجه كل من يكون عائقا في وجه التقدم والوحدة الاسلامية والعمل على الدخول الى كاهه الدول الاسلاميه وتوعيتها لتكون نواة حقيقية وبذرة كي تثمر انوار العدالة واضائة نور الاسلام للعالم اجمع.

### الإستنتاج

- أن الامامة أمتداد للنبوة والمرجعية الدينية بعد عصر الغيبة تعتبر أمتداد للامامة.
- ان النص هو الذي نتبناه في العقيدة دون الاجتهاد بالرأي.
- ان العصمة للانبياء والائمة تقتضي النص لان لا أحد يعلم بها الا الله.
- ان النظام السياسي يرتكز على حاكمية الله وصلاحيه التشريع لا تكون الا اليه.
- ان تصدير الثورة الاسلاميه هي الوسيله لنشر الفكر الاسلامي بالحكمه بالموعظه الحسنه.

### قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. نهج البلاغة.
٣. الاراكي، محسن (١٤٢٥). نظرية الحكم في الإسلام. قم: مجمع الفكر الإسلامي.
٤. ابن ابي الحديد، عبد الحميد (١٤٢٨). شرح نهج البلاغة. بيروت: دار الكتاب العربي.

٥. الإسكندري، مجتبى. والكاشاني، حسين (١٤٣٣). **الحاكمية بين النص والديمقراطية: تقريراً لأبحاث الشيخ محمد السند**. مطبعة الأميرة.
٦. الحلبي، ابومنصور جمال الدين حسن (١٤٠٨). **كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد-الخواجة نصير الدين الطوسي**. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٧. الخليل، جواد جعفر (١٤٠٩). **الحكومة العالمية المثلى**. بيروت: دار الأنواء.
٨. شير، السيد عبدالله (١٤١٨). **حق اليقين في معرفة أصول الدين**. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٩. الشيرازي، السيد محمد أسحاق (١٤٢٠). **أول حكومة اسلاميه في المدينة المنورة**. مطبوعات ديوانيه الإمام.
١٠. الصدر، السيد محمد باقر (١٤٠٣). **الإسلام يقود الحياة**. الطبعة الثانية. تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
١١. الفضلي، عبدالهادي (١٣٩٩). **الدولة الإسلامية**. بيروت: دار الزهراء.
١٢. القبانجي، السيد صدرالدين (١٤١٠). **علم السياسة تجديد من وجهة نظر إسلاميه**. بيروت: الشركة العالمية للكتاب.
١٣. الكليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧). **الكافي**. بتحقيق على أكبر غفاري و محمد آخوندی. تهران: دار الكتب الإسلامية.
١٤. المبارك، محمد (١٤٠٩). **نظام الإسلام: الحكم والدولة**. بيروت: دار الفكر.
١٥. المجلسي، محمد باقر (١٤٠٣). **بحار الأنوار**. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٦. المحامي، أحمد حسين يعقوب. **النظام السياسي في الإسلام**. لندن: مؤسسة الفجر.
١٧. المصري، أيمن (١٤٣٣). **معالم النظام السياسي الفلسفي - الإسلامي**. مركز للهدف للدراسات.





Allah-təala səni və sənin təmsalında olan bütün Azərbaycan xanımlarını doğru yola hidayət etsin və aqibətiniz xeyirli olsun!

**Mənbələr**

1. **Qurani-Kərim.**
2. **Nəhcül-bəlağə.**
3. **“Nur təfsiri”,** Muhsin Qiraəti.
4. **“Tohide Mufəzzəl”.**

Fasiqlər isə bu bəlaya tutulmaqla qürurları sınır, az da olsa, qorxuya düşür, günahdan və fəsaddan pəhriz (Əslində pərhiz) edirlər.” (Tohide Mufəzzəl, səh. 131, 132, 155)

Hicab–qadın əmniyyətinin və gözəlliyinin əvəzolunmaz sığortasıdır. Hicab–Uca Allahın qadına bəxş etdiyi rəhmət və mərhəmət örtüyüdür. Hicab–İlahi gözəlliyin nişanəsidir. İmam Sadiq (ələyhissalam) buyurur: “Gözəl geyin, zinətlən! Allah Gözəldir və gözəlliyi sevir. Lakin bu gözəllik pak və halal olmalıdır.”

Qadının gözəlliyi onun zahiri çılpəqlığında yox, əksinə onun mənəvi cazibədarlığındadır. Zahiri gözəllik-məcəzi və keçici, batini gözəllik isə həqiqi və daimidir. Özün də bilirsən ki, səndə olan bu “müvəqqəti gözəllik” çox qalmayacaq və bir gün solacaq, nəhayətdə isə çürüyəcək.

Elə isə, öz gözəlliyinlə heç zaman öyünmə! Sən çox dəyərlisən. Sən çox qiymətlisən. Dünyada heç nə və heç kim sənin qiymət və dəyərini azaltmağa qadir deyil. Ümidsizliklərin və yalançı vəsvəşələrin sənin gələcək arzularına kölgə salmağına imkan vermə!

Bil ki, sənin Gözəl Allahın var.

- Bil ki, səni Yaradanın var.
- Bil ki, sənə Məhəbbət Edən var.
- Bil ki, sənə Nəzər Edən var.
- Bil ki, sənə Ruzi Verən var.
- Bil ki, səni Qoruyan var. Bil ki...

Elə isə, dəyər və qiymətini hiss et! Xalis tövbə edərək Allaha tərəf qayıt! O, tövbələri Qəbul Edəndir. Ondan heç vaxt küsmə! O, səni bağışlayacaq. Şad və düzgün yaşamağa çalış! Bil ki, sənin dəyərin - özün, varlığın, vücudun, insanlığın və ən əsası isə HİCABINDIR.

İmam Sadiq (ələyhissalam) Müfəzzələ belə buyurur: “Əgər bir kəs səndən zəlzələnin baş vermə səbəbini soruşsa, ona belə cavab ver:

Bunlar, insanların qafil olmaması, günahlardan çəkinməsi və Allahın qüdrəti müqabilində özlərini zəif hesab etməsinə görədir. Bəziləri belə deyirlər ki, əgər dünyanın Mehriban və Rəhimli Yaradanı varsa, bəs niyə bu bəlalar və müsibətlər baş verir?

Onlar elə fikirləşirlər ki, insanlar dünyada heç bir çətinlik və bəla görməməlidirlər. Halbuki, əgər bəşəriyyət həmişə rifah içində olsa, lovğalıq, sərxoşluq və rahatlıq onları fəsada (günaha) tərəf çəkər.

Nəticədə isə aləmlərin Yaradıcısını, hətta özlərinin insan olduqlarını belə unudurlar. Həqiqət budur ki, insan çətinlik və müsibətlə üzləşəndə onun acısını dadır, moizə olunur, qəflətdən ayılır, öz vəzifələrini anlayır və bunların hamısını dərk edir.

Ey Müfəzzəl! Heç bilirsənmi, bəlaları faydasız və hikmətsiz hesab edən kəslər kimə bənzəyirlər? Onlar, acı və şəfalı dərmanlara əhəmiyyət verməyən, zərərli yeməklərdən uzaqlaşdırılanda qəzəblənən, bekarçılığı və oynamağı sevən uşaqlara bənzəyirlər.”

İmam (ələyhissalam) sözünün davamında yenə də buyurur: “Əgər səndən - nə üçün bəlalar, həm fasiqlər (Günahkarlar), həm də möminlər üçün gəlir?

deyə soruşsalar, onlara belə cavab ver: Bu bəlalara salehlərin və fasiqlərin düçar olmasına baxmayaraq, Allah-təala həmin işdə onların hər ikisi üçün mənfəət qoymuşdur. Çünki salehlər çətinliyə düşəndə Allahın keçmiş nemətlərini yada salır, Ona şükür edir və öz işlərində səbrə üstünlük verirlər.

Ayədə “fitnə törədən işlərdən çəkinmək” dedikdə, bir qırağa çəkilib guşənişin olmaq nəzərdə tutulmur. Əslində diqqət, insanın ayıq olmasına yönəldilir.

Həzrət Əli (ələyhissalam) buyurur: “Fitnələr zamanı özünüzü iki yaşlı dəvə kimi aparın; sizi nə yükləsinlər, nə də sağsınlar.” (Nəhcül-bəlağə”, hikmət 1)

- **Ayədə olan bildirişlər:**

1. Din və İlahi göstərişlərdən boyun qaçıрмаq, fitnələrin yaranması və İlahi əzabın nazil olması səbəbidir.
2. Nə fitnə törədin, nə fitnəkarlarla səs-səsə verin, nə də fitnə qarşısında susun!
3. İnsan və cəmiyyətin taleyi onların öz əməllərindən asılıdır.
4. Fərdlər öz əməllərindən əlavə, başqalarının da əməlləri üçün məsuliyyət daşıyır. Çünki bir dəstənin xilaf işi başqaları üçün də təhlükə törədə bilər. Gəmidə öz kayutunu deşən kəs, əslində bütün gəmini batırmaq istəyir.
5. İlahi əzabın şiddət və çətinliyinə diqqət, insanı zülm və günahdan çəkindirir.

Əziz Peyğəmbərimiz (salləllahu ələyhi və alihi və səlləm) buyurur: “Allah-təala iki şeyə görə bütün insanlara bəla göndərər:

- Açıq-aşkarda günahın edilməsi.
- Camaatın bu günah qarşısında susması.” (Nur təfsiri, Muhsin Qiraəti, c. 4, həmin ayənin təfsirində)

Yəqin ki “qurunun oduna yaş da yanar” məsələni eşitmisən. Əgər yaş yanırsa, özü də qurunun oduna yanırsa, “quru” ilə yoldaşlıq etdiyi üçün və nəticədə alışmağa icazə verdiyi üçün yanır. Yaş, yanmamaq üçün ya qurunu öz suyu ilə canlandırmalı, ya da “quru”dan uzaqlaşmalıdır.

Eləcə də əgər günahkar bir cəmiyyətə bəla gələndə möminləri də tutursa, bu, o günahkarlara görə deyil, əslində möminlərin öz səhvinə görədir. Möminlər, günahkarlara görə deyil, əksinə “yaxşılıqlara dəvət və pisliklərdən çəkındirmək” hökmünə əməl etmədikləri üçün bəlaya düşər olurlar.

Məsələnin digər tərəfi isə budur ki, möminlər günah əhli ilə onları günahdan çəkındirmədən rabitədə olduqca, həmin günah həm o möminlər üçün, həm də cəmiyyət üçün adlənir. Buna görə də gələn bəla və od hamı üçün gəlir. Burada kimsə digərinin tüstüsünə boğulmur. Allah-təala birinin günahına görə, digərini cəzalandırmaz. (Müraciət üçün: “Muddəssir” surəsi, ayə 38)

Əziz bacım! Diqqətini aşağıdakı ayənin (qısa da olsa) təfsirinə yönəltmək istərdim:

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

Qorxun (özünüzü hifz edin) o fitnədən (bəla və müsibətdən) ki, tək-cə zalımların ətəyindən tutmaz. (Əksinə, zalımların əməlləri qarşısında susduqlarına görə, bu bəla hamıya çatar). Bilin ki, Allah ağır cəza verəndir. (Ənfal surəsi, ayə 25)

“Fitnə” kəlməsi Qurani-Kərimdə bir neçə mənada işlənmişdir. O cümlədən; şirk, küfr, bəla, müsibət, sınaq, işkəncə və əzab. Bu ayədə isə “ictimai bəla və müsibətlər” mənasında işlədilmişdir.

Allah-təala zalımların (amerikanların) meydana gətirdiyi virusla dünyanı titrətdi. Həqiqətən də, Amerikanı idarə edənlər axmaq yığındır. Qərb mədəniyyəti rəngli kağızdan çəkilmiş bir hasara bənzəyir. Bir az yağış və külək üz gətirsə, məhv olub aradan gedəcəkdir.

Onlar insanları Allahdan uzaqlaşdırmaq istəsələr də, buna nail olmadılar. Əksinə, dünya xalqları Allaha bir az da yaxınlaşdılar. Bu virus bir tərəfdən zərər və bəla gətirsə də, digər tərəfdən bir neçə faydası da oldu:

1. Bu virusun yayılması təhlükəsinə görə kütləvi surətdə günah məclisləri, kozinolar, əxlaqsızlıq yuvaları bağlandı və zinanın sayı azaldı.
2. Camaat, məxsusən də varlılar - mal, pul, cah-cəlalın onlara kömək etməyəcəyini dərk etdi.
3. Böyük bir güc sayılan amerikanların acizliyi, axmaqlığı və bəşəriyyət düşməni olması dünyaya bir daha isbat oldu.
4. Qiyamət səhnələrindən biri müşahidə olundu.
5. Qədri bilinməyən böyük nemət – “sağlıq” hamıya qiymətli göründü.
6. Ailə üzvləri arasında daha da yaxın rabitə qurmaq üçün fürsət yarandı.
7. İnsanlar, dünyada müxtəlif dillərdə Allahı imdada yetişməyə səslədilər.

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ».

Şübhəsiz, Biz səndən əvvəlki ümmətlərə (də Peyğəmbərlər) göndərdik. Beləliklə, onları yoxsulluq və kasıblığa, xəstəlik və cismani əziyyətlərə düçar etdik (ki), bəlkə (Bizim dərgahımıza) boyun əyələr və yalvarıb-yaxaralar. (Ənam surəsi, ayə 42)

Belə olduqda, bir gün Qadir Allah belələrinə dərs vermək və qəflət yuxusundan oyatmaq üçün məcburi olaraq nəinki hicabı, hətta bədən üzvlərinin hər yerini bağlatdırdı. Onlar virusun qorxusundan başlarını, ağızlarını, burunlarını və əllərini belə gizlətməyə məcbur oldular.

Günlərlə əl-üzünü yumayan kəslər virusun qorxusundan hər gün mütəmadi olaraq sabunla əllərini və üzlərini yumağa başladılar. Hətta dua etməyi bacarmayan zalım dünya siyasətçiləri belə sağ qalsınlar deyər, öz qəsrələrində Allahı çağırdılar. Bir çoxları virusun adını eşitməklə stress keçirdilər və bu həyəcan nəticəsində dünyasını dəyişdilər.

Allah-təala həqiqətən də bu virusla insanları imtahan etdi.

«أَفَلَا تَذَكَّرُونَ».

Heç öyüd-nəsihət almırsınız?! (Nəhl surəsi, ayə 17)

Pandemiya bir çox həqiqətləri üzə çıxardı. Avropada insanlar adi tualet kağızına görə bir-birilərini vəhşi kimi döydülər. Mağazalarda ərzaq üstündə, apteklərdə dərman və maska əldə etmək üçün kütləvi davalar saldılar. İnkişaf etmiş bu dövlətlətlərin bir-birindən külli miqdarda maska oğurluğu belə müşahidə olundu. Belə olduqda, bir gün Qadir Allah belələrinə dərs vermək və qəflət yuxusundan oyatmaq üçün məcburi olaraq nəinki hicabı, hətta bədən üzvlərinin hər yerini bağlatdırdı.

peşman olduqlarını etiraf edər və bu bələdan qurtulmaq üçün hər bir vasitəyə əl atarlar. Həmin bəla uzaqlaşanda isə onlar yenidən etdikləri fitnə-fəsada qayıdılar. Qurani-Kərim “Yunus” surəsinin 22-ci ayəsində belə buyurur:

«حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ».

Nəhayət, siz gəmilərdə olan və gəmilər öz sərnəşinlərini xoş və mülayim bir küləyin vasitəsilə hərəkət etdirən və onlar ondan xoşhal olduqları zaman, (birdən) həmin gəmilərə şiddətli bir külək əsər, (dənizin) dalğa(sı) hər tərəfdən onlara çırpılar və onlar (dalğaların və bəlanın) mühasirəsində olmalarına yəqinlik edərlər, (o halda) iman və etiqadla, saf niyyətlə Allahı çağırırlar: Əgər bizi bundan (bu təhlükədən) qurtarsan, mütləq şükür edənlərdən olacağıq.

Diqqət etdinmi, pandemiyanın yayılması nəticəsində hicaba nifrət hissilə yanaşan, açıq-saçıq gəzən və Allah-təaladan qorxmayıb başını bağlamayan qadınlar, təbii gözlə belə görünməyən bir mikrobdan qorxub başlarını bağlamağa məcbur oldular.

Bu barədə heç düşündünmü? Uca Allah hicabı tövsiyə edərək qadınların örtünməsinə məsləhət bildi. O, hər gün insanları təmizliyə çağırırdı. Lakin insanların əksəriyyəti Allah-təalanın bu qanunlarını saymayıb ayaqları altına atdılar. (Məsələn, hər gün ən azı üç dəfə ayaqyolunda yuyunmaq, hər gün ən azı üç dəfə dəstəmaz almaq, həftədə ən azı bir dəfə qüsl (cümə qüslü) etmək, hər gün dişləri yumaq və s.)

# Korona virusu bəhanəsi ilə qadınlara nəsihət<sup>1</sup>

Müəllif: Rövşən Əhmədzadə (Azərbaycan)<sup>2</sup>

Alınan Tarix: 24/04/2020

Qəbul Tarixi: 06/09/2020

## Məqalənin xülasəsi

Allah-təalanın insanlıq üçün qoyduğu qanunlar Qiyamətə qədər öz aktuallığını qoruyacaq. Əziz Peyğəmbərimizin (salləllahu ələyhi və alihi və səlləm) zamanında ümmətin etdiyi günahlar, O Həzrəti narahat etdiyi kimi, bu gün edilən günahlar da Zəmanə Sahibini (əccələllahu təala fərəcəhuşşərif) narahat edir. Bəli, həmin gühanlardan biri də hicabsızlıqdır. Dünyaya yayılan “korona” adlı virusun insanların həyatına təsiri də heç kimə gizli deyil. Biz bu hadisəni bir fürsət sayıb əziz bacılarımıza bəzi nəsihətləri edirik.

## Açar Sözlər: İslam, Korona, Qadın, Hicab

Yəqin ki, dünyaya yayılan “korona” adlı virusun insanların həyatına təsirini müşahidə etdin. Bu virus, tamamilə yaşayışı alt-üst etdi. Nizam-intizam bir-birinə dəydi. Bağçalar, orta məktəblər, institutlar, bir sözlə dövlət müəssisələri bağlandı.

Bir ökədən başqasına, hətta bir şəhərdən digərinə getmək qadağan olundu. Minlərlə insan bu dəhşətli virusdan həm xəstələndilər, həm də dünyasını dəyişdilər. (Hal-hazırda bu epidemiya davam edir. (aprel, 2020)

Həqiqətən insanların əksəriyyəti nankordur. (İsra surəsi, ayə 67) Belə ki, onlara hər hansı bir çətinlik və bəla üz verərkən tez Allahı çağırar, öz əməllərindən

---

1. Bu məqalə “Əziz bacıma nəsihət” kitabından götürülmüşdür, Nəşr edən: “ООО Типография КЕМ”

2. İslam araşdırmaları institutunun magistrı, Təfsir, İslam araşdırmaları institutu, Əl-Mustafa Beynəlxalq Universiteti, Qum, İran, [kitabullah-14@mail.ru](mailto:kitabullah-14@mail.ru)

## Baş Redaktorun ön Sözü

Tədqiqat, elm sahəsində həyat şərbəti rolunu oynayır. Onun inkişafı elmin sərhədlərinin genişlənməsi və çiçəklənməsi deməkdir. Tədqiqat və araşdırma sahəsinə diqqətsizlik etmək, elmi inkişafın zəifləməsi və sonda tamamilə məhvini gətirib çıxarır. Bu da, cəhlin yaranmasına şərait yaradır. Belə ki, müasir dünyada sağlam tədqiqatın olmamasının məhsulu olan “modern cəhalətin” şahidi oluruq.

Elmi sahələrin günbəgün inkişafı, daha çox elmi sahələrə daxil olmağın zərurətini çatdırır. Bu gün, islam elmlərinin müxtəlif sahələri beynəlxalq aurada araşdırılmalı və düzgün təqdim edilməlidir.

"PURE LIFE" jurnalı Əl-Mustafa Virtual Universitetinin tələbələrinə öz elmi-tədqiqat əsərlərini buraya təqdim etmək üçün şərait yaradaraq, tələbə əsərlərinin elmi səthini inkişaf etdirməyə və islami-humanitar sahələrdə fəaliyyət göstərən araşdırmaçıların əlaqələrinin möhkəmlənməsinə xidmət edir.

"PURE LIFE" jurnalı hər fəslə, bir neçə dildə, elektron versiyada elmi məqalələrlə nəşr edilir. Bu nömrəmizdə, xüsusi buraxılışımız: **“Din və təbii fəlakətlər Korona Virus; fürsətlər və problemlər (2)”** mövzusunda. Jurnalda fars, ərəb və Azərbaycan, dillərində yeddinci üstün elmi məqalə mövcuddur.

“PURE LIFE” jurnalı Əl-Mustafa nəşriyyat şurasının, həmçinin, İran İslam Respublikası İslam Mədəniyyəti və İncəsənəti Nazirliyinin fərmanına əsasən, bu jurnal, Əl-Mustafa Beynəlxalq Virtual Universitetinin ilk elmi-tədqiqat gurnalı olaraq, dəyərli alimlərin və tələbələrin elmi əsərlərini qəbul edir.

## **Müdirin ön sözü**

“**PURE LIFE**” jurnalı bəşərin həmişəyaşar mənəvi həyatına açılan bir qapıdır. Əl-Mustafa Beynəlxalq Virtual Universiteti yer üzündə ilahi maarifi yaymağı öz ülvî vəzifəsi sayır. Allah-təalanın lütfü ilə sahib olduğu elmi dəyərlər ilə yeni bir mənəvi həyatın təməlini qoymağa çalışır. Dünya və axirət səadətini təmin etmək yolunda addımlayır.

“**PURE LIFE**” jurnalı universitetin tələbələri üçün də, elmi-mədəni fəaliyyətlərini virtual fəzada daha da inkişaf etdirmək və elmi dillə ilahi maarifi bəşərin həyatının müxtəlif sahələrində nəşr etmək yolunda gözəl bir fürsətdir. Ümidvarıq ki, elm nurunun axtarışında olan hər bir şəxsin əməylə, bu elm və mərifət pəncərəsi daha da faydalı olsun.

- İstifadə edilmiş məqalə: Müəllifin familyası, adı, nəşr ili, məqalənin ünvanı, tərcüməçinin adı, nəşriyyat (bold şəklində), çap dövrəsi, çap nömrəsi, məqalənin səhifələrinin sayı, nəşr ili.
- 12. Mətnə istiadə edilmiş mənbələrin haşiyədə qeyd olunma tərz: Müəllifin adı, nəşr ili, səhifə. Misal: (Təbatəbai, 1991:76)
- 13. Hər səhifədəki haşiyənin mənbəyinin qeyd forması: Xarici dildə olan kəlmələr, islah edilmiş mənbələrin şərh və sair aşağıda haşiyədə gətirilməlidir.
- 14. Məqaləni yazan şəxs və şəxslər, məqalələrini Universitetin Elm-tədqiqat Departamentinin elektron-poçtuna göndərməlidirlər: [research@mou.ir](mailto:research@mou.ir)
  - Bununla birgə, ad, familya, elmi rütbə, ünvan, tel. nömrəsi və elektron-poçtunuzu (Email) göndərin.
  - Jurnal bir neçə dildə birgə fəaliyyət göstərdiyi üçün, dəyərli tədqiqatçılar öz əsərlərini Azərbaycan, fars, ərəb, ingilis, ordu və sair dillərdə təqdim edə bilərlər.

## **Məqalə və Təqdim şəkli:**

1. Məqalə aşağıdakı bölümlərə malik olmalıdır:
  - Ünvan, xülasə, açar kəlmələr, müqəddimə yaxud mövzuya giriş, məqalənin əsas mətni, nəticə, istifadə olunmuş mənbələr.
2. Məqalələr əvvəllər çap olunmamış olmalı və müəllif məqaləni başqa nəşriyyat verməyə öhdədar olmamalıdır.
3. Elmi və hüquqi cəhətdən məqalənin doğruluğu üçün , müəllif məsuliyyət daşıyır.
4. Məqalələrin qəbul edilib-edilməməsi jurnalın öhdəsindədir. Nəşriyyat 30 gün ərzində məqalənin müəllifinə bu haqda məlumat verməlidir.
5. Elmi dəyərləndirmədən sonra məqalənin jurnalda çalınması üçün son təsdiq, təhrir heyətini öhdəsindədir.
6. Məqalənin həcmi ən az 8 səhifə və ən çox 25səhifə, hər səhifədə 250 kəlmə olmalıdır.
7. Jurnalın məqalələrindən istifadə, jurnala istinad verilmək şərti ilə manesizdir.
8. Məqalənin fars, ərəb, ingilis dilində olan xülasəsi ən çox 250 kəlmə olmalıdır.
9. Məqalənin (farsca) yazılış qələmi font 14 və B Lotus xətti ilə olmalıdır.
10. Ərəb dilində olan məqalələrin qələmi font 15 və Arabic Typesetting xətti ilə olmalıdır. Ordu dilində font 14 və Alvi Nastaleeq xətti ilə olmalıdır. İngilis və Azərbaycan dilindəki məqalələr font 13 və Times New Roman xətti ilə yazılmalıdır.
11. İstifadə olunmuş mənbələr əlifba sıraası ilə və aşağıdakı şəkildə olmalıdır:
  - İstifadə edilmiş kitab: Müəllifin familyası, adı, nəşr ili, kitabın ünvanı (bold şəkildə), tərcüməçinin və yaxud düzəliş edən şəxsin adı, çap növü, məkan, nəşriyyat.

Qanuni göstəriş:  
Əl-Mustafa nəşriyyat şurasının iyirmi ikinci iclası  
(2014.3.10),  
İran İslam Respublikası İslam Mədəniyyəti və  
İncəsənəti Nazirliyinin 74327 nömrəli fərmanına  
əsasən,  
bu jurnal elm-tədqiqat gurnalı kimi təyin edildi.

<http://p-l.journals.miu.ac.ir>

<https://civilica.com/l/20058>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325>

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/2125>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<https://journals.indexcopernicus.com/search/details?id=67468>



Müxtəlif Dillərdə Fəaliyyət Göstərən Elmi-tədqiqat Jurnalı

## PURE LIFE

Xüsusi buraxılış: **“Din və təbii fəlakətlər Korona Virusü;  
fərsətlər və problemlər (2)”**

nömrə: İyirmi ikinci, Nəşr il: Yeddinci, 2020 Sentyabr  
(1442 h.q. Məhərrəm, 1399 h.ş. Şəhriyə)

**Təməl imtiyaz sahibi:** Əl-Mustafa Beynəlxalq Universiteti,  
Əl-Mustafa Open Universiteti, Elm- Tədqiqat Departamenti

**Müdir:** PhD. Seyid Mahdi Hüseyni

**Baş redaktor:** PhD. Seyid Abazar Həşimi Harikandei

**İcraçı:** Məhəmməd Cavad Nəcəfli (Höccətül-İslam)

### Təhrir heyəti:

|                                |                                                                         |
|--------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|
| Seyid Mahdi Hüseyni            | Prezidenti of Əl-Mustafa Open Universiteti (Iran)                       |
| Seyid Abazar Həşimi Harikandei | Əl-Mustafa Open Universiteti, Elm-Tədqiqat Departamentinin Sədri (Iran) |
| Mahmud Nazari                  | Professor at Al-Mustafa Open University (Iran)                          |
| Mahdi Sazandegi                | Professor at Al-Mustafa Open University (Iran)                          |
| Tofiq Əsədov                   | Əl-Mustafa Open Universiteti Professoru (Azərbaycan)                    |
| Mojtaba Rahmati                | Əl-Mustafa Open Universitetinin Professoru (Iran)                       |
| Yezən Əli                      | Əl-Mustafa Open Universitetinin Professoru (İraq)                       |
| Qulam Cabir Məhəmmədi          | İmam Xomeyni Universitetinin Professoru (Pakistan)                      |
| Kamal Kurkamaz                 | Əl-Mustafa Open Universitetinin Professoru (Türkiyə)                    |

**Adres:** Qum, Cənub Sahil Xiyabanı, Məsələdən öncə, 4 və 6 -cı küçələrin Arası

**Post:** 3713913554

**Tel. və Fax:** 32114175-32613875

**Səhifə Sayı:** 190

**ISSN:** 2676-7619

**Nəşr:** Elektron Versiya

**Web:** <http://p-l.journals.miu.ac.ir>

**Email:** [research@mou.ir](mailto:research@mou.ir)